



س بود

شهید کچیک محمد ناز

رئیس شهبه حسین دای

شهید کچیک غلام علی رشید

شهید لشکر امیر علی خاواوه

شهید ترنپ داوود شجیان

شهید لشکر غلام رضا مجری

شهید لشکر محمدی رباعی

۱۰
پرونده

مردانی که زندگی و زمانه شان دفاع مقدس بود

مادر حکیم
واژه جنگ نمی ترسم
صادق
(امام خمینی ره)

هفته نامه | سیاسی، فرهنگی و اجتماعی | سال بیست و چهارم | شماره ۱۱۹۲ | دوشنبه ۲۶ خرداد ۱۴۰۴ | ۲۰ ذی الحجه ۱۴۴۶ | ۱۶ ژوئن ۲۰۲۵ | ۱۶ صفحه

رضا صارمی



۲
سرمقاله

خطای محاسباتی که اثبات شد!

۳
دیدگاه



فریدون حیدری حویق

۸
پرونده



فرمانده مقتدر

شهدای غدیر؛ ویژه سرداران شهید سپاه اسلام در خرداد ۱۴۰۴

۱۵
پاسدار

مرگ صهیونیست ها قطعی شد

۲
نگاه

پیچاره خواهند شد



۱۵
سپاه

هنوز اصل کاری رو ندیدید!

سر مقاله

خطای محاسباتی که اثبات شد!



رضا صارمی‌راد

کارشناس مسائل بین‌الملل

توثیت آقای «البوسعیدی» وزیر خارجه عمان تکلیف مذاکرات دور ششم روز بیست و پنج خرداد ماه را تعیین و اعلام کرد، با توجه به عدم حضور جمهوری اسلامی برای مذاکره غیرمستقیم با آمریکا مذاکرات لغو است.

آمریکایی‌ها در این پنج دوره مذاکرات در واقع یکسری رفتارهای ریاکارانه داشتند، یعنی ترامپ با اینکه اطلاع داشت که رژیم صهیونیستی در حال تدارک برای حمله به ایران است، اعلام می‌کرد، مذاکره با ایران برای جلوگیری از جنگ است و تا زمانی که مذاکره ادامه دارد رژیم صهیونیستی هیچ حمله‌ای را بر علیه ایران انجام نخواهد داد، ولی مخفیانه ۳۰۰ فروند موشک هلفایر را تحویل اسرائیل داده است. این موشک‌ها هوا به زمین هستند که توسط لیزر هدایت می‌شوند و کاربرد آنها جهت انجام حملات دقیق برای ترور اشخاص است. آمریکا بعد از شروع حملات اعلام می‌کند که هیچ نقشی در حملات نداشته است و رژیم صهیونیستی خود بهتتهایی این اقدامات را انجام‌داده است. بر اساس اطلاعاتی که در درون دولت آمریکا بهدست آمده است یک تلاش گسترده‌ای وجود دارد که پای آمریکا به درگیری با ایران باز شود و ادبیات مسئولان آمریکایی هم از این موضوع حکایت دارد، صهیونیست‌ها از روز شنبه اعلام کردند که بهتتهایی قادر به مقابله با ایران نیستند و وارد مذاکرات مخفیانه با دولت آمریکا برای ورود این کشور به درگیری شدند. برای نمونه «مایک هاگابی» سفیر آمریکا در رژیم صهیونیستی در توثیتی نوشت، آنهاکه می‌گویند اسرائیل هیچ اهمیتی برای آمریکا ندارد به یاد داشته باشند که هفتصد هزار آمریکایی در اسرائیل زندگی می‌کند و حمله به اسرائیل حمله به هموطنان ما است که در اینجا زندگی می‌کنند. با توجه به اینکه ترامپ بهشدت تحت تأثیر رسانه‌ها قرار دارد افرادی مانند «شان هنتی»، «مارک لوین» و «روبرت مورداک» هم به کمک اسرائیل آمدند و ترامپ را تشویق به ورود به جنگ می‌کنند. در کنار این اشخاص ثروتمندانی که از دوستان گرمابه و گلستان ترامپ هستند مانند «آیک پرل مورتر» و «میرام آدلسون» هم سعی دارن ترامپ را وارد جنگ کنند. البته در درون آمریکا «دی ونس» معاون رئیس جمهور مخالف هر گونه اقدام نظامی است. همچنین «برنی ساندرز» در سخنانی گفت حمله نامشروع «تتانیاهو» دیپلماسی آمریکا را تحقیر کرد و نباید اجازه دهیم که تتانیاهو ما را وارد جنگ دیگر کند و هر اقدام نظامی آمریکا باید با مجوز «سنا» باشد. سناتور دموکرات «کریس کنس» هم گفته است، امیدوارم ایران پایگاه‌های نظامی و مواضع ما را در منطقه هدف قرار ندهد. تمام برآوردها حاکی از آن است که نمیتوان با گزینه نظامی، برنامه هسته‌ای ایران را پایان داد. از فعالان رسانه‌ای هم «تاکر کارلسون» مجری سابق فکس نیز از دوستان نزدیک ترامپ در پیامی به‌وی گفته است، تقسیم‌بندی بین کسانیکه از اسرائیل حمایت می‌کنند و کسانیکه از ایران یا فلسطین حمایت می‌کنند، درست نیست زیرا تقسیم‌بندی بین جنگ‌طلبان و صلح‌سازان هست. از مجموع این مطالب می‌توان گفت، همانطور که جمهوری اسلامی رژیم صهیونیستی را به این جمع‌بندی رساند که دچار خطای محاسباتی شده است باید آمریکا را هم متوجه کنیم که دچار خطای محاسباتی نشود. پاسخ گسترده و قاطع جمهوری اسلامی به رژیم صهیونیستی ظرف روزهای گذشته و در ادامه در روزهای آینده می‌تواند به این موضوع کمک کند و آثار آن هم تا حدودی مشخص شده ترامپ در آخرین توثیت خودش گفته حاضر است که جنگ خونین ایران و اسرائیل را پایان دهد.

احسان بهاری

خبرنگار

در نخستین ساعات سحرگاه ۲۳ خرداد، آسمان تهران و چند شهر دیگر ایران با انفجارهایی پی‌درپی لرزید؛ صدایی که نوید ورود رسمی دشمنی قدیمی را به صحنه‌ای تازه از نبرد می‌داد. رژیم صهیونیستی، در قالب عملیاتی بسا عنوان «ملتی چون شیر»، حمله‌ای تروریستی و گسترده را علیه ایران آغاز کرد؛ عملیاتی که هدف آن، به ادعای نخست‌وزیر این رژیم، تأسیسات هسته‌ای جمهوری اسلامی بود. اما آنچه در عمل اتفاق افتاد، نه حمله به سایت‌های هسته‌ای، بلکه ترور فرماندهان عالی‌رتبه نظامی و دانشمندان برجسته کشورمان بود؛ جنایتی که نه فقط از ضعف اطلاعاتی مهاجم، که از سردرگمی راهبردی و وحشت از آینده‌ای اجتناب‌ناپذیر حکایت دارد.

در همان روز نخست تصاویری از انفجارهایی در شمال، غرب و مرکز تهران، و حتی در استان‌هایی چون کرمانشاه و لرستان، تبریز به چشم می‌آمد. اما آنچه بیش از هر چیز به چشم آمد، حفظ آرامش نسبی در میان مردم و انسجام در موضع‌گیری نهادهای مسئول بود. فرودگاه اسام خمینی برای ساعاتی فعالیت خود را متوقف کرد، اما نه از سر آسیب، بلکه در چار چوب تدابیر احتیاطی؛ همان‌گونه که وزارت کشور خواستار پیگیری اخبار تنها از مراجع رسمی شد.

در جریان این حمله، شهادت نام‌هایی سنگین و گران‌سنگ اعلام شد: «سرلشکر حسین سلامی» فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، «سرلشکر غلامعلی رشید» فرمانده قرارگاه خاتم‌الانبیا(ص) و فرزانش، و دو دانشمند برجسته هسته‌ای، «دکتر محمدهدی طهرانچی» و «دکتر فریدون عباسی». به فاصله کوتاهی، شهادت «سرلشکر محمد باقری» رئیس ستادکل نیروهای مسلح نیز اعلام شد. رژیم صهیونیستی به این افراد پسنده نکرده بود و افراد و خانواده‌های غیرنظامی که بیشترشان زن و کودک بودند را نیز مورد حملات قرار داده بود. این اسامی، هر یک به‌تنهایی نماد یک مکتب و یک مسیر در دفاع از امنیت ملی و استقلال کشورند. دشمن گمان می‌برد با حذف آنها خللی در ساختار دفاعی کشور ایجاد می‌شود که در واقع نشان از ناآگاهی او از روحیه جانشینی، سازمان‌دهی و آرمان‌محوری در ساختار دفاعی جمهوری اسلامی دارد.

واکنش‌ها به این حمله، قاطع و هم‌صدابود؛ از رهبر معظم انقلاب اسلامی که وعده «مجازات سنگت» دادند، تا بیانیه‌های ارتش، سپاه، دولت، قوه قضائیه و وزارت امور خارجه. در همه این واکنش‌ها، یک پیام مشترک شنیده می‌شود؛ این یک تجاوز تمام‌عیار بود، و پاسخ آن نه‌تنها در میدان آشکار کرده است.

نخستین نکته قابل توجه، حفظ شرایط عادی زندگی در ایران است. در شرایطی که بسیاری از ناظران جهانی انتظار داشتند با آغاز حملات، کشور در حالت بحران فرو برود، اما اتفاقی کاملاً متضاد با این تصور روی داده است. بازارها فعال‌اند، توزیع کالا‌های اساسی بدون اختلال ادامه دارد و هیچ نشانی از فروپاشی در زیربیره‌های حیاتی کشور دیده نمی‌شود. این نه‌تنها از آمادگی پیشینی در حوزه‌های اقتصادی و لجستیکی خبر می‌دهد، بلکه بیانگر نوعی آرامش اجتماعی و اعتماد عمومی به مدیریت بحران است که هر کشوری در روزهای نخست جنگ به آن نیاز دارد.

همزمان، پاسخ نظامی ایران به تجاوز صهیونیست‌ها نه تنها متوقف نشده، بلکه با هر حمله، ارتقا یافته است. این ارتقاء نه‌فقط در برد و

نظامی، بلکه در میدان دیپلماسی، حقوق بین‌الملل و عرصه افکار عمومی نیز دنبال خواهد شد. مهم‌تر آنکه، ایران در موضع واکنش نیست، بلکه در آستانه ورود به مرحله‌ای تازه از راهبرد فعال بازدارندگی قرار گرفته است.

برای ملت ایران، شب پر حادثه ۲۳ خرداد، اگر چه با اندوه شهادت فرماندهان و دانشمندان آغاز شد، اما نه با ترس که با ایستادگی ادامه یافت. پیام صریح فرماندهان ارشد نیروهای مسلح، اعم از سپاه و ارتش، مبنی بر آمادگی کامل و برنامه‌ریزی برای پاسخ «کوبنده» پشیمان‌کننده و بازدارنده»، بیش از آنکه وعده انتقام باشد، هشدار روشنی به مهاجم است که عرصه تحولات آینده، دیگر در کنترل او نخواهد بود.

در روز نخست حمله رژیم صهیونیستی به ایران مسئولان و تحلیلگران ایرانی در رسانه ملی به صهیونیست‌ها گفتند که آتش‌یازی در نیمه‌شب شاید چند ساعتی سرخط رسانه‌ها را اشغال کند، اما آنچه تاریخ را می‌نویسد، نه لحظه حمله، که لحظه پاسخ است. و این لحظه، در راه است. در این نبرد نابرابر از نگاه ظاهری، قدرت حقیقی نه در سلاح، که در حقانیت، انسجام داخلی و عمق راهبردی نهفته است. ایران این سه را در اختیار دارد.

در دومین شب از جنگ مستقیم میان ایران و رژیم صهیونیستی، نیروهای مسلح کشورمان با بارانی از موشک‌های سنگین و هایپر سونیک، قلب اقتصادی و امنیتی دشمن را در حيفا، تل‌آویو و دیگر نقاط استراتژیک هدف قرار دادند؛ حملاتی که تنها گوشه‌ای از پاسخ ایران بود و اکنون نوبت به نابودی شریان‌های اقتصادی این رژیم رسیده است.

دومین شب وسومین روز از جنگ تحمیلی رژیم صهیونیستی علیه جمهوری اسلامی ایران، به شبی فراموش‌نشدنی در تاریخ تحولات منطقه تبدیل شد؛ شبی که در آن، نیروهای مسلح مقتدر جمهوری اسلامی ایران و دلاورمردان هوافضای سپاه نه‌تنها پاسخ قاطع و خردکننده‌ای به تجاوز دشمن داد، بلکه لرزهای سهمگین بر ارکان اقتصادی، نظامی و روانی رژیم جعلی صهیونیستی انداخت. آن‌چه در ساعات پایانی شامگاه شنبه و روز یکشنبه در حيفا، تل‌آویو، ایلات و قلب سرزمین‌های اشغالی روی داد، فقط آغاز فصل تازه‌ای از «خشم مقدس» ایران بود.

در دومین شب رویارویی مستقیم ایران و رژیم صهیونیستی، سامانه‌های دفاعی گنبد آهنبین (که رسانه‌های غربی سال‌ها آن را «نفوذناپذیر» معرفی می‌کردند) و سامانه‌های پدافندی هدیه غرب به رژیم صهیونیستی همچون تاد و باتریوت یکی پس از دیگری از کار افتاد و در برابر شلیک همزمان ده‌ها فروند موشک‌های دوربرد و هایپر سونیک ایران، تنها نظاره‌گر انفجارهای عظیم در پایتخت رژیم اشغالگر قدس و مناطق حساس شمالی آن بود.

در این حمله گسترده، پالایشگاه حيفا به‌عنوان

گزارش صبح صادق از تجاوز رژیم تروریستی صهیونی به کشورمان

بیچاره خواهند شد

مهم‌ترین گلوگاه اقتصادی این رژیم، با کلاهک‌های سنگین و دقیق‌ترین موشک‌های نقطه‌زن ایرانی مورد اصابت موفق قرار گرفت و آتش‌سوزی‌های زنجیره‌ای در مخازن آن، ساعت‌ها ادامه داشت. به‌گفته منابع امنیتی، خسارات وارده به حدی است که بازسازی کامل این پالایشگاه زمان خواهد برد و میلیاردها دلار هزینه بسر دوش رژیمی خواهد گذاشت که پیش از این هم از اقتصاد شکننده و وارداتی رنج می‌برد.

گلوگاه‌های اقتصادی؛ هدف بعدی

شبی و روزی که گذشت، تنها پرده‌ای بسیار محدود از ظرفیت عظیم و مرگبار جمهوری اسلامی ایران برای فلج‌سازی کامل اقتصاد رژیم صهیونیستی بود؛ ظرفیتی که فعال شدن تدریجی آن در روزهای آینده، موجودیت این رژیم جعلی را با خاکستر یکسان خواهد کرد. شلیک همزمان ده‌ها فروند موشک زمین‌به‌زمین با قدرت تخریب بسیار بالا بهسمت زیرساخت‌های حیاتی و صنعتی دشمن، پیامی روشن، دقیق و هشدارآمیز به سران متوهم تل‌آویو و حامیان‌شان بود: پالایشگاه حيفا، اسکله‌های حيفا وام الرشر اش (ایلات)، نیروگاه‌های برق، تأسیسات آب‌شیرین‌کن و مراکز ذخیرسازی سوخت، همگی نه فقط در تیررس هستند، بلکه بخشی از فهرست اهداف قطعی ایران بودند. واقعیت غیرقابل انکار این است که رژیمی که حیات اقتصادی‌اش به چند بندر محدود، یک پالایشگاه بزرگ، چند مجتمع صنعتی و شبکه‌ای کوچک از نیروگاه‌های پرانکده وابسته است، اصولاً نمی‌تواند تاب‌آوری یک جنگ طولانی‌مدت را داشته باشد. بر خلاف جمهوری اسلامی ایران که در وسعتی به‌مراتب گسترده‌تر، دارای زیرساخت‌های متنوع، پراکنده، مقاوم‌سازی‌شده و بومی‌سازی‌شده در سراسر کشور است، رژیم صهیونیستی تنها بر چند گلوگاه آسیب‌پذیر متکی است.

کارشناسان نظامی معتقدند که ضربه به پالایشگاه حيفا نه فقط یک حمله نظامی، بلکه یک پیام راهبردی است؛ این پیام که در مرحله بعد، مراکز مدیریت انرژی، تأسیسات پتروشیمی و کریدورهای صادراتی و وارداتی این رژیم هدف خواهند بود. به‌عبارت روشن‌تر، ایران اینک در موقعیتی است که می‌تواند ظرف ۷۲ ساعت، اقتصاد این رژیم را به نقطه «ایست کامل» برساند.

شگفتانه‌های ایران در راه است

در حالی‌که در تل‌آویو هنوز صدای انفجارهای شب و روزهای گذشته در گوش صهیونیست‌ها طنین دارد، مقام‌های نظامی ایران اعلام کرده‌اند که شگفتانه‌های بیشتری در راه است و غافلگیری‌های تازه‌ای در اتاق عملیات ایران برای دشمن طراحی شده است. آنچه دشمن دید، تنها پرده‌ای از نمایش بزرگ پاسخ ایران بود.

رسانه‌های عبری از استیصال و فروپاشی روحیه

مهم‌ترین گلوگاه اقتصادی این رژیم، با کلاهک‌های سنگین و دقیق‌ترین موشک‌های نقطه‌زن ایرانی مورد اصابت موفق قرار گرفت و آتش‌سوزی‌های زنجیره‌ای در مخازن آن، ساعت‌ها ادامه داشت.

به‌گفته منابع امنیتی، خسارات وارده به حدی است که بازسازی کامل این پالایشگاه زمان خواهد برد و میلیاردها دلار هزینه بسر دوش رژیمی خواهد گذاشت که پیش از این هم از اقتصاد شکننده و وارداتی رنج می‌برد.

در روزهای آینده، موجودیت این رژیم جعلی را با خاکستر یکسان خواهد کرد. شلیک همزمان ده‌ها فروند موشک زمین‌به‌زمین با قدرت تخریب بسیار بالا بهسمت زیرساخت‌های حیاتی و صنعتی دشمن، پیامی روشن، دقیق و هشدارآمیز به سران متوهم تل‌آویو و حامیان‌شان بود: پالایشگاه حيفا، اسکله‌های حيفا وام الرشر اش (ایلات)، نیروگاه‌های برق، تأسیسات آب‌شیرین‌کن و مراکز ذخیرسازی سوخت، همگی نه فقط در تیررس هستند، بلکه بخشی از فهرست اهداف قطعی ایران بودند. واقعیت غیرقابل انکار این است که رژیمی که حیات اقتصادی‌اش به چند بندر محدود، یک پالایشگاه بزرگ، چند مجتمع صنعتی و شبکه‌ای کوچک از نیروگاه‌های پرانکده وابسته است، اصولاً نمی‌تواند تاب‌آوری یک جنگ طولانی‌مدت را داشته باشد. بر خلاف جمهوری اسلامی ایران که در وسعتی به‌مراتب گسترده‌تر، دارای زیرساخت‌های متنوع، پراکنده، مقاوم‌سازی‌شده و بومی‌سازی‌شده در سراسر کشور است، رژیم صهیونیستی تنها بر چند گلوگاه آسیب‌پذیر متکی است.

کارشناسان نظامی معتقدند که ضربه به پالایشگاه حيفا نه فقط یک حمله نظامی، بلکه یک پیام راهبردی است؛ این پیام که در مرحله بعد، مراکز مدیریت انرژی، تأسیسات پتروشیمی و کریدورهای صادراتی و وارداتی این رژیم هدف خواهند بود. به‌عبارت روشن‌تر، ایران اینک در موقعیتی است که می‌تواند ظرف ۷۲ ساعت، اقتصاد این رژیم را به نقطه «ایست کامل» برساند.

دومین شب وسومین روز از جنگ تحمیلی رژیم صهیونیستی علیه جمهوری اسلامی ایران، به شبی فراموش‌نشدنی در تاریخ تحولات منطقه تبدیل شد؛ شبی که در آن، نیروهای مسلح مقتدر جمهوری اسلامی ایران و دلاورمردان هوافضای سپاه نه‌تنها پاسخ قاطع و خردکننده‌ای به تجاوز دشمن داد، بلکه لرزهای سهمگین بر ارکان اقتصادی، نظامی و روانی رژیم جعلی صهیونیستی انداخت. آن‌چه در ساعات پایانی شامگاه شنبه و روز یکشنبه در حيفا، تل‌آویو، ایلات و قلب سرزمین‌های اشغالی روی داد، فقط آغاز فصل تازه‌ای از «خشم مقدس» ایران بود.

در دومین شب رویارویی مستقیم ایران و رژیم صهیونیستی، سامانه‌های دفاعی گنبد آهنبین (که رسانه‌های غربی سال‌ها آن را «نفوذناپذیر» معرفی می‌کردند) و سامانه‌های پدافندی هدیه غرب به رژیم صهیونیستی همچون تاد و باتریوت یکی پس از دیگری از کار افتاد و در برابر شلیک همزمان ده‌ها فروند موشک‌های دوربرد و هایپر سونیک ایران، تنها نظاره‌گر انفجارهای عظیم در پایتخت رژیم اشغالگر قدس و مناطق حساس شمالی آن بود.

در این حمله گسترده، پالایشگاه حيفا به‌عنوان

در درون سرزمین‌های اشغالی خبر می‌دهند. در میانه شب، پیام‌هایی مبنی بر درخواست فوری میانجی‌گری از سوی آمریکا، فرانسه و حتی چند کشور عربی از سوی مقامات تل‌آویو به‌دست برخی دولت‌ها رسید. این نشان می‌دهد که رژیم صهیونیستی زودتر از آنچه انتظار می‌رفت به نقطه پایان تحمل خود رسیده و برای بقای عارتی‌اش بار دیگر دست به دامن واشنگتن و لندن شده است.

رسانه‌های آمریکایی نیز به‌صراحت اعتراف کرده‌اند که مقامات رژیم اشغالگر قدس به‌شکل بی‌سابقه‌ای از آمریکا و برخی دیگر از متحدان غربی خود درخواست مداخله مستقیم کرده‌اند؛ جمهوری اسلامی ایران نیازی به‌واسطه‌ها و میانجی‌ها ندارد؛ چون سیاست ایران روشن، صریح و برگرفته از منطق بازدارندگی فعال است: هر تیری که از کمان صهیونیست‌ها خارج شود، با موشکی سنگین‌تر و پاسخ‌کوبنده‌تر روبرو خواهد شد.

ترامپ، از حمله حمایت می‌کند، از مذاکره دم می‌زننددر حالی‌که هنوز دود انفجار موشک‌های ایرانی در حيفا و تل‌آویو به آسمان بلند است و رژیم صهیونیستی از شوک پاسخ‌کوبنده ایران بیرون نیامده، «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور آمریکا، در اظهاراتی متناقض و فریبکارانه بار دیگر نشان داد که نه‌تنها مهرای بی‌اختیار در خدمت لابی‌های صهیونیستی است، بلکه در تحلیل شرایط منطقه نیز همچنان در تاریکی مطلق بسر می‌برد. ترامپ که‌در ظاهر اعلام کرده «آمریکا هنوز وارد جنگ نشده»، در عین حال از حمله به ایران ابر از رضایت کرده و با بی‌شرمی گفته است: «چنین حمله‌ای علیه ایران باید رخ می‌داد تا شاید آن‌ها سریع‌تر به توافق برسند!» این موضع‌گیری دوگانه، نشان‌دهنده همان نگاه ابزارانگارانه و استعماری است که سال‌هاست در سیاست خارجی آمریکا نهادینه شده: از یکسو مدعی عدم مداخله‌اند و از سوی دیگر، صراحتاً از تجاوز و جنگ حمایت می‌کنند! ترامپ به‌زعم خود می‌خواهد «با شلیک و بمباران»، ایران را پای میز مذاکره بشکاند؛ غافل از آن‌که همین منطق پوسیده، بارها توسط ملت ایران لگدمال شده و امروز بیش از هر زمان دیگر، سیاست چماق و هویج آمریکا به خاکستر بدل شده است.

جالب‌تر آن‌که ترامپ، در حالی از «میانجیگری پوتین» سخن می‌گوید که خود عامل اصلی خروج از برجام، آغاز فشار حداکثری و تشدید تنش در منطقه بود. حال چگونه کسی که آتش‌افروز میدان است، می‌خواهد در نقش آتش‌نشان ظاهر شود؟ این همان منطق معیوب و پرتناقض آمریکاست که از یکسو شمشیر می‌کشد و از سوی دیگر شاخه‌زیتون جعلی در دست می‌گیرد.

جالب‌تر آن‌که ترامپ، در حالی از «میانجیگری پوتین» سخن می‌گوید که خود عامل اصلی خروج از برجام، آغاز فشار حداکثری و تشدید تنش در منطقه بود.

حال چگونه کسی که آتش‌افروز میدان است، می‌خواهد در نقش آتش‌نشان ظاهر شود؟ این همان منطق معیوب و پرتناقض آمریکاست که از یکسو شمشیر می‌کشد و از سوی دیگر شاخه‌زیتون جعلی در دست می‌گیرد.

جالب‌تر آن‌که ترامپ، در حالی از «میانجیگری پوتین» سخن می‌گوید که خود عامل اصلی خروج از برجام، آغاز فشار حداکثری و تشدید تنش در منطقه بود.

حال چگونه کسی که آتش‌افروز میدان است، می‌خواهد در نقش آتش‌نشان ظاهر شود؟ این همان منطق معیوب و پرتناقض آمریکاست که از یکسو شمشیر می‌کشد و از سوی دیگر شاخه‌زیتون جعلی در دست می‌گیرد.

جالب‌تر آن‌که ترامپ، در حالی از «میانجیگری پوتین» سخن می‌گوید که خود عامل اصلی خروج از برجام، آغاز فشار حداکثری و تشدید تنش در منطقه بود.

درس‌هایی که گرفتیم!

دارد؛ یعنی ایران نه‌فقط دفاع می‌کند، بلکه حمله می‌کند تا ذهن دشمن را برای همیشه نسبت به تهاجم، مسموم و ناتوان کند.

در نهایت، ایمن نبرد چیزی فراتر از درگیری نظامی صرف است. این جنگ آزمونی است میان مردمانی که ریشه در تاریخ و سرزمین دارند، با قومی که با خاکی که اشغال کرده بیگانه است. مردم ایران، وارثان تمدن چند هزار ساله‌اند و بارها در تاریخ، مهاجمان را از سرزمین خود بیرون رانده‌اند. اما در آن سوی میدان، ساکنان اراضی اشغالی، با هر انفجاری به سوی پناهگاه می‌گریزند، چرا که در دل هیچ سرزمینی ریشه ندارند. این تفاوت بنیادین، همان عنصر تعیین‌کننده‌ای است که نه در میدان نبرد، بلکه در صبر، پایداری و باور به وطن، سرنوشت جنگ را رقم خواهد زد.

به این ترتیب، اگر چه هنوز صدای انفجارها خاموش نشده و دودی که از ویرانی‌ها برخاسته در افق پراکنده است، اما واقعیت‌های میدانی، انسجام اجتماعی و آمادگی راهبردی ایران، نشان می‌دهد که رژیم صهیونیستی بیش از هر زمان دیگری با این حقیقت مواجه شده که درگیری با ملتی ریشه‌دار، فرجامی جز پشیمانی ندارد.

یکصدا علیه متجاوز

واکنش هنرمندان به تجاوز رژیم صهیونیستی به ایران جان



شما نمی‌ارزید. برای شهیدان هسته‌ای و دفاعی هم که با چشمانی باز و آرمانی روشن پا به این عرصه جهاد نهادند، جز تبریک و حسرت از غیبت‌شان و غبطه برای من کوچک‌ترین چیزی ندارم اما دلم برای عزیزان بیگناه می‌سوزد. حریف صهیون، نامرد است. کودک‌کش است. از رزم در میدان فراری است و تخصص‌اش رعب و هراس بر دل‌های سوخته است. اینک وقت دفاع از حریم قدسی این خاک پاک ایران است و جز ادب کردن این متجاوز صهیون راهی نمانده است.»

خانه سینما هم پس از این اتفاقات بیانیه‌ای داد که با آیه‌ای از قرآن درباره شهید آغاز می‌شود: «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» و در آن ضمن تاکید بر همدلی و انسجام ملی، بر مطالبه انتقام شهیدان تاکید شده بود.

نادره رضایی معاون هنری وزیر فرهنگ‌و ارشاد اسلامی با انتشار عکس پرچم برافراشته جمهوری اسلامی ایران نوشت: «که از چشم بدان‌دیشان خدایت در امان دارد...»

ستاره اسکندری بازیگر سینما، تئاتر و تلویزیون نیز با انتشار واژه ایران به همراه یک قلب سیاه به این جنایات ددمشانه واکنش نشان داد.

علیرام نورایی با انتشار یک استوری اینستاگرامی به حمله اسرائیل واکنش تندی نشان داد و نوشت: «ایرانم تسلیت، خدا لعنتان کند که شروع کردید و زن و بچه کشتید بی‌همه چیزها، آن‌هایی که منتظر جنگ بودند و می‌گفتند به مردم کاری ندارند الان کجا هستند؟ عکس‌ها رو دید؟»

پرنیزا ایزدیار نیز با انتشار تصویری از کودکی که زیر آوار حملات مانده بود در استوری اینستاگرامی نوشت: «فقط می‌توانم بمیرم برایت.»

پرویز پرستویی نیز به این اتفاقات واکنش نشان داد. این هنرمند در استوری اینستاگرامی نوشت: «ایران من، ای سیمی‌بلند آشتیان، تسلیت.»

نیما کر میجر تلویزیون نیز تصویری از پرچم

بامداد بیست‌وسوم خردادماه، پیش از طلوع آفتاب، رژیم صهیونیستی در اقدامی تهران و برخی دیگر از شهرهای ایران را مورد حمله قرار داد. در این حملات که در نقاط مختلف کشور رخ داد، برخی فرماندهان نظامی از جمله سرلشکر محمد باقری، رییس ستاد کل نیروهای مسلح کشور و سرلشکر حسین سلامی، فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، تعدادی از دانشمندان هسته‌ای و شهروندان بی‌دفاع به شهادت رسیدند.

پس از مشخص شدن ابعاد این حملات و انتشار تصویری از کودکان، افراد غیرنظامی و منازل مسکونی که مورد حمله قرار گرفتند جمعی از هنرمندان در فضای مجازی به محکومیت آن پرداختند.

به طور طبیعی از میان اقشار مختلف هنرمندان، پررنگ‌ترین حضور را در فضای مجازی هنرپیشگان سینما دارند. پس از حمله رژیم صهیونیستی به چند نقطه ایران، بازیگران متعددی به این اتفاق واکنش سرشار از خشم نسبت به متجاوزان و همدلی با مردم ایران نشان دادند که از آن جمله می‌توان به چهره‌هایی از قبیل پرنیزا ایزدیار، بهاره رهنما، هومن حاج‌عبداللهی، ستاره اسکندری، پرویز پرستویی، الهام پاونژاد، محمدرضا گلزار، شهره سلطانی، کمند امیرسلیمانی، نازنین بیاتی، نرگس محمدی، شبنم قلی‌خانی، الهام حمیدی، نیما شعبان‌نژاد، سمیرا حسن‌پور، فلور نظری، مسعود صادقلو، آرتا ترکاشوند، نسرین مقانلو، لیلیا بلوکات، نیوشا ضیغمی، باربد بابایی، علی شادمان، روشنگر عجمیان، لیلا اوتادی، میلاد کی‌مرام، امیر غفارمشی، بهرنگ علوی، حسین مهری، محمدرسول صفاری، مجید اشاقانی، علیرام نورایی، فرزین محدث، الهام اخوان، صدف اسپهبدی، علی سرابی، بهاره کیان‌افشار، رزیتا غفاری، هلیا امامی و حتی فریبرز عرب‌نیا که در خارج از کشور زندگی می‌کند و طی سال‌های اخیر مواضع منتقدانه‌ای داشت اشاره کرد. حتی او هم به وضوح از رژیم جنایت‌پیشه صهیونیستی اسم می‌برد و آن را به سبب این رفتارها محکوم می‌کند. چهره‌های سینمایی دیگر مثل محمد شایسته که از تهیه‌کنندگان مطرح است یا فرزاد معتمن که کارگردان شناخته‌شده به حساب می‌آید هم در فضای مجازی به محکومیت تجاوز رژیم صهیونیستی پرداختند اما موردی که توجهات را بسیار به خودش جلب کرد، اظهار نظر ابراهیم حاتمی‌کیا بود، چرا که او از فیلم‌سازان دفاع‌مقدس است و حالا که بوی جنگ در کشور پیچیده، آنچه می‌گوید، انگار از زبان یکی از کهنه‌سربازان بیرون آمده است. حاتمی‌کیا در این باره نوشت:

«بسم‌الله‌قاصم‌الجبارین

برادرانم؛ آقا حسین سلامی و آقا محمد باقری و آقا غلامعلی رشید که شما را با نام‌تان در جبهه می‌شناختیم، جز شهادت هیچ در جهای بر قامت



خبر دستیابی کشورمان به اسناد محرمانه و اطلاعاتی رژیم صهیونیستی بیش از آنکه یک پیروزی تاکتیکی باشد، یک نقطه عطف راهبردی و زنگ خطری جدی برای ساختار امنیتی رژیم صهیونیستی محسوب می‌شود چراکه اعلام موفقیت کشورمان در استخراج حجم عظیمی از اسناد حساس، از جمله اطلاعات مرتبط با برنامه‌ها و تأسیسات هسته‌ای رژیم، فصلی جدید در منازعه‌ای گشوده است که دیگر در سایه‌ها و جنگ‌های خاموش اطلاعاتی خلاصه نمی‌شود! این رویداد، نه یک رخداد منفرد، بلکه اوج فرآیندی است که نشان می‌دهد بزرگ‌ترین تهدید برای بقای رژیم صهیونیستی، دیگر نه لزوماً موشک‌های دشمن، بلکه گسل‌های عمیق درونی و فروپاشی انسجام اجتماعی آن است!

در طول دهه‌های گذشته، رقابت میان جبهه مقاومت با محوریت کشورمان در مقابل رژیم صهیونیستی در عرصه‌های اطلاعاتی، سایبری و عملیات‌های مخفی، به‌مثابه یک شطرنج مرگ‌بار و پیچیده در جریان بوده است. ترور دانشمندان هسته‌ای کشورمان، مانند «شهید محسن فخری‌زاده» و حملات سایبری مکرر به زیرساخت‌های رژیم، تنها نمونه‌هایی از این نبرد

دیدگاه

شماره ۱۱۹۲ | دوشنبه ۲۶ خرداد۱۴۰۴

صداقت

روز نه

راه مقاومت ادامه دارد



مهدی نیک بینکارشناس سیاسی



در تاریخ پرفرازونشیب ایران اسلامی عزیزمان، هیچ‌گاه صلابت و ایستادگی مردم و فرماندهانش در برابر ظلم و تجاوز فراموش شدنی نیست و هریار مردم و رزمندگان اسلام نشان دادند که هیچ چیز نمی‌تواند آنان را متوقف کند. دفاع مقدس نمونه‌ای از این استحکام و بردباری بود، مقطعی بود که در آن بزرگمردانی چون «بروجردی»، «باکری»، «خرازی» و «زین‌الدین» با تکیه بر ایمان و غیرت، افق‌های نوینی از مقاومت و ایثار را ترسیم کردند. هرگاه یکی از آنان در خون خویش غلطید، نعت‌ها مسیر متوقف نشد؛ بلکه نسل تازه‌ای از مجاهدان سکان هدایت مقاومت را در دست گرفتند.

امروز نیز چنین است، در دوره‌ای که دشمن با چهره‌ای جدید و ابزارهایی متفاوت، بار دیگر آرزوی خام تضعیف این ملت را در سر می‌پروراند، تاریخ تکرار می‌شود. شهادت فرماندهان بزرگ ایران در حمله وحشیانه صهیونیستی، نه نشانی از ضعف که گواهی است بر حیات مستمر مکتب مقاومت اسلامی، زیرا این خون‌های پاک است که زمین را بارور می‌کند و نیروهای توانمند، آگاه و انقلابی را به‌جای شهیدان می‌نشانند تا ادامه‌دهنده راه آنان باشند.

در واقع ملت ایران بار دیگر نشان داد که راه مجاهدت، محدود به فرد نیست؛ بلکه یک جریان الهی، مردمی و برخاسته از ایمان است. بسا آنکه فرماندهان و دانشمندان بزرگی به‌دست رژیم منحوس صهیونیستی به شهادت رسیدند؛ اما مکتب اسلام همیشه مردانی را دارد که ادامه‌دهنده راه گذشتگان باشند، به‌گونه‌ای که در این مسیر فرماندهان جدیدی برمی‌خیزند و راه باقی‌مانده را ادامه می‌دهند و این مسیر به هیچ‌وجه متوقف نخواهد شد. همان‌طور که با شهادت «سردار سرفراز حاج قاسم سلیمانی» مسیر مقاومت متوقف نشد و مسیر ایشان با قدرت و پیگیری بیشتری دنبال شد. چراکه مقاومت، نه یک تاکتیک سیاسی، که یک مکتب فکری و فرهنگی است و به‌نوعی تبلور حقیقت اسلام ناب محمدی(ص) در برابر جاهلیت مدرن دنیای غرب است.

جمهوری اسلامی ایران ریشه در عاشورا دارد و بر خون دلیرانش رویده است. امروز نیز، ملت ایران، با الهام از تجربه دفاع مقدس و با رهبری حکیمانه امام خاتمه‌ای(مدظله‌العالی)، راه روشنی را در پیش گرفته است. راهی که در آن، ترور و تهدید، تنها شوق پایداری را افزون می‌کند و چراغ راه فردا را با نور شهدا روشن‌تر می‌سازد.

علی‌اصغر سیدآبادی، نویسنده ادبیات کودک و نوجوان نیز در مطلبی نوشت: «مقررات بین‌المللی، خطوطی روی کاغذند که ناکارآمدی‌شان وقتی مشخص شد که اسرائیل هزاران کودک را در غزه کشت و هیچ دولت و سازمان بین‌المللی نتوانست یا نخواست کاری کند و چه‌بسا که این جنایت‌ها با پشتیبانی برخی از همان دولت‌ها انجام شد». مهدی یزدانی خرم، روزنامه‌نگار و داستان‌نویس و داوود امیریان، نویسنده ادبیات کودک و نوجوان هم واکنش‌هایی به این اتفاق داشتند و در کنار اینها بسیاری از شعرابا سرودن قطعاتی فوری، نخستین هنرمندانی بودند که در مواجهه با این اتفاقات، آثار هنری‌شان را خلق کردند. مثلاً محمدکاظم کاظمی، شاعر افغانستانی ساکن ایران، با تسلیت به «به همزبانان همدل»، سرود:

«مشت جهان و اهل جهان بازِ باز شد
دیگر کسی نمانده که تر قندمان زند
سر می‌دهیم زم‌زمه‌های یگانه را
حتی اگر زمانه دهان‌بندمان زند.»

افشین علاء هم شعر نوبی باعنوان «نتانیا‌هو» سرود که چنین آغاز می‌شد:

«حک شدی مانند دشنام ریکی روی دیوار مبال
جاده‌ای منفور

مثل مرداری نهان در آشغال کوچه‌ای متروک
یا چو مولود پلیدی حاصل دل‌الی قواده‌ی منفور». میلاد عرفان‌پور یک رباعی زیبا سرود از این قرار:

«صبح از دل این غبار بر می‌خیزد
از معر که بانگ یار بر می‌خیزد
این خون غدیر است به جوش آمده باز
پیداست که ذوالفقار بر می‌خیزد.»

محمدمهدی عبدلهی هم در رباعی دیگری سرود: «این خون که سر آغاز قیام است امروز یاریگر فصل انتقام است امروز با نغمه یا علی بگور صهیون کار همه کفر تمام است امروز».

ورضا شیبانی غزلی سرود با این مطلع: «این زلف به خون تر شده، زلف وطن ماست
این پیکر صدپاره، تن ماست، تن ماست».

بسیاری از شاعران دیگر هم ابیاتی را که قبلاً سروده بودند و با حال و احوال این روزها همخوانی داشت جلوی دوربین‌های شخصی‌شان از نو قرائت کردند و به مناسبت این ایام منتشر کردند. غیر از اینها هم بسیاری از هنرمندان دیگر از جمله مجریان تلویزیونی علاوه‌بر آنانی که در بالا از آن‌ها نوشتیم فاطمه افشاریان و هنرمندانی از تئاتر، کاریکاتور، نقاشی و سایر شاخه‌های هنری، نسبت به جنایت رژیم صهیونیستی، واکنش‌هایی در فضای مجازی نشان دادند.

می‌کنند. دستگیری اعضای ۹ هسته مخفی جاسوسی برای مقاومت، که از سوی «رویترز» به‌منزله بزرگ‌ترین عملیات نفوذ تهران در دهه‌های اخیر توصیف شده، نشان می‌دهد که کشورمان هوشمندانه استراتژی خود را از رویارویی مستقیم به بهربرداری از این شکاف‌های درونی تغییر داده است. عملیات اطلاعاتی اخیر و افزایش چشمگیر همکاری شهروندان صهیونیستی، تنها برای رژیم یک چالش امنیتی نیست؛ بلکه افشاگر فروپاشی درونی آن است که مشروعیت و انسجام خود را به‌تدریج از دست می‌دهد. این رویداد، اسطوره شکست‌ناپذیری و کارآمدی مطلق سرویس‌های اطلاعاتی رژیم صهیونی را به چالش می‌کشد و ثابت می‌کند که آسیب‌پذیری واقعی این رژیم، نه در مرزهای جغرافیایی، که در مرزهای هویتی، اجتماعی و اقتصادی آن نهفته است. در حقیقت، این نفوذها علانم یک بیماری عمیق‌تر هستند. در حالیکه رژیم صهیونی همچنان تلاش می‌کند کشورمان را به تلاش برای نفوذ متهم کند، واقعیت آن است که این در‌های باز و دیوارهای فرو ریخته، محصول بحران‌های ساختاری خود جامعه صهیونیستی است. زلزله واقعی نه آن است که ساختمان‌ها را بلرزاند، بلکه آن است که پایه‌های یک جامعه را درهم بشکند. امروز، شواهد نشان می‌دهد که پایه‌های دژ امنیتی رژیم صهیونیستی، بیش از هر زمان دیگری، از درون در حال لرزیدن است و این، چالشی به مراتب بزرگ‌تر از هر تهدید خارجی برای اشغالگران قدس خواهد بود.

نبرد اطلاعاتی به دل بحران‌های ساختاری جامعه رژیم صهیونی می‌برد. این پدیده ریشه در عواملی دارد که سال‌هاست توسط مقامات صهیونیستی نادیده گرفته شده یا کم‌اهمیت جلوه داده شده است. نخست، گسست هویت ملی است؛ جامعه صهیونیست، مجموعه‌ای از مهاجران با خاستگاه‌های فرهنگی، مذهبی و تاریخی متفاوت است که فاقد یک پایگاه مشترک و مستحکم هویتی هستند. این شکاف، به‌ویژه در تقابل میان سکولارها و افراطیون مذهبی (حردی‌ها)، فضایی از قطبی‌شدن و بیگانگی ایجاد کرده که منافع فردی و گروهی را بر هویت ملی ارجحیت می‌دهد. دوم، بحران اقتصادی و نارضایتی اجتماعی؛ برخلاف تصویرسازی‌های تبلیغاتی از یک سرزمین مرفه، واقعیت اقتصادی رژیم صهیونیستی با نابرابری‌های فزاینده، تشدید بحران معیشتی تحت حاکمیت نتانیا‌هو و هزینه‌های سنگین عملیات نظامی «طوفان‌الاقصی» گره خورده است. این فشار اقتصادی، انگیزه‌های مالی و روانی را برای ضربه زدن به رژیم از درون و توسط خود صهیونیست‌ها فراهم کرده است. و سوم، تبعیض ساختاری؛ نارضایتی ناشی از تبعیض سیستماتیک علیه اقلیت‌ها و گروه‌های قومی درون رژیم صهیونیستی، حس تعلق را تضعیف کرده و اقلیت‌ها را به انتقام‌جویی یا ابراز مخالفت علیه حکومت صهیونی واداشته است. این عوامل در کنار یکدیگر، تصویری از یک جامعه در حال فرسایش و فروپاشی را ترسیم

فروپاشی پایه‌های ساختار امنیتی رژیم کودک‌کش

دژ لرزان صهیونی

دیگران

تجربه موفق سینمای چین!

وانینگ سان

دانشگاه فناوری سیدنی

انتشار انیمیشن بلند «نژا ۲» بر اساس اساطیر چین، نقطه‌عطفی تعیین‌کننده در صنعت سینمای این کشور و درسی مهم برای استراتژی قدرت نرم آن است. موفقیت چشمگیر این اثر نشان می‌دهد که دیپلماسی فرهنگی بازارمحور، مسیری بسیار مؤثرتر از هدایت دولتی است. این فیلم تنها در ۹ روز به فروش شگفت‌انگیز یک میلیارد دلاری در بازار داخلی دست یافت و رکوردشکنی کرد. این نخستین‌بار است که یک فیلم غیرهالیوودی از چنین مرزی در یک بازار واحد عبور می‌کند. موفقیت خارق‌العاده «نژا ۲» به انرژی خلاقانه سرشار آن، تبدیل یک داستان کهن به صیاقی بصری، طنزآمیز و جسورانه و مهم‌تر از همه، تکیه آن بر استعدادهای محلی و بیش از ۱۳۰ شرکت چینی نسبت داده می‌شود. این پیروزی کاملاً با اتکا به توانایی‌های بازار و بدون دخالت مستقیم دولت به‌دست آمد.

این دستاورد بزرگ که ماهیتی تجاری دارد، در تضاد با تلاش‌های پرهزینه و ناموفق دولت چین برای اعمال قدرت نرم قرار می‌گیرد. پکن دهه‌هاست که با صرف میلیاردها دلار می‌کوشد تا از طریق رسانه‌های دولتی و محصولات سنتی اطلاع‌رسانی مانند مجلات و ویژه‌نامه‌ها خود «داستان چین» را روایت کند، اما این ابتکارات نتیجه معکوس داده‌اند. محتوای تولیدی این رسانه‌ها از جمله مانند محتوای روزنامه «چاینا دیلی» که بیشتر به رایگان در غرب توزیع می‌شود در نظر مخاطبان غربی، اغلب خسته‌کننده، توخالی و پروپاگاندایی تلقی شده و به سوءظن دامن زده است. در مقابل، این بخش سرگرمی است که بدون داشتن مأموریت مستقیم تبلیغاتی، به‌طور غیرمنتظره‌ای به دستاوردهای قابل توجهی در زمینه قدرت نرم دست‌یافته است. برنامه‌هایی مانند مسابقه تلویزیونی «اگر تو آن فرد باشی» با ارائه تصویری واقعی‌تر از جامعه معاصر چین و دستاوردهای آن، توانستند در سطح جهانی محبوب شوند و پادزهری سالم برای روایت‌های منفی رایج علیه چین و نقش منطقه‌ای و جهانی آن باشند.

«نژا ۲» نیز همچون آن برنامه تلویزیونی، محصولی است که ابتدا مخاطبان چینی‌زبان را هدف قرار داد اما از طریق مکانیسم‌های بازار و نه با دستور حزبی، به یک پدیده جهانی تبدیل شد. اکران موفق آن در آمریکای شمالی، استرالیا، نیوزیلند و برنامه‌ریزی برای نمایش در ده‌ها کشور دیگر، نشان‌دهنده جذابیت فرامرزی آن است. این موفقیت پیام روشنی برای غول‌های انیمیشن‌سازی مانند دیزنی و پیکسار دارد: مخاطبان چینی دیگر لزوماً نیازی به سرگرم شدن با بلاک‌باسترهای هالیوودی ندارند و صنعت انیمیشن چین اکنون آماده است تا برای جذب مخاطبان جهانی که تاکنون در انحصار دیزنی بوده‌اند، رقابت کند. شاید مهم‌ترین پیامد این باشد که پدیده «مولان» در حال معکوس شدن است؛ به‌جای آنکه آمریکایی‌ها داستان‌های چینی را روایت کنند، چرا چینی‌ها داستان‌های غربی را نسازند؟ به‌طور کلی، شاید دولت چین این‌بار پیام را به‌درستی دریافت کند: بهترین راه برای نمایش فرهنگ غنی چین به جهان، نه کنترل و هدایت دولتی، بلکه دست برداشتن از مداخله و سپردن کار به خلاقیت و پویایی بازار است تا به شکل ارگانیت سینما قادر به پیشبرد و تأمین منافع ملی کشور باشد.

ضرورت بازانديشی در راهبرد توليد قدرت نرم از بستر سينماي ملی

حکمرانی فرهنگی وپژواک در سالن خالی

فرهنگی مؤثر، نیازمند ابزارهایی است که بتوانند به‌شکلی هوشمندانه و غیرمستقیم، ارزش‌ها را درونی‌سازی کنند. سینمای ارگانی با رویکرد دستوری و یک‌سویه خود، دقیقاً در نقطه مقابل این هوشمندی قرار دارد و کارآمدی نظام سیاست‌گذاری فرهنگی را زیر سؤال می‌برد.

جمع‌بندی و توصیه‌های سیاستی

تحلیل داده‌ها و فرآیندها به‌روشنی نشان می‌دهد که مدل کنونی «سینمای ارگانی» در کشورمان، یک راهبرد شکست‌خورده است. این مدل نه قدرت نرم تولید می‌کند، نه به تقویت سرمایه اجتماعی می‌انجامد و نه حتی در سطح تجاری موفقیتی کسب می‌کند. ادامه این مسیر، تنها به اتلاف بیشتر منابع مالی و نمادین منجر خواهد شد. برای خروج از این بن‌بست و تبدیل سینما به یک ابزار کارآمد در خدمت منافع ملی، بازنگری‌های سیاستی جدی و شجاعانه‌ای ضروری است. موارد زیر به‌عنوان بسته‌ای از توصیه‌های راهبردی پیشنهاد می‌شود:

۱_ تغییر پارادایم از «تولیدمحوری» به «مخاطب‌محوری»: سیاست‌گذاران فرهنگی باید معیار اصلی حمایت از یک پروژه را، نه تنها «اهمیت موضوع»، بلکه «پتانسیل ارتباطی و میزان تأثیرگذاری بر مخاطب» قرار دهند. حمایت‌ها باید به‌سمت فیلم‌نامه‌های قوی، کارگردانان صاحب‌سبک و ایده‌های خلاقانه‌ای هدایت شود که توانایی ترجمه مفاهیم استراتژیک به زبان هنر و قصه را داشته باشند.

۲_ توانمندسازی بخش خصوصی و حمایت از فرآیندهای ارگانیک: به‌جای تولید مستقیم، نهادهای حاکمیتی باید نقش «تسهیل‌گر» و «هدایت‌گر» را ایفا کنند. با واگذاری فرآیند تولید به بخش خصوصی واقعی و خلاق و حمایت هوشمندانه از آنها، می‌توان رقابت را افزایش داد و انگیزه برای تولید آثار باکیفیت را تقویت کرد. دولت می‌تواند با سیاست‌هایی مانند معافیت‌های مالیاتی یا حمایت در مرحله توزیع، ریسک تولید آثار ارزشی از سوی بخش خصوصی را کاهش دهد.

۳_ ایجاد تنوع در سبد محصولات و اصلاح نظام توزیع: سینمای ملی نباید تنها به کمدی‌های تجاری و درام‌های ارگانی محدود شود. حمایت از ژانرهای مغفول‌ماننده مانند علمی-تخیلی، ورزشی، و آثار اقتباسی می‌تواند خون تازه‌ای به رگ‌های سینما تزریق کند. هم‌زمان، اصلاحاتی مانند «قیمت‌گذاری شش‌ناور بلیت» برای اقشار گوناگون و «اکران هدفمند و محدود فیلم‌های باکیفیت خارجی» برای ایجاد رقابت سالم و بازگرداندن مخاطب قهرکرده به سالن‌ها، ضروری است.

۴_ اصلاح و شفاف‌سازی فرآیندهای نظارتی: ایجاد یک چارچوب نظارتی شفاف، باثبات و قابل‌پیش‌بینی، به فیلم‌سازان این امکان را می‌دهد که با امنیت روانی بیشتری به خلق آثار هنری بپردازند. کاهش بروکراسی و تسهیل فرآیندهای صدور مجوز، ضمن حفظ چارچوب‌های ارزشی، فضا را برای خلاقیت بازتر خواهد کرد.

با عنایت به آنچه بیان شد، آینده سینمای کشورمان و نقش آن در تحقق اهداف ملی، در گرو یک انتخاب راهبردی توسط سیاست‌گذاران فرهنگی کشور است. ادامه مسیر فعلی و تولید فیلم برای صندلی‌های خالی، یا حرکت به‌سمت یک سینمای هوشمند، جذاب و مردمی که بتواند قلب‌ها و ذهن‌ها را تسخیر کند. سیاست‌گذاران فرهنگی کشور باید به این نکته دقت کنند که قدرت واقعی، نه در ساختن محصولات سینمایی، که در دیده شدن و تأثیر گذاشتن آن‌ها بر جامعه هدف است و نهادها و سازمان‌های متعدد فرهنگی کشورمان که هر یک به نوعی در بودجه خود، اعتباری برای حمایت از ساخت و تولید محصولات سینمایی دارند، باید به این موضوع و اهمیت آن توجه داشته باشند!



چنین فرآیندی، سینمایی است که با مردم و برای مردم سخن نمی‌گوید، بلکه از موضعی بالا و با زبانی رسمی، تلاش می‌کند پیامی را به آنها «ابلاغ» کند؛ رویکردی که در دنیای رسانه‌ای متکثر امروز، محکوم به شکست است.

پیامدهای راهبردی: فراتر از گیشه و سالن سینما

تداوم این وضعیت، پیامدهای راهبردی عمیقی برای کشورمان به‌دنبال دارد. اولین و مهم‌ترین پیامد، «اتلاف سرمایه نمادین» است. هر فیلم ارگانی ناموفق، نه‌تنها در نبل به هدف خود ناکام می‌ماند، بلکه با ارائه یک تصویر ضعیف و غیرهنری از یک ارزش یا رویداد ملی، به آن مفهوم نیز آسیب می‌زند و زمینه را برای روایت‌های رقیب و معاند فراهم می‌سازد. دوم، این وضعیت موجب «فرسایش اعتماد عمومی» به تولیدات فرهنگی رسمی می‌شود. مخاطبی که چندبار با چنین آثاری مواجه شود، به‌تدریج نسبت به هر فیلمی که رنگ‌وبویی حمایتی و ارزشی داشته باشد، بدبین شده و از آن فاصله می‌گیرد.

سومین پیامد، «اختلال در زیست‌بوم فرهنگی» کشورمان است. بودجه‌های کلانی که صرف تولید این آثار کم‌اثر می‌شود، می‌توانست در اختیار فیلم‌سازان مستقل و خلاق قرار گیرد که ایده‌هایی نوآورانه و مردمی در سر دارند، اما به‌دلیل کمبود منابع، فرصت بروز نمی‌یابند. این توزیع نامتوازن منابع، مانع از شکل‌گیری یک سینمای ملی قدرتمند، متکثر و رقابتی می‌شود. در نهایت، این چرخه به «تضعیف حکمرانی فرهنگی» می‌انجامد. حکمرانی

در این چرخه، سرمایه‌ای است که بدون دستیابی به بازدهی استراتژیک، مستهلک می‌شود.

چرخه معیوب تولید و مخاطب‌شناسی ریشه این ناکامی را باید در فرآیند «غیرارگانیک» تولید این آثار جست‌وجو کرد. در مدل سینمای ارگانی، نقطه آغاز یک پروژه، نه یک ایده خلاقانه و دغدغه‌مند برآمده از بطن جامعه یا ذهن یک هنرمند، بلکه یک «سفارش» یا «تکلیف» سازمانی است. در این مدل، یک نهاد دولتی یا حاکمیتی، موضوعی را بر اساس اولویت‌های خود تعریف کرده، بودجه‌ای را تخصیص می‌دهد و تیمی را برای اجرا مأمور می‌کند. تمرکز اصلی در این فرآیند، بر «تولید» و «تکمیل پروژه» است، نه «خلق یک اثر هنری ماندگار و ارتباط‌محور».

این سازکار، چندین پیامد منفی به‌همراه دارد. نخست، انگیزه برای کیفیت و جذابیت را از بین می‌برد. زمانی که بودجه از پیش تضمین شده و بازگشت سرمایه از گیشه، معیار اصلی موفقیت نیست، عوامل تولید انگیزه‌ای برای تلاش مضاعف جهت درگیر کردن مخاطب ندارند. دوم، این مدل به انتخاب عوامل «مطمئن» به‌جای عوامل «خلاق» منجر می‌شود و ریسک‌پذیری هنری را به حداقل می‌رساند. در نتیجه، آثار تولیدی اغلب کلیشه‌ای، شعاری و فاقد پیچیدگی‌های روایی و بصری لازم برای جذب مخاطب امروزی هستند. سوم، این فرآیند، فیلم‌ساز را از بدنه جامعه جدا می‌کند و او را به یک «پیمانکار فرهنگی» تقلیل می‌دهد که وظیفه‌اش اجرای یک دستورالعمل است. محصول نهایی

براساس داده‌های منتشر شده، در ماه‌های گذشته فیلم‌هایی که با بودجه‌های قابل توجه

و با هدف ترویج مفاهیم ارزشی یا روایت تاریخ انقلاب و دفاع مقدس تولید شده‌اند، با استقبال بسیار اندک مواجه شده‌اند. برای نمونه، فیلم «پیشمرگ» که اتفاقاً از جشنواره فجر نیز جایزه دریافت کرده، در سینماهای زنجیره‌ای بهمین سبز، ۲۹۸۸ سانس با مخاطب کمتر از ۱۰ نفر داشته است.

ریشه این ناکامی را باید در فرآیند «غیرارگانیک» تولید این آثار جست‌وجو کرد. در مدل سینمای ارگانی، نقطه آغاز یک پروژه، نه یک ایده خلاقانه و دغدغه‌مند برآمده از بطن جامعه یا ذهن یک هنرمند، بلکه یک «سفارش» یا «تکلیف» سازمانی است.

سیاست‌گذاران فرهنگی باید معیار اصلی حمایت از یک پروژه را، نه تنها «اهمیت موضوع»، بلکه «پتانسیل ارتباطی و میزان تأثیرگذاری بر مخاطب» قرار دهند.

سیاست‌گذاران فرهنگی کشور باید به این نکته دقت کنند که قدرت واقعی، نه در ساختن محصولات سینمایی، که در دیده شدن و تأثیر گذاشتن آن‌ها بر جامعه هدف است و نهادها و سازمان‌های متعدد فرهنگی کشورمان که هر یک به نوعی در بودجه خود، اعتباری برای حمایت از ساخت و تولید محصولات سینمایی دارند، باید به این موضوع و اهمیت آن توجه داشته باشند!

نوید کمالی

دبیر گروه راهبرد



سینما به‌منزله یکی از مؤثرترین ابزارهای دیپلماسی فرهنگی و تولید «قدرت نرم» (Soft Power)، نقشی بی‌بدیل در شکل‌دهی به افکار عمومی، ترویج ارزش‌های ملی و تقویت همبستگی اجتماعی دارد. در عصر جنگ‌های شناختی و رقابت‌های گفتمانی، توانایی یک نظام حکمرانی برای روایت‌سازی جذاب و تأثیرگذار، یک مزیت راهبردی محسوب می‌شود. با این حال، اثربخشی این ابزار استراتژیک، نه در نیت تولیدکنندگان، بلکه در میزان پذیرش و استقبال مخاطبان نهفته است. خوب یا بد در سایه سال‌ها جنگ نرم علیه کشورمان و در پاسخ به نیازمندی ملی در صیانت از ارزش‌های هویتی و فرهنگی و البته اعتقادی، الگویی از فیلم‌سازی موسوم به «سینمای ارگانی» یا سفارشی شکل گرفته است که در قالب آن سازمان‌ها و نهادهای گوناگون فرهنگی در سرفصل‌های بودجه‌ای خود، منابع قابل توجهی را برای تولید آثار سینمایی در نظر گرفته و می‌گیرند، حال با وجود تخصیص بودجه‌های کلان مصرف شده در این بستر و زمینه، شاهدیم که بیشتر آثار تولید شده در این بستر در برقراری ارتباط با جامعه هدف دچار چالش‌های جدی هستند. از این رو با توجه به اهمیت موضوع و با رویکردی داده‌بنیاد و سیاست‌محور، به تحلیل این پدیده پرداخته و در ادامه این پرسش را مطرح می‌کنیم که: «چرا سازکار سینمای ارگانی در دستیابی به اهداف راهبردی خود ناکام مانده و چگونه می‌توان این چرخه ناکارآمد را به‌نفع منافع ملی کشورمان اصلاح کرد؟»

کالبدشکافی یک ناکامی

حداقل در طول یک دهه گذشته تحلیل وضعیت سینمای کشورمان بیشتر تحت‌الشعاع فروش بالای چند فیلم کمدی قرار می‌گیرد و تصویری غیردقیق از سلامت کلی این صنعت ارائه می‌دهد. همان‌طور که روزنامه «هفت صبح» در گزارش اخیر خود به این موضوع اشاره کرده است، این موفقیت‌های تجاری، بحران عمیق در چرخه تولید و توزیع فیلم‌های جدی و استراتژیک را پنهان می‌سازد. برای فهم دقیق‌تر این معضل، باید از کلی‌گویی فراتر رفت و به داده‌های میدانی رجوع کرد. «هادی اسماعیلی» مدیرعامل مؤسسه «بهمین سبز» که مالکیت حدود یک‌چهارم سالن‌های سینمایی کشورمان را در اختیار دارد، با انتشار آماری تکان‌دهنده، پرده از واقعیتی تلخ برداشته است. این آمار نشان می‌دهد که مشکل اصلی، نه در نحوه سانس‌دهی سینماداران، بلکه در فقدان جذابیت ذاتی محصولات برای مخاطب ریشه دارد.

براساس داده‌های منتشر شده، در ماه‌های گذشته فیلم‌هایی که با بودجه‌های قابل توجه و با هدف ترویج مفاهیم ارزشی یا روایت تاریخ انقلاب و دفاع مقدس تولید شده‌اند، با استقبال بسیار اندک مواجه شده‌اند. برای نمونه، فیلم «پیشمرگ» که اتفاقاً از جشنواره فجر نیز جایزه دریافت کرده، در سینماهای زنجیره‌ای بهمین سبز، ۲۹۸۸ سانس با مخاطب کمتر از ۱۰ نفر داشته است. فیلم «موسی کلیم‌الله» نیز در همین بازه، با ثبت ۳۴۰۳ سانس با چنین وضعیتی، عملاً برای صندلی‌های خالی به نمایش درآمده است. این الگو در دیگر آثار ارگانی نیز تکرار می‌شود: «زینا صدایم کن» با ۸۶۴ سانس، «بامبولک» با ۴۱۴۷ سانس و «رویاشهر» با ۱۹۸۷ سانس زیر ۱۰ نفر، همگی گواهی بر یک گسست عمیق میان تولیدکننده و مخاطب هستند. این آمار صرفاً یک شکست تجاری نیست؛ بلکه یک شکست راهبردی در برقراری ارتباط و انتقال پیام است. هر صندلی خالی، نمادی از یک فرصت از دست‌رفته برای تولید قدرت نرم و هر ریال هزینه

پیشخوان

به نام قانون به کام صنعت اسلحه



روزنامه «نیویورک تایمز» نوشت: «یک پژوهش جدید در آمریکا نشان می‌دهد که مرگومیر کودکان و نوجوانان بر اثر سلاح گرم در ایالت‌هایی که پس از رأی دیوان‌عالی آمریکا در سال ۲۰۱۰، قوانین مالکیت سلاح را آسان‌تر کرده‌اند، به‌شکل قابل توجهی افزایش یافته است. رأی مذکور، اختیارات دولت‌های محلی و ایالتی را برای محدودسازی مالکیت سلاح کاهش داده بود.» به‌نوشته این روزنامه، یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که در ایالت‌هایی با قوانین سخت‌گیرانه‌تر، میزان مرگومیر ناشی از سلاح گرم ثابت باقی‌مانده و حتی در برخی ایالت‌ها کاهش یافته است. طبق آمار مراکز کنترل و پیشگیری بیماری‌های آمریکا، سلاح گرم علت اصلی مرگومیر افراد ۱ تا ۱۷ ساله در آمریکاست. «دکتر جرمی فاولست» پزشک اورژانس در بیمارستان ماساچوست جنرال بریگهام در بوستون و نویسنده اصلی این پژوهش، اظهار داشت که بخش عمده‌ای از مرگ‌های کودکان، قتل و خودکشی بوده‌اند. نیویورک تایمز افزود: «طبق این پژوهش، میانگین سنی قربانیان حدود ۱۴ سال بوده و کودکان و نوجوانان سیاه‌پوست، هم‌پیش از رأی دیوان‌عالی در سال ۲۰۱۰ و هم پس از آن در ایالت‌هایی باقوانین سهل‌گیرانه، بالاترین میزان مرگومیر ناشی از سلاح گرم را داشته‌اند. اما در ایالت‌هایی باقوانین سخت‌گیرانه درباره سلاح، میزان مرگومیر کودکان سیاه‌پوست پس از این رأی افزایش نیافته است.»

مغز افراطی ترامپ



«هفته‌نامه ویک» نوشت: «استیفن میلر ۳۹ ساله دو عنوان رسمی دارد: معاون رئیس دفتر در امور سیاست‌گذاری و مشاور امنیت داخلی. اما این عناوین، قدرت واقعی را که او در دست دارد و میزان تأثیرش بر تدوین برنامه‌های دوره دوم ریاست‌جمهوری ترامپ را به‌خوبی نشان نمی‌دهند. میلر مدت‌ها به‌دلیل سبک تهاجمی، اخلاق کاری بی‌امان، و وفاداری افراطی‌اش به ترامپ شهره است.» به‌نوشته این هفته‌نامه، میلر توانسته با این رئیس‌جمهور دمدمی مزاج رابطه‌ای مستحکم بسازد، چراکه می‌تواند انگیزه‌های ترامپ را به‌خوبی درک کرده، به‌سختن درآورد و آنها را به سیاست تبدیل کند. «کوبین مک‌کارتی» رئیس سابق مجلس نمایندگان، می‌گوید: «من استیفن را مغز ترامپ می‌نامم.» «سناتور بن ری لوخان» اما نگاه صریح‌تری دارد و او را معمار «زشت‌ترین» سیاست‌های ترامپ می‌داند. به‌گفته او، «میلر مسئول تمام اتفاقات بدی است که در آمریکا در حال وقوع است.» ویک افزود: «او که مخالف سرسخت چیزی است که «تبعیض ضدسفیدپوست» و «فرهنگ بیدار، کمونیستی و سرطانی» می‌نامد، در حذف برنامه‌های تنوع، برابری و شمول (DEI) نقش پررنگی داشته است. همچنین معمار اصلی تلاش‌های ترامپ برای اخراج گسترده مهاجران بدون مدرک، بستن مسیرهای قانونی به‌سوی شهروندی و استفاده از «قانون بیگانگان دشمن» سال ۱۷۹۸ برای اخراج افراد مظنون به عضویت در باندهای خلاف‌کار بوده است.

هراس در اتاق‌های فکر آمریکا!

همچنین حمایت نظامی مستقیم آمریکا دارد. اگر ایران قربانی تلقی شود، جامعه جهانی ممکن است بر حق ایران در غنی‌سازی صلح‌آمیز تأکید کند. ایران سال‌ها با غنی‌سازی ۶۰ درصدی در حال به چالش کشیدن نظم هسته‌ای جهانی بود، درصدی بسیار بالاتر از نیازهای صلح‌آمیز. اما ایران تنها کشور متخلف از نظم هسته‌ای نیست. روسیه زرادخانه هسته‌ای خود را افزایش داده، به‌ویژه سامانه‌هایی با قابلیت دوگانه و از تهدید هسته‌ای در جنگ اوکراین استفاده کرده است. چین نیز در حال گسترش سریع زرادخانه هسته‌ای خود است و ممکن است تا ۲۰۳۵، ۱۵۰۰ کلاهک داشته باشد.»

تحلیلگران این اندیشکده خاطر نشان کردند: «در نهایت، این حملات چشم‌انداز دستیابی به راه‌حل دیپلماتیک برای برنامه هسته‌ای ایران را بیش از پیش پیچیده یا حتی نابود خواهد کرد. شکست دیپلماسی پیامدهایی فراتر از ایران خواهد داشت. اگر ایران برنامه هسته‌ای خود را بازسازی کرده و پس از حملات، به‌صورت تهاجمی به‌دنبال تسلیحات هسته‌ای برود، ممکن است کشورهای دیگر منطقه را نیز به‌سمت برنامه‌های هسته‌ای سوق دهد یا موجب ایجاد زنجیره‌ای از اشباع هسته‌ای شود. حملات (رژیم) اسرائیل باید به‌عنوان یک داوری یک‌جانبه درباره شکست آن‌پی‌تی و خویشترداری هسته‌ای تلقی شوند.»

به پیش‌بینی تأثیر این حملات بر توانمندی‌های هسته‌ای ایران پرداختند. «اندیشکده چتم‌هاوس» در این زمینه نوشت: «اگر (رژیم) اسرائیل به حملات خود علیه تأسیسات هسته‌ای و نظامی ایران ادامه دهد، جمهوری اسلامی انگیزه‌ای جدی خواهد داشت که در سریع‌ترین زمان ممکن، یک سلاح هسته‌ای ابتدایی تولید کند تا از وارد آمدن آسیب‌های بیشتر به تأسیسات خود جلوگیری کند. بر اساس برآوردهای اطلاعاتی کنونی، ایران به اندازه کافی مواد هسته‌ای برای ساخت ۹ بمب هسته‌ای در اختیار دارد که برای ایجاد یک زرادخانه راهبردی جدی کافی نیست. اگر ایران حداکثر بتواند ۹ سلاح هسته‌ای بسازد، مشخص نیست که مایل باشد حتی یکی از آنها را صرف آزمایش کند. این تصمیم احتمالاً به میزان تهدید، سرعت غنی‌سازی بیشتر مواد هسته‌ای، و همچنین پیشرفت در ساخت کلاهک‌ها و موشک‌های حامل آن‌ها بستگی خواهد داشت.»

اهربمن سازی از غنی سازی ایران

مرکز مطالعات راهبردی و بین‌المللی نیز در این باره مدعی شد: «اگر سایت‌هایی مانند فردو و اصفهان سالم بمانند و سانتریفیوژهای پیشرفته همچنان فعال باشند، ایران می‌تواند برنامه هسته‌ای خود را ادامه دهد. موفقیت (رژیم) اسرائیل بستگی به ترکیب حملات هوایی با خرابکاری و عملیات پنهانی، و



زهراتو حیدیان

دبیر گروه بین‌الملل

♦ **نقش آفرینی آمریکا در کنار صهیونیست‌ها**
این اندیشکده افزود: «ظاهراً هدف حملات (رژیم) اسرائیل تنها کند کردن پیشرفت فوری ایران نیست، بلکه تل‌آویو با حذف متخصصین و دارایی‌های کلیدی به‌دنبال ایجاد اختلالی بلندمدت است که بازسازی آنها دشوار خواهد بود. با توجه به پراکندگی و استحکام تأسیسات کلیدی هسته‌ای ایران، (رژیم) اسرائیل ممکن است بدون کمک آمریکا در از بین بردن کامل برنامه هسته‌ای ایران دچار مشکل شود. رسیدن به برخی تأسیسات عمیق زیرزمینی نیاز به کمک آمریکا و استفاده از بمب سنگرشکن جی‌بی‌یو-۵۷ دارد.»

«اندیشکده هادسون» نیز مدعی شد: «حملات (رژیم) اسرائیل در حالی انجام شد که به‌نظر می‌رسید جمهوری اسلامی فعالیت‌های هسته‌ای خود را افزایش داده است. در گفت‌وگوها نیز تهران می‌خواست ضمن باقی‌ماندن در آستانه توانمندی هسته‌ای، از رفع تحریم‌ها نیز بهره‌مند شود. پیش از عملیات اسرائیل، ایران قادر بود در عرض چند ماه اورانیوم را تا سطح نظامی غنی‌سازی کند. زمان گریز هسته‌ای ایران هر هفته کوتاه‌تر می‌شد.»

اتاق‌های فکر آمریکایی همچنین برای مدیریت افکار عمومی جهان به‌صورت متمرکز

تحلیل

بازی تکراری

پلیس خوب و بد ترامپ با ایران

موشک‌های هلفایر به رژیم صهیونیستی نشان می‌دهد دولت ترامپ به‌خوبی از برنامه‌های این رژیم برای حملاتش به جمهوری اسلامی ایران مطلع بوده است.»

پیشتر هیچ گزارشی درباره اینکه واشنگتن موشک‌های هلفایر یا محموله‌های تسلیحاتی بزرگ دیگری را قبل از حملات بامداد جمعه تحویل صهیونیست‌ها داده، منتشر نشده بود. این در حالیهست که ۲ مقام آمریکایی نیز جمعه به خبرگزاری «رویترز» گفتند: «ارتش آمریکا به رژیم صهیونیستی برای مقابله با حمله موشکی تلافی‌جویانه ایران به این رژیم و تلاش برای سرنگون کردن موشک‌های ایران کمک کرده

» نشریه میدل‌ایست‌آی» در گزارشی فاش ساخت همچنان که «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور آمریکا، از آمادگی برای ادامه مذاکرات هسته‌ای با ایران صحبت کرده، اما چند روز قبل از حملات رژیم صهیونیستی به ایران حدود ۳۰۰ موشک هلفایر را تحویل این رژیم داده است. موشک‌های هلفایر موشک‌های هوا به زمین هدایت شونده لیزری هستند که از آنها برای اجرای حملات نقطه‌زنی استفاده می‌شود. دو تن از مسئولان آمریکایی که نامشان فاش نشده است در گفت‌وگو با میدل‌ایست‌آی تصریح کردند: «منتقل کردن این حجم از

آنکه حملات سایبری در ترکیب با حملات دقیق بدون دخالت مستقیم ایالات متحده صورت بگیرد، دولت آمریکا را تحت تأثیر قرار داد.» اما رفتار ترامپ در ماه‌های اخیر به ناظران و به‌صورت بالقوه به ایرانی‌ها این احساس را داده بود که او در برابر لابی‌گری علنی نتانیا‌هو برای اجرا کردن حملات مقاومت خواهد کرد.» روزنامه «آکسیوس» روز جمعه به نقل از دو مقام صهیونیست نوشت: «دولت ترامپ صرفاً «وایمند می‌کرده» که در برابر برنامه‌های حملات اسرائیل به ایران مقاومت می‌کند. اما به‌طور خصوصی در برابر آنها مقاومت نداشته

است.» در این گزارش نوشته شده که ارتش رژیم صهیونیستی در حملات جنایتکارانه خود از بیش از ۱۰۰ هواپیمای نظامی استفاده کرده است. یک مقام دفاعی ارشد آمریکا به میدل‌ایست‌آی گفت: «زمان و مکان مناسبی برای موشک‌های هلفایر در نظر گرفته شده است. آنها برای اسرائیل مفید بودند.»

میدل‌ایست‌آی اوایل ماه جاری میلادی نوشت سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) در ماه‌های آوریل و مه در جریان برنامه‌های رژیم صهیونیستی برای حملات به تأسیسات هسته‌ای ایران قرار گرفته بود. این نشریه نوشت: «تحلیل سیستم‌های هدف اسرائیل و برنامه جنگی برای

فقط اسرائیل

«فرانچسکا آلبانیز» گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در امور فلسطین در انتقاد از اظهارات «امانوئل ماکرون» رئیس‌جمهور فرانسه، در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «روزی که (رژیم) اسرائیل، بدون هیچ عاملی که محرک جنگ باشد، به ایران حمله کرد و ۸۰ نفر را کُشت، رئیس‌جمهور یک قدرت بزرگ اروپایی بالاخره پذیرفت که در غرب آسیا، فقط (رژیم) اسرائیل است که حق دفاع از خود را دارد.» ماکرون در بیانیه خود به‌جای محکومیت حملات رژیم صهیونیستی به ایران، ضمن محکومیت فعالیت‌های هسته‌ای ایران مدعی شد که بار دیگر بر حق (رژیم) اسرائیل برای دفاع از خود و تضمین امنیت خود تأکید می‌کند.



چراغ سبز

«سیدحسین موسویان» تحلیلگر حوزه بین‌الملل و جاسوس سابق هسته‌ای نوشت: «(رژیم) اسرائیل برنامه حمله به ایران را از قبل با سران ناتو هماهنگ کرد و با چراغ سبز آمریکا و ناتو، جنگ علیه ایران را آغاز کرد. در این جنگ، عملاً ناتو به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم با ایران درگیر شده است. این حمله بزرگ‌ترین عملیات نظامی علیه ایران بعد از جنگ جهانی دوم و تجاوز صدام به خاک ایران است. صدام از حمایت ناتو، قدرت‌های شرق و کشورهای عربی برخوردار بود و نهایتاً شکست خورد. قدرت‌های بلوک شرق و کشورهای عربی در جنگ فعلی علیه ایران، همراه با اسرائیل و ناتو نیستند.»



یادآوری

«محمد البرادعی» رئیس اسبق آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، در پاسخ به اظهارات وزیر خارجه آلمان در صفحه شخصی خود در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «آیا کسی به شما گفته است که «حملات هدفمند علیه تأسیسات هسته‌ای» طبق ماده ۵۶ پروتکل الحاقی کنوانسیون‌های ژنو که آلمان عضو آن است، ممنوع است؟ و استفاده از زور در روابط بین‌الملل به‌طور کلی طبق ماده ۲ (۴) منشور سازمان ملل متحد ممنوع است، به استثنای حق دفاع از خود در صورت حمله مسلحانه یا با مجوز شورای امنیت در صورت اقدام امنیتی جمعی. شاید بد نباشد بیشتر با اصول اساسی حقوق بین‌الملل آشنا شوید.»



یادداشت

شوگ به بازارهای جهانی

در سال‌های اخیر، جمعه‌های ماه ژوئن برای بسیاری از فعالان مالی فرصتی مناسب برای دورکاری به‌شمار می‌رفت؛ اما امسال این‌طور نیست. با انتشار خبر حملات هوایی رژیم صهیونیستی به ایران، معامله‌گران در وال‌استریت، لندن و حتی آسیا به‌سرعت به دفتر خود بازگشتند تا برای طوفانی که در راه بود، آماده شوند. این طوفان بسیار زود خود را نشان داد؛ قیمت نفت حدود ۱۳ درصد افزایش یافت، شاخص‌های سهام آمریکا یک درصد کاهش پیدا کردند و دلار سقوط اخیر خود را معکوس کرد. هر چند بخشی از این نوسانات بعداً اصلاح شد. اما بی‌ثباتی بالا به‌ویژه با توجه به هشدار ترامپ مبنی بر اینکه در صورت عدم توافق، «حملات بعدی» رژیم صهیونیستی که «از پیش برنامه‌ریزی شده‌اند» حتی «وحشیانه‌تر» خواهند بود، به احتمال زیاد ادامه خواهد داشت.

♦ نفت ۱۵۰ دلاری

ایران روزانه حدود ۳/۳ میلیون بشکه نفت تولید می‌کند که حدود ۲ درصد از کل تولید جهانی است؛ اما تهدید اصلی این است که در صورت گسترش درگیری و بسته شدن تنگه هرمز، حمل‌ونقل دریایی مختل خواهد شد و مؤسسه ING Barings پیش‌بینی کرده که با بسته ماندن بلندمدت تنگه هرمز، قیمت نفت می‌تواند دو برابر شده و تا پایان سال به رکورد ۱۵۰ دلار برسد.

به نوشته «روزنامه فایننشال تایمز»، تجربه‌های قرن بیستم نشان داده‌اند که جهش قیمت نفت چقدر می‌توانند مخرب باشند و با توجه به اینکه بانک جهانی به‌تازگی پیش‌بینی رشد جهانی را تقریباً نیم درصد کاهش داده و به ۲/۳ درصد رسانده که پایین‌ترین سطح از سال ۲۰۰۸ تاکنون است، اکنون زمان مناسبی برای یک «شوگ جدید» نیست. با اینکه ترامپ مدعی شده که این حملات در نهایت «بهترین اتفاق ممکن برای بازار» است. اما اثرات کوتاه‌مدت آن تش‌زا خواهد بود. قیمت‌های بالای نفت برنامه تیم ترامپ برای کاهش تورم را تضعیف می‌کند و همچنین کاهش میزان بهره را برای فدرال رزرو سخت‌تر می‌سازد چراکه ریسک وقوع «رکود تورمی» افزایش می‌یابد. برای اروپا، شرایط حتی بدتر است.

♦ موشک‌ها به بورس آمریکا رسید

پس از عملیات موشکی جمهوری اسلامی ایران علیه مواضع نظامی رژیم صهیونیستی و هراس در بازارهای دارایی‌های پرخطر، شاخص‌های داو جونز، اس‌اند‌پ‌سی ۵۰۰ و نزدک کامپوزیت بورس آمریکا افت شدیدی را تجربه کردند.

بدنبال هجوم سرمایه‌گذاران به دارایی‌های امن و خروج سرمایه‌ها از دارایی‌های پرخطر، شاخص اس‌اند‌پی ۵۰۰ شامل که ۵۰۰ شرکت بزرگ آمریکاست، ۱/۱۳ درصد کاهش یافت. میانگین صنعتی داو جونز، ۱.۸ درصد و نزدک کامپوزیت، ۱/۳ درصد کاهش یافت.

سهام اروپایی نیز با افت ۰/۹ درصدی مواجه شد و برای مدتی به پایین‌ترین سطح خود در سه هفته اخیر رسید و در آسیا، بورس‌های بزرگ ژاپن، کره جنوبی و هنگ کنگ هر کدام بیش از یک درصد سقوط کردند.



ساحل عباسی

خبرنگار

عضو هیئت علمی دانشگاه علم و صنعت تأکید کرد: «بی‌تردید «ایران خودرو» و «سایپا» را می‌توان به‌منزله نمادی از کل اقتصاد ایران معرفی کرد. پس وقتی قیمت همه کالاها و خدمات و صنایع بالا رفته و دستمزدها افزایش یافته است، این سؤال مطرح می‌شود چرا دولت در این مسیر یعنی اصلاح قیمت‌ها سنگ‌اندازی می‌کند؟ دلایل احتمالا این است که دولت نگران اعتراض مردم است، در حالی که اگر دولت دغدغه نگرانی مردم را دارد راهکار آن مقابله با اصلاح قیمت خودروها در شرکت‌های سایپا و ایران خودرو نیست، بلکه راهکارهای دیگری نیز وجود دارد.»

«امیر حسن کاکایی» عضو هیئت علمی دانشگاه علم و صنعت و کارشناس بازار خودرو در گفت‌وگو با صبح صادق به چرایی چالش‌های اخیر بین دولت و وزارت صمت با دو خودروساز معروف ایران بر سر اصلاح قیمت‌ها پرداخت و دراین باره به ما گفت: «باوجود اینکه تاکنون وزارت صمت افزایش قیمت خودروسازی‌هایی چون ایران خودرو و متعاقب آن سایپا را رد کرده است. اما به‌دلیل افزایش قیمت‌ها و فشارهای هزینه‌ای که به شرکت‌ها وارد شده است چاره‌ای جز افزایش قیمت بر اساس میزان‌های مصوب قانونی وجود ندارد.»

وی مشخصاً درباره خودروسازی سایپا گفت: «شرکت خودروسازی سایپا وضعیت مالی نامناسبی دارد و در مسیر خصوصی‌سازی نیز قرار گرفته است. بنابراین هیچ چاره‌ای غیر از اصلاح قیمت باقی نمانده است. نکته مهم درباره سایپا که اتفاقاً نگران‌کننده است تلاش‌ها برای خصوصی‌سازی این شرکت است که اگر درست خصوصی‌سازی نشود و زدوبندی در کار باشد به‌معنای له شدن این شرکت خواهد بود، زیرا قیمت خرید سایپا را به‌شدت پایین می‌آورد. بنابراین مردم و دولت در این مدل خصوصی‌سازی به‌شدت زیان می‌کنند.»

عضو هیئت علمی دانشگاه علم و صنعت تأکید کرد: «وقتی سخن از زیان مردم و دولت گفته می‌شود به این معناست که در حالی که صنعتی خراب می‌شود بازار این شرکت و این صنعت نیز از دست می‌رود بنابراین فشار بازار و قیمت‌ها بر مردم بیشتر می‌شود. از این‌رو باید گفت، سایپا به‌عنوان آخرین سنگر حاکمیت در رابطه با مدیریت صنعت خودروسازی باید به‌درستی مدیریت شود ضمن اینکه اصلاح قیمت‌ها برای جلوگیری از زیان‌های بیشتر به این شرکت که می‌تواند چوب حراج را بر آن بزند باید رعایت شود.»

امیر حسن کاکایی معتقد است: «اصلاح قیمت‌ها در چارچوب قانون باید انجام شود. اما مشکل اصلی این است که دولت هزار و یک مسئله و ملاحظات دیگری دارد که به آن بی‌توجهی می‌کند. ولی در برابر اصلاح قیمت خودروسازان مقاومت می‌کند و در برابر اعلام قیمت‌های جدید خودروسازان تعلل می‌کند.»

وی در ادامه بحث یادآور شد: «در روزهای گذشته درباره اینکه چه خودروهایی را از خودروسازان خریداری نکنیم چون در بازار ارزان‌تر هستند، فیلم‌هایی در فضای مجازی منتشر شد. در حال حاضر قیمت بسیاری از خودروهای مونتاژکاران از بازار ارزان‌تر است. این موضوع بدین معناست که رفتار دولت درخصوص ایران خودرو و سایپا متفاوت از دیگر شرکت‌هاست و جای تعجب دارد؛ یعنی دولت مدام بر سر دو تولیدکننده اصلی خودروی کشور می‌زند، رویه‌ای غلط که مانع رشد این شرکت‌ها شده است.»

کاکایی تصریح کرد: «به هر حال دولت به هر دلیلی نگران بالا رفتن قیمت‌هاست نه فقط قیمت محصولات ایران خودرو، بلکه محصولات سایپا نیز همین‌طور است. بنابراین تمام تلاش خود را به‌کار گرفته تا مانع اصلاح قیمت‌ها شود در حالی که در سه ماهه اول سال تاکنون بسیاری از کالاها و خدمات مشمول افزایش قیمت شده‌اند. نباید فراموش کنیم سیاست‌های دستوری دولت موجب نابودی

صنعت می‌شود، یعنی هر صنعتی اعم از صنعت خودروسازی یا غیره وقتی با قیمت‌گذاری دستوری مواجه شوند، آسیب می‌بینند. یا مثلاً سیاست‌هایی که بانک مرکزی و وزارت دارایی اعمال می‌کنند به صنایع و کسب‌وکارها و تولیدی‌ها ضربه وارد کرده است.»

وی افزود: «به هر حال به‌دلیل تورم، قیمت همه اقلام و کالاها بالا رفته است. برای اینکه مردم فشار قیمتی را متوجه نشوند دولت به‌جای فشار بر صنایع و عدم اصلاح قیمت‌ها هم‌زمان باید تولید را رونق دهد و حقوق و دستمزدها را مانند کشورهای منطقه افزایش دهد تا رفاه نسبی مردم افزایش یابد. اما شاهد هستیم دولت به‌علت ملاحظات که با عنوان حمایت از مردم دارد، مانع اصلاح قیمت‌ها می‌شود در حالی که دولت‌ها خود عامل ایجاد تورم بوده‌اند و خود تورم را بر مردم تحمیل کرده و مدام دست‌شان در جیب مردم بوده است.»

عضو هیئت علمی دانشگاه علم و صنعت تأکید کرد: «بی‌تردید ایران خودرو و سایپا را می‌توان به‌منزله نمادی از کل اقتصاد ایران معرفی کرد. پس وقتی قیمت همه کالاها و خدمات و صنایع بالا رفته و دستمزدها افزایش یافته است، این سؤال مطرح می‌شود چرا دولت در این مسیر، یعنی اصلاح قیمت‌ها سنگ‌اندازی می‌کند؟ دلایل احتمالا این است که دولت نگران اعتراض مردم است در حالی که اگر دولت دغدغه نگرانی مردم را دارد راهکار آن مقابله با اصلاح قیمت خودروها در شرکت‌های سایپا و ایران خودرو نیست، بلکه راهکارهای دیگری نیز وجود دارد.»

کارشناس بازار خودرو در این‌باره توضیح داد: «راهکاری که وکلای مجلس ارائه می‌دهند واردات خودروی خارجی است که مستقیماً به افزایش قیمت دلار در هنگامه تحریم‌ها منجر می‌شود و افزایش قیمت دلار نیز قیمت دیگر کالاها را در بازار بالا می‌برد. اما راهکار اصلی افزایش ارزش ریال است، پس این سؤال مطرح می‌شود، چگونه ارزش ریال را بالا ببریم؟ پاسخ به این سؤال یک راهکار



بیشتر ندارد و آن توسعه صنعتی است.» این کارشناس صنعت خودرو گفت: «بی‌تردید صنایع کشور باید رشد کنند. این راه حل اساسی عبور از چالش‌های امروزی است و گر نه چاپ پول و افزایش نقدینگی برای حل موقتی معضلات به هیچ‌وجه مشکلی را حل نمی‌کنند. متأسفانه سیاست ما ضد توسعه صنعتی است. نه فقط صنعت خودرو هر صنعتی که ما مشاهده می‌کنیم، همین ماجراست. برای نمونه ما در کشوری هستیم که هزینه هر یک بیت‌کوین با پول برق صنعتی در ایران حداکثر یک و نیم میلیارد تومان تمام می‌شود در حالی که تقریباً ارزش آن هشت و نیم میلیارد تومان است، یعنی اگر من صنعتگر، صنعت را تعطیل کنم و بیت‌کوین تولید کنم، سودآوری بیشتری دارم.»

کاکایی معتقد است: «ممکن است این پیشنهاد داده شود که اصلاً به‌جای تولید خودرو یا لوازم خانگی کلا تولید را رها کرده و آنها را وارد کنیم یا با تولید بیت‌کوین هزینه‌ها را بپردازیم این روش‌ها یک اشکال بزرگ دارد؛ اینکه در این نگاه پولی به جیب ملت نمی‌رود و فقط عده‌ای محدود منتفع می‌شوند. اما پولی که از طریق تولید حاصل می‌شود چه تولید خودرو یا خدمات یا برنامه نرم‌افزاری به جیب مردم می‌رود و سبب ارتقای ارزش پول ملی و توزیع مناسب ثروت در جامعه می‌شود. پس مشکل من و شما فقط بالا رفتن قیمت خودرو نیست، بلکه مشکل اصلی پایین بودن میزان درآمد است. مشکلی که حتی در گران شدن نان و نگرانی طبقه ضعیف جامعه خود را نشان داده است.»

وی در پایان گفت‌وگو تأکید کرد: «شاید طبقه متوسط جامعه هنوز نگران گران شدن نان نیست. اما دهک‌های یک تا سه از این گرانی‌ها آسیب می‌بینند چون درآمد پایینی دارند. اینجاست که باید سیاست‌گذاری‌های درست برای رشد صنعتی، رونق اقتصادی و اشتغال‌زایی و درآمدزایی مردم ایجاد شود تا با عبور از رکود و افزایش درآمد مردم و افزایش قدرت خرید جامعه توازن در همه عرصه‌ها برقرار شود.»

امیر حسن کاکایی عضو هیئت علمی دانشگاه علم و صنعت در گفت‌وگو با صبح صادق

سیاست‌های ما ضد توسعه صنعتی است

شاخص

آلودگی سراسری

شبکه خبری ان‌بی‌سی نیوز به نقل از مرکز کنترل و پیشگیری از بیماری‌های آمریکا و سازمان غذا و داروی این کشور اعلام کرد که تخم‌مرغ‌های آلوده در ایالت‌های مختلف باعث بیماری افراد زیادی شده و برای حداقل ۱/۷ میلیون تخم‌مرغ فراخوان جمع‌آوری صادر شده است. این دو سازمان در بیانیه‌ای اعلام کردند که در حال بررسی موارد شیوع باکتری سالمونلا در چندین ایالت هستند. مرکز کنترل بیماری‌های آمریکا اعلام کرده تاکنون ۷۹ نفر در ایالت‌های نیوجرسی، کنتاکی، نبراسکا، نوادا، آریزونا، واشینگتن و کالیفرنیا بیمار شده‌اند. دست‌کم ۲۱ نفر در بیمارستان بستری شده‌اند و تاکنون هیچ مورد فوتی گزارش نشده است.



منهای نفت

ارزشمندتر از نفت

صادرات گل محمدی، به‌عنوان محصولی غیرنفتی، نقش مهمی در ارزآوری ایران دارد. این گل معطر، با فرآورده‌هایی مانند اسانس، گلاب و غنچه خشک، به بازارهای اروپا، آسیا و خلیج فارس صادر می‌شود. طبق گزارش‌ها، تنها در شهرستان محلات، سالانه ۲۴ میلیون دلار ارز از صادرات گل و گیاه، عمدتاً گل محمدی، عاید کشور می‌شود. ارزش اقتصادی هفت کیلوگرم گل خشک معادل یک بشکه نفت است، که با توسعه صنایع اسانس‌گیری، این میزان می‌تواند افزایش یابد. با توجه به کم‌آبی و تحریم‌های نفتی، سرمایه‌گذاری در این صنعت، جایگزینی پایدار برای درآمدهای نفتی است چرا که این محصول با کمترین میزان مصرف آب ثمر می‌دهد.



افزوده

تله نقدینگی

تله نقدینگی وضعیتی اقتصادی است که در آن نرخ‌های بهره بسیار پایین است، اما مردم و شرکت‌ها به جای سرمایه‌گذاری یا خرج کردن، پول نقد را احتکار می‌کنند. این اتفاق معمولاً در رکودهای عمیق رخ می‌دهد، زمانی که اعتماد به اقتصاد کم است و انتظار تورم منفی وجود دارد. در این شرایط، سیاست‌های پولی مانند کاهش نرخ بهره یا تزریق پول توسط بانک مرکزی اثر چندانی ندارد، زیرا تقاضا برای پول نقد همچنان بالا می‌ماند. تله نقدینگی می‌تواند چرخه اقتصادی را فلج کند و سیاست‌گذاران را وادار به استفاده از ابزارهای غیرمتعارف، مانند سیاست‌های مالی انبساطی، برای تحریک اقتصاد کند.



فرماندهی، وارد عمل شود.

در سوی دیگر، ماجرای سانسور خبری در سرزمین‌های اشغالی نیز پازل عملیات را کامل می‌کند. رژیم صهیونیستی از ابتدای درگیری‌ها تلاش کرده بود با سانسور شدید، از انتشار واقعیات میدانی جلوگیری کند تا روحیه عمومی در سرزمین‌های اشغالی فرو نپاشد. اما تصاویر اندک و ویدیوهای پراکنده که از میان این سانسورها بیرون آمدند، عمق ضربه وارده را عیان ساختند. در چنین شرایطی، عدم اعتراف رسمی رژیم صهیونیستی به خسارات، بیش از آنکه قدرت را نشان دهد، از درماندگی حکایت دارد.

اپوزیسیون وایسته و عناصر نفوذی نیز که در برخی تحلیل‌ها نقش تسهیل‌گر برای اقدامات رژیم صهیونیستی معرفی شدند، حالا در معرض بازداشت و افشا قرار دارند. این موضوع در روزهای آینده می‌تواند بر تعادل اطلاعاتی دشمن تأثیر بگذارد. در مقابل، ایران از فاصله دوهزار کیلومتری و بدون اتکا به شبکه‌های نفوذ، توانسته اهداف مشخصی را با دقت بالا مورد اصابت قرار دهد. این تقابل نابرابر در حوزه اطلاعاتی، خود بیانگر تفاوت ماهوی دو طرف در تعریف مفهوم امنیت و اقتدار است.

در نهایت، شاید مهم‌ترین پیام وعده صادق ۳، آغاز مر حله‌ای تازه از عملیات‌های چندمرحله‌ای باشد؛ مرحله‌ای که نه پایان دارد و نه الگوی واحد. ایران با فاصله گرفتن از عملیات‌های تک‌مرحله‌ای گذشته، حالا وارد فاز عملیات‌های سلسله‌وار شده و روشن نیست در صورت دوام درگیری، مرحله بعدی چه زمانی و در چه سطحی رخ خواهد داد. این ابهام، مهم‌ترین نگرانی امنیتی اسرائیل است؛ چراکه امکان پیش‌بینی و مدیریت بحران را از آنان گرفته است.

با تمام این‌ها، یک پرسش کلیدی همچنان باقی است و آن اینکه رژیم صهیونیستی تا کجا توان و اراده تحمل ضربات سهمگین‌تر را دارد؟ آنچه در وعده صادق ۳ به اجرا در آمد، صرفاً بخش قابل مشاهده‌ای از توان نظامی ایران بود؛ به تعبیری، نوک کوه یخ. اگر این درگیری‌ها ادامه یابد - و به‌ویژه اگر رژیم صهیونیستی باز هم به مسیر تهاجم ادامه دهد -بی‌تردید شاهد ابعاد ناشناخته‌ای از ظرفیت‌های نظامی جمهوری اسلامی خواهیم بود. پرسش این نیست که آیا ایران می‌تواند حمله کند؛ سوال واقعی این است که آیا رژیم صهیونیستی توان تحمل حملات بعدی را دارد؟



آیا رژیم صهیونیستی توان تحمل حملات بعدی را دارد؟

دکترین دفاع فعال جمهوری اسلامی

نشان می‌دهد که تهران می‌خواهد معادله‌ای جدید از بازدارندگی شکل دهد: بازدارندگی نه از طریق تهدید به واکنش، بلکه از طریق اقدام عملی.

از منظر نظامی، عبور موفق موشک‌های ایرانی از سامانه‌های دفاعی چندلایه‌ای رژیم صهیونیستی- که پس از عملیات وعده صادق ۲ با کمک آمریکا تقویت شده بود- حاوی پیام دیگری است. این اتفاق نشان می‌دهد یا تسلیحات به‌کاررفته از نظر فناوری به مرحله‌ای جدید رسیده‌اند، یا سامانه‌های پدافندی دشمن دچار ضعف ساختاری هستند، یا هر دو. در هر حالت، آنچه برای رژیم صهیونیستی به‌عنوان نقطه اتکای راهبردی مطرح بود- یعنی توان پدافندی پیشرفته - اکنون زیر سوال رفته است.

همچنین، تحلیل اهداف انتخاب‌شده از سوی ایران روشن می‌کند که پاسخ تهران نه احساسی بلکه کاملاً سنجیده و با تکیه بر برابری و تناسب در نوع اهداف بوده است. رژیم صهیونیستی مراکز نظامی را هدف قرار داد، ایران هم مراکز نظامی را

کشانند. اما واکنش سریع و از پیش طراحی‌شده ایران نشان داد که جمهوری اسلامی نه‌تنها در وضعیت انفعال نیست، بلکه هر سناریوی دشمن را از پیش شبیه‌سازی کرده و برای آن راهکار دارد. اجرای وعده صادق ۳ تنها ساعاتی پس از حمله رژیم صهیونیستی، سیگنال مهمی به تل‌آویو و حامیان‌ش، به‌ویژه واشینگتن، ارسال کرد و آن اینکه ایران منتظر هماهنگی بین‌المللی برای پاسخ نمی‌ماند و حساب اقدامات خود را جداگانه نگه می‌دارد.

نخستین نکته مهم در تحلیل این عملیات، تأکید بر دکترین «دفاع فعال» جمهوری اسلامی است؛ دکترینی که در آن دفاع صرف، جای خود را به واکنش تهاجمی و بازدارنده می‌دهد. ایران بارها اعلام کرده که هرگونه تجاوز را نه در همان سطح، بلکه در سطحی بالاتر پاسخ خواهد داد. بر همین اساس، حمله به اهداف راهبردی مانند «کریا» (مقر وزارت جنگ رژیم صهیونیستی) یا تأسیسات حساس انرژی و مناطق نظامی‌نشین، به‌وضوح

شهاب‌الدین محرمی

کارشناس سیاسی

حمله موشکی ایران به سرزمین‌های اشغالی در قالب عملیات «وعده صادق ۳» را می‌توان نقطه عطفی در رویارویی مستقیم جمهوری اسلامی با رژیم صهیونیستی دانست؛ رویارویی‌ای که اگرچه در سال‌های گذشته در قالب جنگ‌های نیابتی، عملیات سایبری یا اقدامات محدود اطلاعاتی ادامه داشت، این‌بار به شکلی بی‌پرده و آشکار در صحنه نبرد مستقیم جلوه‌گر شد. این عملیات، نه‌تنها پاسخی فوری به تجاوز نظامی رژیم صهیونیستی بود، بلکه نمایانگر دکترین دفاعی-تهاجمی ایران در موقعیتی استراتژیک و حساس نیز محسوب می‌شود.

رژیم صهیونیستی این‌بار برخلاف دفعات پیشین تلاش کرد ابتکار عمل را با حمله اولیه به مراکز نظامی ایران در دست گیرد، با این تصور که شوک اولیه، تهران را به موضع دفاعی صرف خواهد

حسن نوروزی

کارشناس سیاسی

واکنش نظامی ایران به تجاوز رژیم صهیونیستی را نمی‌توان صرفاً اقدامی واکنشی دانست، بلکه باید آن را بخشی از یک راهبرد طراحی‌شده در نظر گرفت؛ راهبردی که هم بُعد بازدارندگی دارد و هم عقلانیت سیاسی را در دل خود جای داده است. تحلیل دقیق رویدادهای اخیر، چه در حوزه میدانی و چه در عرصه بین‌المللی، نشان می‌دهد جمهوری اسلامی ایران نه‌تنها آمادگی پاسخ قاطع به هرگونه تعرض را دارد، بلکه نحوه ورود و خروج از بحران را نیز با سنجش دقیق هزینه و فایده تنظیم کرده است.

ماجرای حمله مستقیم رژیم صهیونیستی به تأسیسات و افراد نظامی ایرانی آغاز شد؛ حمله‌ای که هدف آن، علاوه‌بر تحمیل هزینه انسانی، ارسال این پیام به جامعه بین‌المللی بود که ایران به‌راحتی قابل ضربه‌پذیری است. اما پاسخ تهران به این حمله، نه‌تنها این تصور را به چالش کشید، بلکه الگویی از «پاسخ متناسب و تدریجی» ارائه کرد؛ پاسخی که با دقت نظامی بالا، بدون تلفات غیرنظامی و با بهره‌گیری از ابزارهای متنوع بازدارندگی صورت گرفت. این سطح از آمادگی، مؤید آن است که جمهوری اسلامی ایران نه‌تنها غافلگیر نشد، بلکه از پیش، طراحی و پیش‌بینی لازم برای مواجهه با چنین سناریویی را داشته است.

اما این رویداد را نمی‌توان صرفاً در قالب

از اصول اولیه منشور ملل متحد ارانه می‌دهد. این کشورها، نه‌تنها مانع اقدامات تجاوزکارانه رژیم نشدند، بلکه در جلسه اضطراری شورای امنیت، با دفاع از حمله صهیونیست‌ها به ایران، عملاً نشان دادند در صورت تکرار چنین تجاوزهایی نیز از عاملان آن حمایت خواهند کرد. این تغییر رویه، به‌وضوح نشان می‌دهد که قواعد بین‌المللی در مواجهه با کشورهایی چون ایران، به ابزار چانه‌زنی سیاسی تقلیل یافته است.

اما در این میان، آنچه معادله را به سود ایران تغییر داد، عملکرد دقیق و مرحله‌بندی‌شده نیروهای مسلح بود. نخست آنکه در کمتر از ۲۴ ساعت از حمله اولیه، پاسخ متقابل آغاز شد. این واکنش، نه‌تنها دقت عملیاتی بالا داشت، بلکه حاوی این پیام نیز بود که حتی حذف چهره‌های کلیدی و فرماندهان ارشد، خللی در ساختار فرماندهی و اجرای مأموریت‌های راهبردی ایران ایجاد نمی‌کند. دوم آنکه این پاسخ، از ابتدا بر پایه اصل بازدارندگی طراحی شده بود؛ یعنی افزایش دامنه درگیری، تنها زمانی صورت گرفت که دشمن از حوزه نظامی فراتر رفت و به اهداف اقتصادی و زیرساختی حمله کرد. این هماهنگی دقیق میان سطح تهدید و میزان پاسخ، نشان‌دهنده بلوغ راهبردی ایران در مهار بحران‌هاست.

در سطح سیاسی نیز باید به تغییر ادبیات طرف مقابل اشاره کرد. از یک‌سو، لحن سردمداران رژیم صهیونیستی، از مواضع تهاجمی به هشدارهای



توانست معادلات محاسباتی دشمن را بر هم بزند و نشان دهد دوران ضربه‌زدن بی‌هزینه به منافعش گذشته است. از سوی دیگر، ضعف نهادهای بین‌المللی در دفاع از اصول حقوقی و عدالت جهانی، بار دیگر اثبات شد.

در چنین شرایطی، راهبرد ایران باید بر ترکیب هوشمندانه قدرت بازدارندگی و دیپلماسی فعال استوار باشد؛ راهبردی که نه‌تنها امنیت ملی را حفظ کند، بلکه مشروعیت دفاعی کشور را در عرصه بین‌الملل تثبیت نماید.

احتیاط‌آمیز تغییر یافت و از سوی دیگر، اظهارات دونالد ترامپ نیز نشان‌دهنده چرخش محسوس بود. او که در ابتدا تهدید به «نابودی امپراتوری ایران» کرده بود، اکنون سخن از میانجی‌گری و لزوم گفت‌وگو به میان می‌آورد. این تغییر موضع، حاکی از شکاف عمیق میان انتظارات اولیه از حمله و واقعیت میدانی پس از پاسخ ایران است.

در جمع‌بندی، باید گفت تحولات اخیر، یک نقطه عطف مهم در مناسبات امنیتی و سیاسی منطقه بود. ایران، با نمایش قدرت نظامی هوشمندانه،

پاسخ ایران معادلات تازه‌ای را رقم می‌زند!

پرونده

شماره ۱۱۹۲ | دوشنبه ۲۶ خرداد ۱۴۰۴

صداق

شهادای غدیر

ویژه سرداران شهید سپاه اسلام در خرداد ۱۴۰۴

تحلیلگر بر جسته جنگ



«شهید سردار غلامرضا محرابی» معاون اطلاعات و امنیت ستاد کل نیروهای مسلح، از فرماندهان ارشد نظامی کشور و از فرماندهان هشت سال دفاع مقدس بود. او در ۲۴ خرداد سال ۱۴۰۴ بر اثر حمله هوایی رژیم صهیونیستی به خاک ایران به شهادت رسید. او به‌همراه «سردار شهید مهدی ربانی» معاون عملیات ستاد کل نیروهای مسلح، از مسئولان ستادی بود که درنخستین موج حملات رژیم صهیونیستی هدف قرارگرفت.

سردار غلامرضا محرابی که بود؟

سردار محرابی پیش از شهادتش، به‌عنوان معاون اطلاعات و امنیت ستاد کل نیروهای مسلح فعالیت می‌کرد و نقش محوری در رصد تهدیدات، طراحی راهبردهای کلان امنیتی و تقویت توانمندی اطلاعاتی نیروهای مسلح داشت. او از تحلیلگران برجسته جنگ بود که در سال ۱۴۰۱ در نشست «جایگاه علم و فناوری در دفاع مقدس» که با هماهنگی پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس برگزار شد، با نگاهی عمیق به تاریخ جنگ تحمیلی، بر نقش علم و فناوری در پیروزی‌های نظامی ایران تأکید کرد. او گفت: «در دوران دفاع مقدس، ما سطحی جدید به سطوح جنگ افزودیم؛ سطح عملیات. این سطح نه‌تنها در میدان، بلکه در علوم نظامی نیز تأثیر گذاشت و بعدها در دانشکده‌های نظامی غربی نیز بازتاب یافت.»

او همچنین با اشاره به طرح‌ریزی دقیق عملیات والفجر ۸ و محاسبه علمی جزر و مد اوندرو، تأکید کرد که در بسیاری از حوزه‌ها، دانش نظامی ایران از فناوری‌های رایج آن زمان پیشی گرفته بود. نگاه او به جنگ، تنها میدان درگیری نبود، بلکه عرصه‌ای از ابتکارات علمی، فناوری‌های بومی و هماهنگی پیچیده میان نیروها و علوم گوناگون بود.

توسعه همکاری‌های دفاعی

از دیگر فعالیت‌های سردار محرابی، همراهی با هیئت عالی‌رتبه نظامی جمهوری اسلامی ایران به سرپرستی «سرلشکر محمد باقری» در سفر سال ۱۳۹۸ به چین بود. این سفر با هدف توسعه همکاری‌های دفاعی با ارتش چین انجام شد و سردار محرابی به‌عنوان یکی از چهره‌های محوری اطلاعاتی کشور، در این نشست حاضر شد.

فرمانده مقتدر

«سرلشکر شهید حسین سلامی» چهره برجسته نظامی ایران و فرمانده کل سپاه پاسداران که مسیر پرافتخار زندگی‌اش را از میدان‌های نبرد دفاع مقدس تا فرماندهی سپاه پیمود، در حمله ناجوانمردانه رژیم صهیونیستی در خرداد سال ۱۴۰۴ به شهادت رسید؛ شخصیتی که با تعهد، دانش و شجاعت، نماد مقاومت و ایستادگی ملت ایران شد.

سرلشکر حسین سلامی در سال ۱۳۳۹ در «روستای وانشان» از توابع شهرستان گلپایگان چشم به جهان گشود. دوران کودکی و تحصیلات ابتدایی و متوسطه‌اش را در زادگاهش سپری کرد و در سال ۱۳۵۷، با موفقیت در آزمون سراسری در رشته مهندسی مکانیک دانشگاه علم و صنعت تهران پذیرفته‌شد. ورود او به دانشگاه، هم‌زمان با خروش انقلابی ملت ایران علیه رژیم پهلوی بود. فضای انقلابی حاکم بر دانشگاه‌ها بستر ورود سلامی به فعالیت‌های دانشجویی و انقلابی شد؛ حضوری که سرآغاز راهی پر فراز و نشیب در خدمت به انقلاب اسلامی بود.

تحصیلات علمی- نظامی

پس از پایان جنگ، به‌منظور ارتقای علمی و حرفه‌ای، وارد دانشگاه افسری شد و در سال ۱۳۷۱، در سن ۳۲ سالگی، به فرماندهی دوره عالی جنگ منصوب شد. وی تا سال ۱۳۷۶ در این سمت فعالیت کرد و در همین سال‌ها دوره دانشکده فرماندهی و ستاد را با موفقیت گذراند. همچنین با تلاش تحصیلات نیمه‌تمام خود در دانشگاه علم و صنعت را نیز به پایان رساند و مدرک کارشناسی ارشد مدیریت دفاعی را اخذ کرد.

سردار سلامی از پایه‌گذاران دوره عالی فرماندهی جنگ (دافوس) در سپاه بود و از زمان تأسیس این مرکز در سال ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۶ فرماندهی آن را برعهده داشت.

فرمانده کل سپاه

سردار سلامی در سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴، به‌عنوان معاون عملیات ستاد مشترک سپاه ایفای نقش کرد و سپس در همین سال به فرماندهی نیروی هوافضای سپاه پاسداران منصوب شد. مسئولیتی مهم که در آن دوران با توسعه چشم‌گیر توانمندی‌های موشکی و هوافضایی کشور همراه بود.

در ادامه، به عضویت هیئت علمی دانشگاه عالی

دفاع ملی درآمد و در سال ۱۳۸۸ با حکم فرمانده معظم کل قوا، به‌عنوان جانشین فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی منصوب شد. او مدتی نیز سرپرستی معاونت هماهنگ‌کننده سپاه را برعهده داشت.

سردار سلامی در اول اردیبهشت سال ۱۳۹۸، با ارتقای درجه به سرلشکری، به فرماندهی کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی منصوب شد؛ مسئولیتی خطیر که نشان از اعتماد کامل رهبری نظام به توانمندی‌ها، تعهد و تجربه ارزشمند وی در عرصه‌های راهبردی و عملیاتی داشت.

پس از پیروزی انقلاب، مدتی در کمیته‌های مردمی مشغول به فعالیت شد اما پس‌آغاز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران در شهریور سال ۱۳۵۹، او نیز در آبان همان سال، راهی میدان دفاع از میهن شد و به عضویت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی درآمد. ابتدا به منطقه کردستان اعزام شد و سپس به جبهه‌های جنوب غرب کشور رفت؛ جایی که نخستین تجارب نظامی‌اش را در سن ۲۰ سالگی آغاز کرد.

سردار سلامی مسیر نظامی خود را از رده‌های پایین آغاز کرد و به مرور در یگان‌های رزمی لشکر ۲۵ کربلا، لشکر ۱۴ امام حسین (ع) و قرارگاه دریایی نوح، مسئولیت‌های مهم‌تری را برعهده گرفت. رشادت و توانمندی‌هایش موجب شد تا به‌عنوان یکی از نیروهای تأثیرگذار در دوران دفاع مقدس شناخته شود.

مسئولیت‌های سردار سلامی از زمان دفاع مقدس تا امروز به قرار زیر است:

مسئول عملیات قرارگاه دریایی نوح در جنگ ایران و عراق

فرمانده دانشکده دافوس از سال ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۶
معاون عملیات ستاد مشترک سپاه از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴

فرماندهی نیروی هوایی سپاه پاسداران از سال ۱۳۸۴ تا ۱۲ مهرماه سال ۱۳۸۸

عضو کنونی هیئت علمی دانشگاه عالی دفاع ملی جانشین فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از سال ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۸

سرپرست معاونت هماهنگ‌کننده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از تیر تا شهریور سال ۱۳۹۷
فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از اردیبهشت سال ۱۳۹۸

پاسدار حریم ولایت



«سردار شهید داوود شیخیان» یکی از فرماندهان سپاه پاسداران بود که سال‌ها در بطن تحولات راهبردی نیروی هوافضای سپاه نقش آفرینی کرد. وی که در زمان شهادت، فرمانده پدافند هوایی نیروی هوافضای سپاه بود، در جریان حملات هوایی رژیم صهیونیستی به ایران، به شهادت رسید. ارتش رژیم صهیونیستی اعلام کرد: «جنگنده‌های نیروی هوایی رژیم صهیونی یک مقر زیرزمینی محل اقامت «امیرعلی حاجی‌زاده» فرمانده نیروی هوایی سپاه پاسداران، به‌همراه تعدادی از مسئولان ارشد را بمباران کردند که «طاهر پور» فرمانده یگان پهبادی سپاه و «داوود شیخیان» فرمانده پدافند هوایی سپاه از جمله این مسئولان بودند.»

سردار شیخیان کیست؟

سردار شیخیان در سال‌های اخیر به‌عنوان جانشین معاونت عملیات نیروی هوافضای سپاه، یکی از صداهای اصلی در بیان پیشرفت‌های موشکی و پدافندی ایران در رسانه‌های داخلی و بین‌المللی بود. وی در یکی از گفت‌وگوهای خود که در عمق یکی از شهرهای موشکی ایران انجام شد، از توان بازدارندگی ایران در برابر تهدیدات هوایی و موشکی دشمن سخن گفت؛ سخنانی که بازتاب گسترده‌ای در رسانه‌ها داشت.

از مهم‌ترین موضوع فنی او می‌توان به تأکید بر خودکفایی ایران در حوزه رادار و سامانه‌های پدافندی اشاره کرد. او در مصاحبه‌ای تصریح کرده بود که در ۱۵ تا ۲۰ سال گذشته، هیچ

دفاع ملی درآمد و در سال ۱۳۸۸ با حکم فرمانده معظم کل قوا، به‌عنوان جانشین فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی منصوب شد. او مدتی نیز سرپرستی معاونت هماهنگ‌کننده سپاه را برعهده داشت.

سردار سلامی در اول اردیبهشت سال ۱۳۹۸، با ارتقای درجه به سرلشکری، به فرماندهی کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی منصوب شد؛ مسئولیتی خطیر که نشان از اعتماد کامل رهبری نظام به توانمندی‌ها، تعهد و تجربه ارزشمند وی در عرصه‌های راهبردی و عملیاتی داشت.

پس از پیروزی انقلاب، مدتی در کمیته‌های مردمی مشغول به فعالیت شد اما پس‌آغاز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران در شهریور سال ۱۳۵۹، او نیز در آبان همان سال، راهی میدان دفاع از میهن شد و به عضویت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی درآمد. ابتدا به منطقه کردستان اعزام شد و سپس به جبهه‌های جنوب غرب کشور رفت؛ جایی که نخستین تجارب نظامی‌اش را در سن ۲۰ سالگی آغاز کرد.

سردار سلامی مسیر نظامی خود را از رده‌های پایین آغاز کرد و به مرور در یگان‌های رزمی لشکر ۲۵ کربلا، لشکر ۱۴ امام حسین (ع) و قرارگاه دریایی نوح، مسئولیت‌های مهم‌تری را برعهده گرفت. رشادت و توانمندی‌هایش موجب شد تا به‌عنوان یکی از نیروهای تأثیرگذار در دوران دفاع مقدس شناخته شود.

مسئولیت‌های سردار سلامی از زمان دفاع مقدس تا امروز به قرار زیر است:

مسئول عملیات ستاد مشترک سپاه از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴

فرماندهی نیروی هوایی سپاه پاسداران از سال ۱۳۸۴ تا ۱۲ مهرماه سال ۱۳۸۸

عضو کنونی هیئت علمی دانشگاه عالی دفاع ملی جانشین فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از سال ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۸

سرپرست معاونت هماهنگ‌کننده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از تیر تا شهریور سال ۱۳۹۷
فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از اردیبهشت سال ۱۳۹۸

یادگار حماسه آزادی خرمشهر



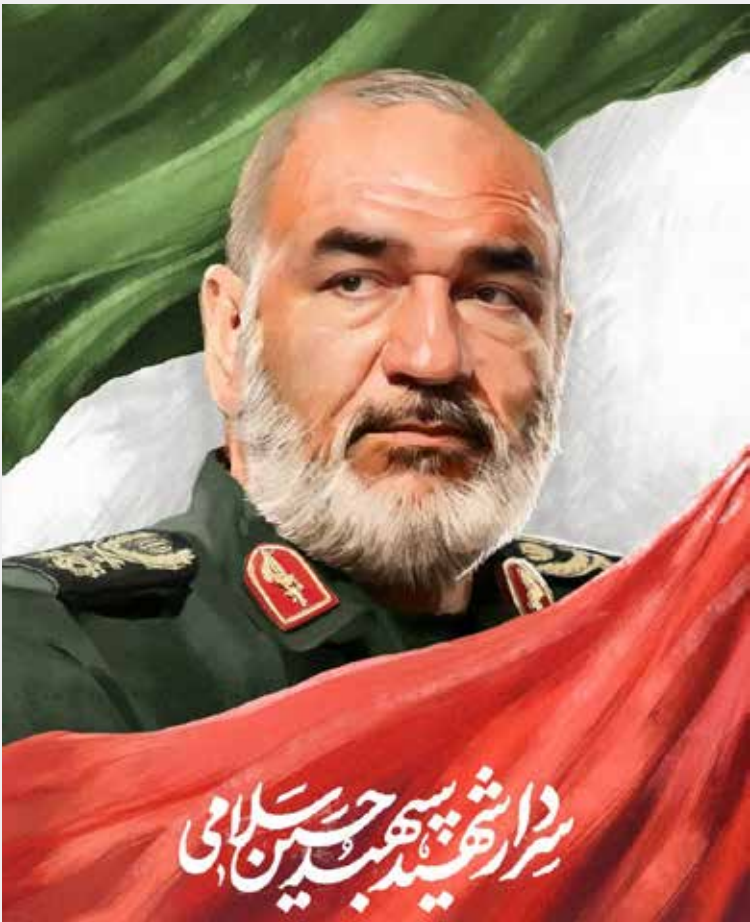
همراهی «کاظم جلالی» سفیر ایران در روسیه در اجلاس بین‌المللی «امنیت» شرکت کرد. او در این اجلاس در جمع مقامات بلندپایه دفاعی جهان، تنها راه بازگشت امنیت و صلح در منطقه را، خروج قدرت‌های فرامنطقه‌ای عنوان و تأکید کرد: «وضعیت و شرایط کشورهایمانندافغانستان نشان می‌دهد، حضور آمریکایی‌ها نه‌تنها امنیت را به این کشور بازنگردانده، بلکه ناامنی را بیشتر کرده است.»

ربانی همچنین گفته بود: «امنیت جمعی با مشارکت کشورهای هر منطقه از جهان امکانپذیر است و دخالت کشورهای فرامنطقه‌ای در امور مناطق دیگر جهان، تنها وضعیت را پیچیده‌تر و ناامن‌تر می‌کند.»

در سال ۱۳۷۹ مهدی ربانی در مراسم سالروز فتح خرمشهر در کرمانشاه روایت کرد: «رژیم بعث عراق با حمله دو گردان در مدت شش ساعت تصرف خرمشهر را پیشینی کرده بود که با مقاومت و رشادت نیروهای مردمی و مسلح به ۳۴ روز انجامید. به فرمان حضرت امام (ره) و بانسجم نیروهای رزمنده در سه مرحله خرمشهر آزاد شد و نیروهای ما تا نزدیک

بصره پیشروی کردند.»

او در سال ۱۴۰۱ نیز درباره رخدادهای پاییز آن سال تأکید کرده بود که فتنه اخیر هیچ هدفی جز تجزیه ایران و نابودی انقلاب نداشت.



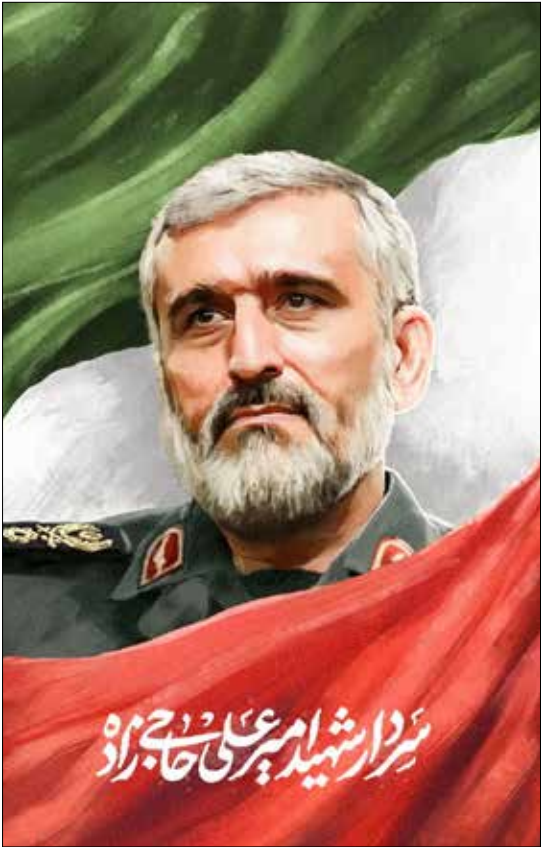
می‌کرد که ایران بهدنبال سلاح هسته‌ای نیست. اما در صورت تهدید، برای هر نوع جنگی آماده است. برخی تحلیلگران معتقدند که رژیم صهیونیستی با مشاهده نقش برجسته شهید سلامی در تدوین استراتژی‌های بازدارنده ایران و گسترش نفوذ محور مقاومت در منطقه، او را یکی از اهداف کلیدی خود می‌دانست. ترور شهید سلامی، ادامه همان سیاست فشار حداکثری امنیتی علیه ایران تلقی می‌شود.

شهادت

سحرگاه بیست‌وسوم خرداد سال ۱۴۰۴ سرلشکر حسین سلامی، فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در حمله ناجوانمردانه رژیم صهیونیستی به خاک میهن به فیض عظیم شهادت نائل آمد.

به‌دنبال این جنایت رژیم صهیونیستی، رهبر معظم انقلاب در پیامی خطاب به ملت بزرگ ایران، فرمودند: «رژیم باید منتظر مجازاتی سخت باشد. دست قدرتمند نیروی مسلح جمهوری اسلامی او را رها نخواهد کرد باذن‌الله.»

کابوس صهیونیست‌ها



«شهید امیرعلی حاجی‌زاده» تک‌تیرانداز جنگ تحمیلی و شاگرد برجسته شهید تهرانی‌مقدم، پس از سال‌ها فرماندهی مقتدرانه نیروی هوافضای سپاه، سرانجام در حمله رژیم صهیونیستی به فیض شهادت نائل آمد و نامش در تاریخ مقاومت ماندگار شد.

شهید حاجی‌زاده نهم اسفند ۱۳۴۰ در تهران به‌دنیا آمد. پدر و مادرش اصالتاً از خرم‌دشت کرج بودند. حاجی‌زاده سه فرزند دارد. در سال ۱۳۵۹ و با آغاز جنگ تحمیلی، حاجی‌زاده ۱۹ ساله بود که راهی جبهه‌های دفاع مقدس شد. او به‌عنوان تک‌تیرانداز در عملیات‌های مهمی همچون والفجر ۸ و کربلای ۴ و ۵ تا پایان جنگ حضور فعال داشت.

♦ ورود به حوزه موشکی و فرماندهی نیروی هوافضای سپاه

پس از پایان جنگ، شهید حاجی‌زاده وارد بخش هوافضای سپاه پاسداران شد و در حوزه موشکی فعالیت خود را ادامه داد. وی شاگرد برجسته شهید «حسن تهرانی‌مقدم» به‌شمار می‌رفت و سال‌ها در مراکز حساس موشکی نقش آفرینی کرد.

از سال ۱۳۸۵ فرمانده پدافند هوایی سپاه بود و در سال ۱۳۸۸ با حکم رهبر معظم انقلاب به فرماندهی نیروی هوافضای سپاه منصوب شد. در این سمت با مدیریت و برنامه‌ریزی خردمندانه، توان بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران را به‌طرز چشمگیری ارتقا داد و این نیرو را به یکی از اصلی‌ترین ستون‌های امنیت ملی تبدیل کرد.

سردار حاجی‌زاده با روحیه‌ای جهادی، صداقت، تواضع و اخلاص شناخته می‌شد و توانست نیروی هوافضارا به نمادی از پیشرفت، نوآوری و اقتدار در حوزه دفاعی و موشکی ایران بدل کند. تلاش‌های وی به‌عنوان یکی از چهره‌های برجسته جبهه مقاومت و دفاع مقدس ماندگار است.

♦ عملیات‌های مهم و دستاوردهای نظامی

در دوران فرماندهی شهید حاجی‌زاده، عملیات مهمی از جمله عملیات لیله‌القدر در ۲۸ خرداد ۱۳۹۶ اجرا شد که پاسخ موشکی ایران به حمله تروریستی داعش به مجلس بود. در این عملیات، ۶ موشک ذوالفقار و قیام به مقر فرماندهی داعش اصابت کرد.

در شهریور ۱۳۹۷ نیز پس از شهادت ۱۱ نیروی سپاه در حمله تروریستی مریوان، نیروهای هوافضای سپاه با همکاری یگان پهپادی، محل استقرار تروریست‌ها را هدف موشکی قرار دادند. از دیگر دستاوردهای مهم در زمان فرماندهی حاجی‌زاده، انهدام پهپاد جاسوسی آمریکایی گلوبال هاوک در خرداد ۱۳۹۸ است.

♦ دوران پیشرفت هوافضای سپاه

دروان فرماندهی سردار حاجی‌زاده در نیروی هوافضای سپاه را می‌توان دوران شکوفایی قدرت موشکی، پهپادی و پدافند هوایی دانست. در این دوران طیف متنوعی از موشک‌های بالستیک سوخت جامد و مایع و موشک‌های کروز توسط متخصصان نیروی هوافضای سپاه طراحی و تولید می‌شوند. این موشک‌ها که در ابتدای کار دقت و قدرت کافی را نداشتند رفته رفته به موشک‌هایی نقطه زن و با سرچنگی‌های متنوع و قدرتمند بدل می‌شوند که ضلع اصلی قدرت تهاجمی کشور را شکل می‌دهند.

پیشرفت‌های ایران در صنایع موشکی تاجایی پیش می‌رود که هراس در دل دشمنان می‌افکند و آنها را و می‌دارد تا با اعتراف به قدرت تهاجم موشکی ایران، آنقدر از این قدرت احساس هراس کنند که بحث مذاکره بر سر موشک‌های بالستیک ایران را مطرح کنند.

علاوه بر این بزرگترین عملیات‌های موشکی ایران نیز در زمان سردار حاجی‌زاده اجرا شده است. حمله به پایگاه‌های تروریست‌های تکفیری در عملیات‌های ضربت محرم و لیله القدر، حمله به مقر حزب منحله و تروریستی دموکرات کردستان عراق و حمله به مقر تروریست‌های داعش خراسان در سوریه بخشی از عملیات مهمی است که با فرماندهی شهید حاجی‌زاده صورت گرفت.

♦ شهادت

در پی تجاوز تروریستی جمعه ۲۳ خرداد ۱۴۰۴ رژیم صهیونیستی در حمله به یکی از مراکز سپاه در کشور عزیزمان، سردار سرلشکر پاسدار امیرعلی حاجی‌زاده، فرمانده دلاور و پرآوازه نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و جمعی از رزمندگان شجاع و فداکار این نیرو به‌شهادت رسیدند.

سردار حاجی‌زاده نه‌تنها فرمانده‌ای نظامی، بلکه یک معمار استراتژیک در حوزه دفاع موشکی ایران بود. زندگی‌اش پر از مجاهدت، مسئولیت‌پذیری و ایستادگی در برابر تهدیدات دشمنان بود. نام او در تاریخ دفاعی ایران برای همیشه ماندگار خواهد ماند.

پاسدار حماسه‌ها



از دل تهران انقلابی در خانواده‌ای پاینده به ایمان و مقاومت، جوانی برخاست که نامش با خون و شجاعت گره خورد. «محمد باقری» با گام‌هایی استوار در مسیر سخت و پرخطر جهاد نظامی و علمی پیش رفت. او که از سال‌های نخستین دفاع مقدس در لایه‌های پنهان و حیاتی نبرد حاضر بود، سرانجام به بلندای فرماندهی کل نیروهای مسلح رسید و تا واپسین لحظه عمرش، نگهبان تمامیت ارضی و عزت ملی کشور ماند.

شهید سرلشکر پاسدار محمد باقری در سال ۱۳۳۹ در شهر تهران و در خانواده‌ای با گرایش‌های مذهبی و سیاسی متولد شد. وی برادر کوچکتر شهید «غلامحسین افشردی» معروف به حسن باقری، یکی از استراتژیست‌های برجسته نظامی دوران دفاع مقدس و بنیان‌گذار ساختار اطلاعات رزمی در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است. وی در مورد علت تغییر نام‌خانوادگی از افشردی به باقری گفته است: «ماه اول جنگ به اهواز رفتم و در جبهه خوزستان حاضر شدم؛ اخوی به من تذکر دادند که نام من در جبهه برای عدم شناسایی به حسن باقری تغییر کرده است، من سعی کردم با اسم واقعی خود حرکت کنم اما به اندازهای شباهت چهره ما زیاد بود که همه متوجه می‌شدند ما برادر هستیم؛ در نتیجه من نیز تغییر نام دادم و شدم محمد باقری و به احترام اخوی این اسم برای ما باقی ماند.»

تجربه فقدان برادر در جریان جنگ تحمیلی و تأثیرات آن نقش تعیین‌کننده‌ای در جهت‌گیری حرفه‌ای و فکری برادر دیگر ایفا کرد و موجب تمرکز عمیق‌تر وی بر حوزه‌های نظامی، اطلاعاتی و دفاعی در قالب تلفیق دانش نظری و تجربه میدانی شد.

♦ از دفاع مقدس تا رئیس ستاد کل نیروهای مسلح

از نخستین روزهای شعلهور شدن آتش جنگ تحمیلی، نام محمد باقری در میان افسرانی شنیده می‌شد که بی‌صدا اما مؤثر در تاروپود جبهه‌ها حضوری بی‌وقفه داشتند. او که همزمان با ناآرامی‌های کردستان در سال ۱۳۵۹ به سپاه پاسداران پیوست راه خود را نه بر سنگرهای نمادین که در عرصه‌های پنهان و حیاتی اطلاعات و عملیات جست‌وجو کرد.

باقری از چهره‌های کلیدی در طراحی و تحلیل نبردها بود؛ کسی که در کنار شهید حسن باقری، نقشه‌سه راه دفاع ایران را در برابر ارتش بعث عراق بازتعریف کرد و بنیان‌گذار ساختاری نوین در جنگ شد. سابقه جانبازی‌اش گواهی دیگر بر پیوند عمیق او با میدان نبرد است. شهید باقری در لایه‌های گوناگون فرماندهی اطلاعات عملیات، از سطح لشکرها تا قرارگاه‌های کلان مانند خاتم‌الانبیاء و کربلا، مسئولیت‌هایی کلیدی برعهده گرفت. حضورش تنها به میدان جنگ محدود نشد؛ او با گذار به حوزه آموزش و تحلیل به عضویت هیئت علمی دانشگاه عالی دفاع ملی درآمد. با گذشت زمان و در پی پایان جنگ، شهید باقری به یکی از معماران بازسازی نیروهای مسلح بدل شد. در طراحی ساختارهای نوین دفاعی و تدوین دکترین امنیتی کشور، نقشی پررنگ ایفا کرد؛ شخصیتی که هم در میدان نبرد دیده می‌شد و هم پشت میزهای راهبردی.

سردار شهید باقری در سال ۱۳۸۷ وقتی ۴۸ ساله بود به‌همراه «مصطفی ایزدی» درجه سرلشکری خود را از دستان فرمانده معظم کل قوا دریافت کرد. سردار باقری در هشتم تیرماه سال ۱۳۹۵ با حکم فرماندهی معظم کل قوا به ریاست ستاد کل نیروهای مسلح منصوب شد. با آغاز این مسئولیت، تمرکز بر انسجام اطلاعاتی، گسترش قدرت موشکی، توسعه جنگ سایبری، پیشبرد عملیات‌های فرامرزی و تقویت عمق استراتژیک دفاعی با سرعتی تازه و هدفمند پیگیری شد؛ مسیری که تاکنون نیز ادامه دارد.

♦ شهادت

سحرگاه بیست‌وسوم خرداد ۱۴۰۴، آسمان ایران داغدار مردی شد که ستون صلابت نیروهای مسلح کشور بود؛ سرلشکر محمد باقری، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در حمله ناخواسته رژیم صهیونیستی به خاک میهن به فیض عظیم شهادت نائل آمد.

ایشان که عمر پربر خود را در راه دفاع از استقلال، امنیت و عزت ملت ایران وقف کرده بود، در ۶۵ سالگی در حالی به دیدار معبود شتافت که ردای فرماندهی را همچون زرهی بر تن داشت و تا واپسین لحظه در سنگر دفاع از وطن ایستاده بود.

در اطلاعیه ستاد کل نیروهای مسلح درباره شهادت این سردار رشید آمده است:

«فقدان این یادگاران و جان‌برکفان هشت سال دفاع مقدس اگر چه سخت و جانکاه است اما هم‌زمان و همکاران آنها پرچم عزت و افتخاری که این عزیزان برافراشته‌اند را هرگز بر زمین نخواهند گذاشت و راه نورانی آنان با قدرت و قاطعیت ادامه خواهد یافت.»

فرمانده بی‌مرز



درست از قلب دزفول تا قلعه‌های فرماندهی نیروهای مسلح، مسیر پرفراز و انقلاب، دفاع و اقتدار را طی کرد. شهید سردار غلامعلی رشید فرمانده‌ای که از نبرد در سنگرهای جبهه تا تدوین راهبردهای ملی در ستاد کل، همزمان صاحب سلاح و قلم بود. او که سال‌ها مسئولیت‌های سنگین را بر دوش کشید، سرانجام با شهادت، مُهر ماندگاری بر نام خود زد.

سردار سرلشکر غلامعلی رشید در سال ۱۳۳۲ در شهرستان دزفول چشم به جهان گشود. او در دوران نوجوانی، فعالیت‌های سیاسی‌اش را علیه رژیم پهلوی آغاز کرد و به‌واسطه عضویت در گروه مبارز منصورون، در سال ۱۳۵۰ توسط سساواک در دزفول دستگیر و به اهواز منتقل شد. در طول یک سال بازداشت با محسن رضایی و علی شمشخانی که بعدها از فرماندهان بلندپایه سپاه پاسداران شدند، آشنا شد.

وی در سال ۱۳۵۵ بار دیگر در شهر اصفهان بازداشت و این‌بار به تهران منتقل شد و به مدت یک‌سال دیگر در زندان به‌سر برد. پس از آزادی، فعالیت‌های خود را در گروه مسلح منصورون که از اتحاد نیروهای مبارز مذهبی در شهرهای دزفول، اهواز و خرمشهر شکل گرفته بود، ادامه داد.

♦ نقش آفرینی در دفاع مقدس تا فرماندهی در عالی‌ترین نهاد عملیاتی

با پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل سپاه، سردار رشید به‌عنوان معاون اطلاعات و عملیات سپاه دزفول مشغول به فعالیت شد. در دوران دفاع مقدس به‌عنوان یکی از فرماندهان ارشد سپاه در بیشتر عملیات‌های اصلی نقش فعالی ایفا کرد.

در سال ۱۳۶۲ و همزمان با اجرای عملیات خیبر، قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیاء به‌عنوان نهاد مشترک راهبردی بین ارتش و سپاه شکل گرفت و سردار رشید در چارچوب این قرارگاه، نقشی کلیدی در هدایت عملیات‌های نظامی برعهده گرفت. قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیاء که بعدها مسئولیت طراحی، هماهنگی و نظارت عملیاتی بر نیروهای مسلح (ارتش و سپاه) را عهده‌دار شد، به بالاترین سطح فرماندهی عملیاتی در ساختار دفاعی جمهوری اسلامی ایران ارتقا یافت. دو قرارگاه دیگر با نام‌های سازندگی و پدافند هوایی خاتم‌الانبیاء نیز در ادامه و ابتدا به‌عنوان بازوهای اجرایی همین نهاد تأسیس شدند اما امروزه به‌طور مستقل فعالیت دارند.

♦ مسئولیت‌های راهبردی در ستاد کل نیروهای مسلح

سردار رشید در طول خدمت نظامی خود مسئولیت‌های برجسته‌ای را برعهده داشت که از آن جمله می‌توان به معاونت عملیات ستاد مشترک سپاه از سال ۱۳۶۵ تا ۱۳۶۸ و معاونت اطلاعات و عملیات ستاد کل نیروهای مسلح از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۸ اشاره کرد. وی در سال ۱۳۷۸ با دریافت درجه سرلشکری به‌عنوان جانشین رئیس ستاد کل نیروهای مسلح منصوب شد و به مدت ۱۷ سال در این سمت خدمت کرد.

♦ علم در کنار فرماندهی قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیاء

سردار رشید در سال ۱۳۹۵ با حکم رهبر معظم انقلاب به فرماندهی قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیاء منصوب شد و تا لحظه شهادت در همین مسئولیت باقی ماند. هم‌زمان، مسئولیت معاونت امور دفاعی در دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی را نیز برعهده داشت.

سردار رشید علاوه بر فعالیت‌های نظامی در حوزه دانش نیز حضوری فعال و اثرگذار داشت. او موفق به دریافت مدرک کارشناسی ارشد از دانشگاه تهران و دکترای جغرافیای سیاسی از دانشگاه تربیت مدرس شد. پایان‌نامه دکترای وی با عنوان «نقش عوامل ژئوپلیتیک در تدوین راهبرد دفاعی» نگارش یافت.

این شهید بزرگوار همچنین به‌عنوان دانشیار دانشگاه عالی دفاع ملی و عضو هیات علمی دانشگاه امام حسین(ع) در تربیت نسل جدیدی از فرماندهان و مدیران نظامی نقش آفرینی کرد.

♦ تحریم توسط آمریکا

در ۱۳ آبان ۱۳۹۸، وزارت خزانه‌داری ایالات متحده آمریکا ۹ تن از جمله غلامعلی رشید را تحریم کرد. در بیانیه وزارت خزانه داری ایالات متحده آمریکا از قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیاء که تحت فرماندهی غلامعلی رشید اداره می‌شود، به عنوان «مهم‌ترین مرکز فرماندهی نظامی» در ایران یاد شده که زیر نظر ستاد کل نیروهای مسلح فعالیت می‌کند و وظیفه اصلی آن، هماهنگی عملیات نیروهای مسلح ایران است.

♦ شهادت

سحرگاه ۲۳ خرداد ۱۴۰۴، سردار رشید فرمانده قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیاء در حمله ناخواسته رژیم صهیونیستی به خاک میهن به فیض عظیم شهادت نائل آمد.

شهادای غدیر

ویژه شهدای ۲۳ خرداد ۱۴۰۴

استاد شهید



«شهید فریدون عباسی دوانی» اصالتا اهل روستای دوان شهرستان کازرون در استان فارس بود که در سال ۱۳۳۷ در این شهرستان متولد شد.

او در سال ۱۳۶۳ در رشته فیزیک هسته‌ای از دانشگاه شیراز فارغ‌التحصیل شد و مدرک دکترایش را در سال ۱۳۶۶ از دانشگاه فردوسی مشهد دریافت کرد و همچنین دکترای مهندسی هسته‌ای را در دانشگاه صنعتی امیرکبیر به پایان رساند.

فریدون عباسی در دوران دانشجویی، یک مبارز با سابقه علیه رژیم شاهنشاهی و شخصیتی شناخته شده بود.

وی پس از پیروزی انقلاب اسلامی با وجود سن کم اما به دلیل داشتن تجربه در جهاد سازندگی مشغول به فعالیت شد و همچنین به عضویت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی درآمد.

عباسی در دوران دفاع مقدس که مسئولیت پشتیبانی جنگ جهاد سازندگی استان فارس در منطقه را به عهده داشت در کنار شهید جهان‌آرا و دیگر رزمندگان به نام در عملیات مهم و مختلف شرکت می‌کرد و نقش مهمی در سال‌های جنگ در دوران دفاع مقدس برعهده داشت.

این دانشمند هسته‌ای از سال ۱۳۷۲ عضو هیئت علمی دانشکده فیزیک دانشگاه امام حسین (ع) شد و پس از آن ریاست این دانشکده را به عهده گرفت.

وی که عضو شورای مرکزی انجمن هسته‌ای ایران نیز بود، در ۲۷ مهر ماه ۱۳۸۹ به علت ارائه خدمات علمی برتر به کشور به عنوان استاد نمونه کشوری برگزیده و تقدیر شد.

فریدون عباسی در بهمن ماه سال ۱۳۸۹ به عنوان معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان انرژی اتمی منصوب شد و تا سال ۱۳۹۲ این مسئولیت را برعهده داشت

عباسی دوانی همچنین در مجلس یازدهم شورای اسلامی به عنوان نماینده و منتخب مردم شهرستان‌های کازرون و کوهپنار حضور داشت.

عباسی دوانی به همراه همسرش در ۸ آذر ماه سال ۱۳۸۹ همزمان با شهادت شهرداری دانشمند هسته‌ای، در میدان دانشجو تهران ترور و مجروح شد.

وی پس از سال‌ها فعالیت‌های مهم و تأثیرگذار در حوزه‌های گوناگون کشور در صورتی که در لیست افراد مورد سوء قصد و ترور دشمنان قسم خورده ایران اسلامی بود، در سحرگاه ۲۳ خرداد ماه سال ۱۴۰۴ در منزلش در تهران طی تجاوز و حمله کور رژیم غاصب صهیونیستی به ایران به درجه رفیع شهادت نائل آمد.

دانشمند راه‌پرافتخار



مدیریت ساخت.

شهید طهرانچی در آخرین برنامه تلویزیونی که حضور داشت در سخنانی گفته بود: «اگر برای

راهبردی ملی هسته‌ای فعال بود. انتشار ده‌ها مقاله علمی و اجرای طرح‌های کلان ملی، از او چهره‌ای اثرگذار، متعهد و ممتاز در علم و

«دکتر محمدمهدی طهرانچی» استاد برجسته فیزیک هسته‌ای و از چهره‌های اثرگذار نظام آموزش عالی کشور، یکی از افرادی بود که در جریان حمله تروریستی رژیم صهیونیستی به ایران در ۲۳ خرداد به شهادت رسید.

شهید محمدمهدی طهرانچی زاده سال ۱۳۴۴ در تهران بود که وزارت امور خارجه آمریکا ۱۸ مارس سال ۲۰۲۰ او را به خاطر آنچه مشارکت در برنامه اتمی ایران خوانده بود، تحریم کرد. او پژوهشکده لیزر و دانشکده فناوری‌های نوین در دانشگاه شهید بهشتی را پایه‌گذاری کرد که تأثیر مهمی در توسعه علوم نوین داشت.

طهرانچی همچنین از سال ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۵ ریاست دانشگاه شهید بهشتی و سپس دانشگاه آزاد اسلامی را برعهده داشت. او در پروژه‌های

فرزند علمی شیراز



و دوران تحصیل خود را از دوره ابتدایی تا دبیرستان در همین شهر گذراند.

شهید فقهی، دوره کارشناسی خود را در رشته فیزیک با گرایش هسته‌ای از دانشگاه ارومیه به پایان رساند و سپس در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری در رشته مهندسی

هسته‌ای از دانشگاه تهران تحصیل کرد.

وی در دوران مسئولیت خود به عنوان معاون سازمان انرژی اتمی، نقش مهمی در گسترش همکاری‌های علمی ایفا و ارتباط مؤثری بین سازمان انرژی اتمی و دانشگاه شیراز برقرار کرد.

«دکتر سیدامیرحسین فقهی» از استادان برجسته فیزیک هسته‌ای کشور از جمله افرادی بود که در همان ساعات ابتدایی حمله تروریستی رژیم صهیونیستی سحرگاه جمعه ۲۳ خرداد به شهادت رسید.

وی عضو هیئت علمی دانشکده مهندسی هسته‌ای دانشگاه شهید بهشتی و اهل شیراز بود که نقش مؤثری در ارتباطات علمی میان مراکز دانشگاهی ایفا کرده است.

دکتر سیدامیرحسین فقهی، استاد تمام فیزیک هسته‌ای، عضو هیئت علمی دانشکده مهندسی هسته‌ای دانشگاه شهید بهشتی تهران بود. وی در سال ۱۳۵۷ در شیراز متولد شد

دانشمند متعهد



و برنامه‌های آموزشی و پژوهشی آن را توسعه داد. عبدالحمید مینوچهر، اهل شهرستان ممسنی، عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی و سردبیر در فصلنامه فناوری و انرژی هسته‌ای بود و دارای چهار مقاله کنفرانسی و ۶ مقاله ژورنالی در مجلات داخل کشور بود.

طی ۱۱ سال با یک پژوهشگر مختلف همکاری مستقیم علمی داشته که بیشترین همکاری وی با «احمدرضا ذوالفقاری» در انتشار سه مقاله علمی بوده است. او با ینش عمیق و مدیریتی دلسوزانه، بستری را برای تربیت متخصصان جوان و متعهد در صنعت هسته‌ای کشور فراهم ساخت.

«عبدالحمید مینوچهر» از دیگر شهیدان هسته‌ای کشور بود که در پی حمله رژیم سفاک صهیونیستی در سحرگاه جمعه ۲۳ خرداد به ایران مورد اصابت قرار گرفت و به شهادت رسید.

شهید دکتر مینوچهر که هنگام شهادت ۶۳ سال داشت، یکی از آن افرادی بود که خارج از کشور تحصیل کرد؛ اما برگشت تا به کشورش خدمت کند. او دکترایش را در رشته مهندسی هسته‌ای در دانشگاه مسکو گرفت و وقتی به ایران برگشت، به عنوان عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی فعالیت کرد. بعد از آن هم رئیس دانشکده مهندسی همان دانشگاه شد

نگاهی کوتاه به سرداران غدیر

مردانی که زندگی و زمانه‌شان دفاع مقدس بود

رژیم صهیونیستی به شهادت رسید و نامش در تاریخ مقاومت جاودان شد. حاجی‌زاده با توسعه فناوری‌های موشکی و پهپادی، ایران را به یکی از قدرت‌های برتر منطقه‌ای تبدیل کرد و یادش همیشه زنده خواهد ماند.

محرابی؛ مغز متفکر اطلاعات نظامی

سردار غلامرضا محرابی، معاون اطلاعات و امنیت ستاد کل نیروهای مسلح، از فرماندهان برجسته دفاع مقدس بود که با تحلیل‌های عمیق و راهبردی، نقش مهمی در تقویت توان اطلاعاتی ایران داشت. محرابی معتقد بود که ایران در دفاع مقدس، سطح جدیدی به نام «عملیات» به علوم نظامی افزود که در دانشکده‌های نظامی غرب نیز بازتاب یافت. محرابی با تحلیل تهدیدات و طراحی راهبردهای کلان امنیتی، به یکی از معماران امنیت ملی ایران تبدیل شد. شهادت او ضایعه‌ای بزرگ برای نیروهای مسلح بود، اما میراث او در حوزه اطلاعات و امنیت، راهگشای آینده خواهد بود.

ربانی؛ فرمانده تمام‌عیار

سردار مهدی ربانی، از فرماندهان برجسته‌ای بود که فعالیت نظامی خود را در جنگ تحمیلی آغاز کرد. وی در حمله رژیم صهیونیستی به همراه همسر و فرزندش به شهادت رسید و پیکرش با تلاش نیروهای امدادی شناسایی شد. ربانی با مدیریت عملیات‌های پیچیده و آموزش نیروهای رزمی، نقش مهمی در تقویت توان دفاعی کشور داشت.



سردار هم به همراه پدرش به درجه رفیع شهادت نائل شد.

حاجی‌زاده؛ شکارچی آسمان‌ها

سردار امیرعلی حاجی‌زاده، متولد ۱۳۴۰ در تهران، از ۱۹ سالگی به عنوان تک‌تیرانداز در جبهه‌های دفاع مقدس حضور یافت و در عملیات‌هایی چون والفجر ۸ و کربلای ۵ درخشید. او پس از جنگ، شاگرد شهید حسن تهرانی مقدم شد و در حوزه موشکی سپاه فعالیت کرد. او با روحیه جهادی، صداقت و اخلاص، نیروی هوافضا را به نمادی از نوآوری و پیشرفت بدل کرد. در ۲۳ خرداد ۱۴۰۴، این سردار پرآوازه در حمله

متفکر استراتژیک بود که با سخنرانی‌های پرشور و تحلیل‌های عمیق، روحیه مقاومت را در میان نیروهای مسلح و مردم تقویت کرد.

رشید؛ استراتژیست میدان و قلم

سردار سرلشکر غلامعلی رشید، متولد ۱۳۳۲ در دزفول از فرماندهانی بود که مسیرش از مبارزات انقلابی علیه رژیم پهلوی آغاز شد. شهید رشید با شهادتش، میراثی از دانش، شجاعت و تعهد بر جای گذاشت. او با حضور در جلسات شورای عالی امنیت ملی، نقش مهمی در تدوین سیاست‌های کلان دفاعی کشور داشت و نامش به عنوان یکی از معماران دفاع ملی ایران جاودانه شد. فرزند این

سحرگاه جمعه آسمان ایران در سوگ جنایتی

از سوی رژیم صهیونیستی تیره شد؛ جنایتی که قلب ملت ایران را جریحه‌دار کرد و نسلی از سرداران پرافتخار و بی‌بدیل را از این سرزمین گرفت. ۶ سردار والامقام، سرلشکر حسین سلامی، سرلشکر غلامعلی رشید، سرلشکر محمد باقری، سردار امیرعلی حاجی‌زاده، سردار غلامرضا محرابی و سردار مهدی ربانی با خون پاکشان، پرچم سرافراز ایران را برای همیشه برافراشته نگه داشتند و نامشان تا ابد در قلب این ملت جاودانه ماند.

باقری؛ ستون صلابت نیروهای مسلح

سرلشکر محمد باقری، متولد ۱۳۳۹ در تهران، برادر کوچک‌تر شهید حسن باقری، استراتژیست برجسته دفاع مقدس بود. ایشان با تلفیق علم و تجربه میدانی، به نمادی از عزت و اقتدار نظامی ایران تبدیل شد. او با تأسیس ساختارهای اطلاعاتی نوین و آموزش نسل جدید فرماندهان، میراثی ماندگار در نیروهای مسلح بر جای گذاشت و همراه با دخترش، رشته باقری پرکشید.

سلامی؛ معمار اقتدار سپاه

سرلشکر حسین سلامی، فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نماد ایستادگی و تعهد به آرمان‌های انقلاب بود. او با زندگی پر بار و شهادتی عزتمند، الگویی جاودان برای نسل‌های آینده شد. سلامی نه تنها یک فرمانده نظامی، بلکه یک

مبانی انسان‌شناختی سیاست

از دیدگاه امام خمینی (ره)



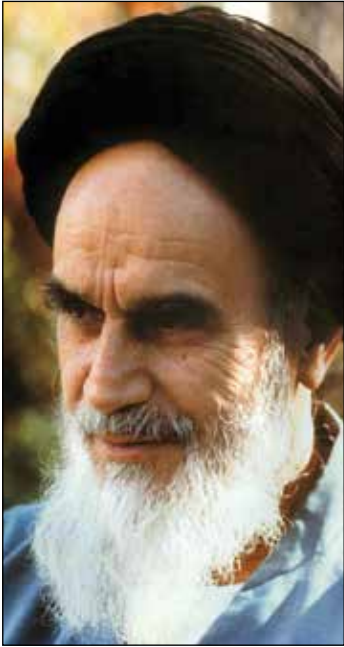
حمزه عالمی چر افغلی

استادیار علوم سیاسی
دانشگاه علوم اسلامی شهید محلاتی

شناخت امام خمینی (ره) به عنوان رهبر کبیر انقلاب اسلامی و مؤسس و بنیانگذار نظام مقدس جمهوری اسلامی که امروز در کانون جنگ شناختی دشمن علیه نوجوانان و جوانان کشورمان است، در راستای تبیین ابعاد و مؤلفه‌های شخصیتی و به‌ویژه حکمرانی ایشان ضروری است. چراکه دشمنان با تصویر و ترسیم تحریف‌آمیز از امام خمینی (ره) به دنبال تهی‌سازی انقلاب و نظام از مؤلفه‌های قوام‌بخش خود که مهم‌ترین آنها مدیریت و رهبری دینی آن است، هستند. در این راستا، شناخت بنیان‌های فکری و مبانی معرفتی و انسان‌شناختی امام(ره) دید و منظرى عمیق به ما می‌دهد که اگر با همین منظر به ارزیابی موقعیت رهبری امروز بپردازیم، رهبر فعلی را نیز در امتداد و ادامه‌دهنده امام(ره) خواهیم دید.

♦ کانونیت فطرت در اندیشه امام(ره)

مبانی انسان‌شناختی سیاست از دیدگاه امام خمینی(ره) را باید در کانونی بودن موضوع «فطرت» در اندیشه ایشان جست‌وجو کرد. کانونیت موضوع فطرت در اندیشه حضرت امام خمینی(ره)، متأثر از محوریت این‌ موضوع در اندیشه «آیت‌الله میرزا محمدعلی شاه‌آبادی» استاد عرفان و اخلاق حضرت امام(ره)است، تا جایی که آیت‌الله محمدعلی شاه‌آبادی را با عنوان «فیلسوف فطرت» می‌شناسند. جایگاه محوری فطرت در اندیشه امام‌خمینی(ره) تا آنجاست که ایشان در نقد دیدگاه حکیم حکمت متعالیه، ملاصدرا، که معتقد بود، پرده ظلمت ذاتی بر خ‌ی ماهیات است و جز به شقاوت که ذاتی آنهاست نمی‌رسند، می‌نویسند: «تمامی افراد حتی تمامی اشیاء، روی فطرت کمالی مخلوقند و کسی نیست که نقصان را بما انه نقصان، طالب باشد و کمال را بما انه کمال، دوست نداشته باشد، البته عشق به کمال، فطری هر موجودی است، پس در اصل خلقت، چیزی نیست که در ظلمت و تاریکی بوده و در حجاب از سعادت باشد. بلی این بذرو قوه کمال هست، ولی ممکن است بذر



در همان بذریت مانده باشد و یا این بذر را مستقیماً تمییه نداده، بلکه کج و معوج بار آورند.» (تقریرات فلسفه امام خمینی، ج سوم، ص ۴۸۰)

♦ آثار و نتایج عملی فطرت نگرى امام(ره)

موضوع فطرت که در بسیاری از آثار و گفتار حضرت امام خمینی(ره) حضور دارد، در آداب الصلوة نیز مورد بحث قرار گرفته و امام خمینی(ره) در این‌باره می‌گویند: «بسدان ای طالب حق و حقیقت که حق تبارک و تعالی چون خلقت نظام وجود و مظاهر غیب و شهود را به حسب حب ذاتی به معروفیت در حضرت اسماء و صفات فرموده‌به مقتضای حدیث شریف کُنْتُ كُنْزاً مُخْفِياً؛ فَأَحْبَبْتُ أَنْ أُعْرَفَ، فَخَلَقْتُ الْخَلْقَ لِكُنِّيْ أُعْرَفَ در فطرت تمام موجودات حب ذاتی و عشق جبلی ایداع و ابداع فرموده، که به آن جذبه الهیه و آتش عشق ربانی متوجه به کمال مطلق و طالب و عاشق جمیل علی الاطلاق می‌باشند. و برای هر یک از آنها نوری فطری الهی قرار داده که به آن نور طریق وصول به مقصد و مقصود را دریابند.» (آداب الصلوة، ص ۲۸۸)

بر این اساس می‌توان گفت: ۱- فقر وجودی انسان و شوق او برای کمال و دوری از نقصان، یعنی

مبنای جنگ خیر و شر در عالم هستی است و امکان حذف شرارت و بدی از عالم وجود ندارد؛ چون در ذات انسان قوایی به این سمت نهفته است.

۳- به این ترتیب تولی و تبسری همواره با یکدیگر هستند؛ چون روی دیگر کمال‌خواهی، مرزبندی و تنفر از نقض است.

♦ حاصل سخن

اینکه فرد انسانی با چنین ویژگی‌هایی نمی‌تواند تنها بر مبنای فطرت راه درست را تشخیص دهد و فطرت به‌تنهایی نمی‌تواند او را به کمال مطلق برساند، بنابراین از اینجا ضرورت تربیت انسان شکل می‌گیرد و تربیت در دیدگاه امام خمینی(ره) فلسفه بعثت انبیاء محسوب می‌شود.

به بیان امام خمینی(ره) «مقصد اسلام و مقصد همه انبیا این است که آدم‌ها را تربیت کنند؛ صورت‌های آدمی را آدم معنوی و واقعی کنند. مهم در نظر انبیا این است که انسان درست بشود. اگر انسان تربیت شد، همه مسائل حل است. یک مملکتی که دارای انسان مذهب است، تمام مطالبش حل است.» (صحیفه امام، ج ۷، صص ۵۳۱-۵۳۲)

حال نکته مهم این است که در دیدگاه امام خمینی(ره)، آنچه زمینه تربیت انسان را فراهم می‌کند، سیاست و تشکیل حکومت دینی است. ایشان در تعریف سیاست می‌گویند: «سیاست این است که جامعه را هدایت کند و راه ببرد، تمام مصالح جامعه را در نظر بگیرد و تمام ابعاد انسان و جامعه را در نظر بگیرد، و اینها را هدایت کند به طرف آن چیزی که صلاح‌شان هست، صلاح ملت هست، صلاح افراد هست و این مختص به انبیاست. دیگران این سیاست را نمی‌توانند اداره کنند. این مختص به انبیا و اولیاست و به‌تبع آنها به علمای بیدار اسلام.» (صحیفه امام، ج ۱۳، ۴۳۲) به این ترتیب سیاست و حکومت بستر و زمینه انسان‌سازی است، چراکه انسان موجودی است که هرچند از پیامبر درونی و فطرت برخوردار است، اما نمی‌تواند تنها بر این اساس راه درست را طی کند و طغیانش گاه تمامی کره خاکی را در معرض نابودی قرار می‌دهد، از این‌رو انسان‌سازی فلسفه بعثت پیامبران الهی محسوب می‌شود و زمانی این امر امکان می‌یابد که حکومت دینی تشکیل شود.

آفاق

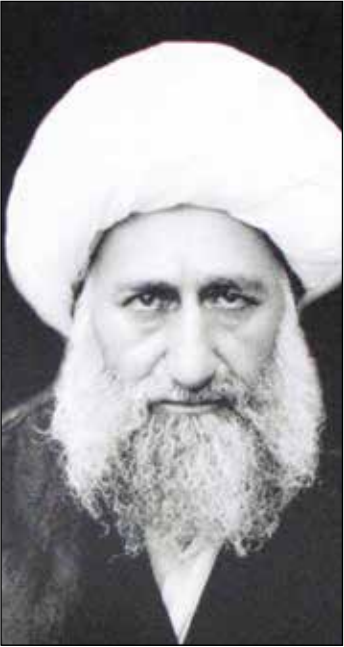
ضوابط تفکر انقلابی-۱

عمل در چارچوب قانون

و بار زیادی از دوش نهادهای دولتی بر می‌دارند.

ایسن وضعیت در سطوح بالاتر نیز قابل تطبیق است. برای نمونه می‌توان به واردات واکسن برای مشکل کرونا اشاره کرد. برخی از دولتمردان سعی داشتند برای حل این مشکل، قانون را زیر پا گذاشته و با گرو گرفتن امنیت جانی مردم، قوانین جمهوری اسلامی را دور زده و پیمان‌های خسارت‌باری همچون FATF را بر کشور تحمیل کنند و چنین الفاکند که تا مشکل FATF حل نشود نمی‌توان واکسن وارد کرد. این در حالی بود که برخی دیگر از دولتمردان، همین مشکل واردات واکسن را بدون تحمیل پیمان‌های زیان‌بار حل کردند.

همچنین می‌توان به مسئله تحریم اشاره کرد که اقتصاد کشور را تحت تأثیر خود قرار داده است. از نظر برخی، تنها راه‌حل برای رفع مشکل تحریم، کوتاه آمدن از اصول و آرمان‌های انقلاب بود. این تفکر سعی داشت با رها کردن بسیاری از مواضع قانونی و رسمی کشور، نظام سلطه را راضی کند تا دست از تحریم ایران بردارد. در مقابل این تفکر، رویکردی است که تلاش دارد با اصرار بر همین مواضع قانونی و رسمی کشور مبنی بر استکبارستیزی و مبارزه با نظام سلطه، مشکل تحریم را حل کند. معتقدان به این رویکرد قائل به این هستند که با وجود تحریم‌های غرب، می‌توان با تکیه بر ظرفیت داخلی و نیز استفاده از موقعیت جغرافیایی کشور و همچنین با تغییر موازنه در تعامل با شرق و غرب، تهدید تحریم را تا حد زیادی خنثی و سرمایه بسیاری را وارد کشور کرد.



همان کمال‌طلبی انسان که ویژگی کانونی و محوری فطرت است، او را در هر نیازی به‌سوی اشتیاقی روزافزون و بی‌حد و حصر سوق می‌دهد.

۲- وقتی انسان به‌سوی رذائل و غرایز نیل می‌کند، این هم بر خاسته از فطرت است، اما مسیر را اشتباه تشخیص داده است.

۳- این اشتباه برخاسته از توهم در مقابل قوه شریف تخیل است، چراکه توهم انسان را به‌سوی غرایز و تخیل انسان را به‌سوی عقل و مجردات سوق می‌دهد.

۴- طلب فضایل و طلب رذایل هر دو از کمال‌طلبی فطرت برمی‌خیزد، یعنی بُعدی از فطرت رو به‌سوی فضایل و بُعدی دیگر رو به‌سوی رذایل دارد. به‌عبارت دیگر فطرت مخموره رو به‌سوی خیر و فطرت محجوبه رو به‌سوی شر دارد. (شرح حدیث جنود عقل و جهل، ص ۷۶-۷۷)

با بهره‌گیری از دیدگاه‌های حضرت امام(ره)، در تفسیر بیشتر این ویژگی‌ها، باید گفت:

۱- انسان موجودی منفعل و قانع و خמוש نیست، بلکه دانما در جست‌وجوی چیزی است و این جست‌وجوگری برخاسته از جوشش درونی اوست؛ بنابراین انسان هیچ‌گاه با مادیات سیراب نمی‌شود.

۲- جدال میان کشش‌های مادی و معنوی، همواره



آنچه به‌نام روحیه، تفکر و رفتار انقلابی بیان شد ضوابط و چارچوبی دارد که بدون رعایت آنها، از حوزه انقلابی‌گری خارج خواهیم شد.

شخص انقلابی هیچ‌گاه برای پیش‌برد اهداف خود، قانون را دور نمی‌زند و از چارچوب قوانین خارج نمی‌شود. این مسئله وقتی نمود بیشتری پیدا می‌کند که با مشکلی مواجه شویم که ضوابط قانونی نمی‌توانند آن را حل کنند. در اینجا دو راه‌حل به ذهن می‌رسد:

۱- نخست اینکه قانون را کنار گذاشته و با زیر پا گذاشتن آن، مشکل را حل کنیم. ۲- به‌دنبال راه‌حلی باشیم که در عین رعایت قانون، از ظرفیت‌های دیگر که در قانون پیش‌بینی نشده- نه اینکه قانون علیه آنها موضع گرفته) برای حل مشکل استفاده کنیم.

این وضعیت را در بحران‌های طبیعی بسیار مشاهده می‌کنیم. مثلاً هنگامی‌که در نقطه‌ای از کشور، زلزله می‌آید، گروه‌های جهادی و مردمی به مراتب چابک‌تر و سریع‌تر از دولت در امدادرسانی عمل می‌کنند. نهادهای دولتی به‌دلیل رعایت بروکراسی اداری، سنگین هستند و به‌منظور رعایت تمام ضوابط این بروکرسی، تحرک لازم را ندارند. اما گروه‌های جهادی و مردمی در کم‌ترسانی به زلزله‌زدگان، بدون اینکه مرتکب خلاف قانون شوند، وارد می‌شوند

۱۱

خرد

شماره ۱۱۹۲ | دوشنبه ۲۶ خرداد ۱۴۰۴

صداق

سیاست نامه

سیدمحمدباقر صدر-۴۵

اندیشه‌ای برای قانون‌نویسی

مسعود پور فرد

کارشناس اندیشه اسلامی

اندیشه‌های سیاسی شهید صدر آزمون موفقیت خود را در زمینه طراحی و تأسیس نظام جمهوری اسلامی ایران نشان داد؛ چراکه «آیت‌الله کعبی» مبنای تدوین و نگارش قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بیشتر برگرفته و مبتنی از اندیشه‌های شهید صدر می‌داند و تأکید می‌کند: «نسبت به اندیشه‌های شهید صدر در قانون اساسی، ایشان کتاب «مبانی فقهی و مبانی حقوقی قانون اساسی مطلوب نظام اسلامی» را تدوین کرده است که خیلی از این اصولی که شهید صدر تدوین کرده امروز در قانون اساسی ما هست؛ علاوه بر آن، «آیت‌الله سیدکاظم حائری» از شاگردان برجسته شهید صدر، در ابتدای انقلاب که پیش‌نویس قانون اساسی تدوین می‌شود، درس خود را تعطیل می‌کند و بر پایه اندیشه سیاسی شهید صدر و مبانی حکومت در اسلام، پیش‌نویس کامل قانون اساسی را می‌نویسد و از طریق شاگردانش به همه خبرنگاران قانون اساسی می‌رساند. این‌گونه که من از آیت‌الله سیدکاظم حائری شنیدم تقریباً همه پیش‌نویس اصول قانون اساسی به استثنای دو ماده از آن بعداً در قانون اساسی جمهوری اسلامی آمد.»^(۱) مسلمان‌هایمان بین اندیشه‌های فقهی و حقوق اساسی شهید صدر و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نشنست گرفته از علاقه ایدئولوژیکی و ارادت قلبی شهید صدر به شجره طیبه انقلاب اسلامی بود که از سوی امام خمینی(ره) غرس شد و بالید و به نظام جمهوری اسلامی تبدیل شد. البته سیره عملی شهید صدر هم یکسره تأیید و تقویت انقلاب اسلامی بود و چپ‌با زندگی‌اش را فدای آن در راه‌اندازی شعبه عراقی انقلاب اسلامی کرد و از سوی دژخیم دیکتاتوری بعثی «صدام حسین» خود و خواهرش به شهادت نائل شدند. در چگونگی تأیید و تقویت انقلاب اسلامی در سیره شهید صدر می‌توان پای صحبت «سیدمحمد خطیب» که از شاگردان شهید صدر بوده نشست. وی تعریف می‌کند: «در شب ۲۲ بهمن که انقلاب داشت پیروز می‌شد، من خدمت شهید صدر رسیدم و دیدم ایشان فوق‌العاده شادمان است و پشت‌سرهم ذکر الحمدلله می‌گفت و دست‌هایش را از شدت خوشحالی به‌هم می‌فرد. من به‌شهید صدر عرض کردم که چه شده است؟ چرا این قدر خوشحالی؟ باز تکرار کرد الحمدلله، الحمدلله انقلاب اسلامی ملت‌مکتبی ایران به رهبری امام خمینی دارد پیروز می‌شود و آخرین سنگ‌های ستم‌شاهی در حال سقوط است و این انقلاب اسلامی آرزوی انبیاء را محقق خواهد کرد.»^(۲) این اعتقاد و باور شهید صدر که «لقد حققة الاسلامیه حلول الانبیاء، یعنی انقلاب اسلامی آرزوی انبیاء را محقق کرد» جزء از ذهن و قلبی مذهب و مطهر و باورمند به اندیشه سیاسی اسلام برنمی‌خیزد. همین جمله را شهید صدر در کتاب «الاسلام یقود الحیات» هم آورده است. ایشان روز پیروزی انقلاب در درس وارد می‌شود و به شاگردانش اشاره می‌کند که دیگر انقلاب اسلامی پیروز شد، هدف از مرجعیت پیروزی اسلام است، نه پیروزی اشخاص؛ از امروز همه ما باید مرجعیت امام خمینی را تبلیغ کنیم و کسی حق ندارد مرجعیت من را تبلیغ کند. بعد این را در قالب نامه‌ای فرستاد. اطرافیان شهید صدر گفتند که اجازه بدهید که ما شما را شخص دوم مطرح کنیم. شهید صدر فرمود نه، شخص دوم بعد از امام خمینی باید یکی از شاگردان امام خمینی باشد و در تهران هم زندگی کند که مرکز دولت اسلامی است. منابع در دفتر نشریه موجود است.

قبیله عشق

آرزویی جز شهادت ندارم



«شهید سیدحسن حسینی کلاته ساداتی» فرزند سیدحسین در تاریخ اول فروردین سال ۱۳۴۱ در روستای کلاته سادات از توابع شهرستان ششتمد دیده به جهان گشود.

تحصیلات دوره ابتدایی را در زادگاهش گذراند. سپس به شهرستان سبزوار عزیمت کرد و تحصیلات راهنمایی را در آنجا گذراند و پس از آن ترک تحصیل کرد و به امورات کشاورزی مشغول شد. به پدر و مادرش احترام می‌گذاشت. به مطالعه علاقه‌مند بود و اطلاعات عمومی بالایی داشت. در برابر مشکلات صبور و مقاوم بود.

به انجام فرایض دینی به‌خصوص نماز اول وقت بسیار اهمیت می‌داد. به قرائت قرآن اهتمام می‌ورزید. در نماز جمعه و نمازهای جماعت حضور فعالی داشت. به انمه‌اطهار(ع) علاقه‌مند بود. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، در مراسم مذهبی و سیاسی به‌ویژه راهپیمایی‌ها حضور فعالی داشت و در پایگاه بسیج فعالیت می‌کرد. به روحانیت، حضرت امام(ره) و انقلاب اسلامی عشق می‌ورزید و مجموعه‌ای از سخنرانی‌های شهید مطهری را به‌صورت کتابی گردآوری کرده بود. همچنین کتابی در زمینه اسلحه نوشته بود. ایشان به‌صورت داوطلبانه و از طریق بسیج و لشکر ۵ نصر به جبهه‌های حق علیه باطل اعزام شد. سرانجام در هشتم مرداد سال ۶۲ در منطقه قلاویزان

مهران و در جریان عملیات «والفجر ۳» بر اثر اصابت گلوله به سینه، به فیض رفیع شهادت نائل آمد. پیکر پاک و مطهر ایشان پس از تشییع باشکوه، در گلزار شهدای زادگاهش به خاک سپرده شد. در بخشی از وصیت‌نامه شهید آمده است: «افتخار آن را دارم که سرباز کوچکی از لشکر باعظمت اسلام می‌باشم. خدایا این قطره خون ناچیز و جان ناقابل را برای گسترش اسلام به حضور پذیر و اگر جان ما آن ارزش را دارد، که برای اسلام فدا شود و اسلام پیش برود صدها بار به ما جان بده تا مبارزه کنیم و شهید بشویم و همه ما زیارت عاشورا را می‌خوانیم و خطاب به سیدالشهداء می‌گوییم: «یا لیتنا کنامعکم فتفوذ معکم» و اکنون این ندا نیز از فرزند برومند حسین بن علی(ع) نائب‌بر حق امام زمان(عج) «آیت الله العظمی الامام روح الله الموسوی ال‌خمینی» شنیده می‌شود. ما باید به این ندا لبیک گفته و جبهه‌های جنگ را یاری نماییم ما باید در جبهه‌ها جای کسانی را پر کنیم، که زاهدان شب و شیران دلاور روز بوده و هستند و این دلاوری و زهد را از مولا یشان علی(ع) آموخته‌اند. ما شیعه علی هستیم و باید همچون او دلاور، رزمنده، شجاع، متقی و... باشیم و از هیچ واقعه‌ای ترس و واهمه نداشته باشیم. خداوندا خوش دارم گننام باشم. تا در غوغای کشمکش‌های پوچ مدفون نشوم. خدایا دردمندم، روحم از شدت درد می‌سوزد. و قلبم می‌خروشد. احساسم شعله می‌کشد. دلشکسته‌ام، ناامیدم، دیگر آرزویی ندارم احساس می‌کنم، که این دنیا جای من نیست، با همه وداع می‌کنم و می‌خواهم فقط با خدای خود تنها باشم.»

فاطمه ساداتی

خبرنگار

زیارت‌گاه پنج ضلعی کوچکی که در طول سال به‌ویژه در زمان اوج حضور زائران راهیان‌نور محل زیارت عاشقان و دلباختگان به شهدا و شهادت است، زیارت‌گاه «خمسه کوثر» نام دارد. بنای این زیارت‌گاه در ۶۰ کیلومتری جاده اهواز– خرمشهر و در فاصله ۴۰ متری از جاده اصلی، با گنبدی به شعاع ۲ متر قرار گرفته است.

مرداد سال ۱۳۶۷ در صبح عید قربان، این محل قربانگاه پنج شهیدی شد که همه از سادات بودند. «سیدصاحب محمدی»، «سیدعلیرضا جوزی»، «سیدداوود طباطبایی»، «سیدحسین حسینی»، «سیدداوود موسوی» در صبح اول مرداد سال ۱۳۶۷ به‌همراه ۲۳ تن دیگر از رزمندگان تیپ حضرت زهر(اس) لشکر ۱۰ سیدالشهداء سوار بار کامیون شده و به جاده اهواز– خرمشهر می‌زنند.

«اباذری» از رزمندگان حاضر در صحنه تعریف می‌کند: «هنوز آفتاب‌روز اول مرداد ۶۷ طلوع نکرده بود که با ستونی از تانک رویه‌رو شدیم. به کامیون‌ها گفتم زود سرو ته کنید تا دشمن ما را ندیده. به بچه‌ها گفتم نماز صبح را توی ماشین و در حال حرکت بخوانید و خودم به کامیون آویزون شدم و راننده هم که ترسیده بود با حداکثر سرعت توی جاده خاکی به‌سمت سه راهی کوشک می‌تازید.

دیدم ماشین فرمانده تیپ، برادر «خادم» به‌سرعت تمام از کنار ما گذشت. توی دلم گفتم این‌ها هم جان‌شان را برداشتند و از معرکه فرار کردند و ما را تنها گذاشتند مین این همه تانک. با سرعت حرکت می‌کردیم، کنار جاده تعدادی لوله تانک از خاکریز بالا آمده بود و بچه‌ها به تصور اینکه خودی هستند، برایشان دست تکان دادند. اما غافل از اینکه تانک‌های دشمن بودند و نفراتشان با دیدن کامیون‌ها، لوله‌های تانک را به‌سمت جاده نشانه رفتند و از پهلو با توپ مستقیم تانک به‌سمت ماشینیک کردند.

می‌دیدم گلوله‌ها یا وسط جاده می‌خورد و یا از کنار ماشین‌ها رد می‌شود. اما به کامیون‌ها نمی‌خورد. با هر زحمتی بود به سه راه کوشک رسیدیم، از دور دیدم برادر خادم از تعدادی از بچه‌ها موضع گرفتند و منتظر ما هستند، تازه متوجه شدم دلیل عجله آنها چه بوده. حدس می‌زدند که احتمال دارد دشمن ما را محاصره کند و بچه‌ها اسیر شوند.

سر سه راه به برادر خادم گفتم ما مهمات نداریم و ایستادن مقابل این همه تانک، گلوله آرپی جی می‌خواهد و گرنه همه بچه‌ها قتل‌عام می‌شوند. ایشان هم با کلامی که آرامش در آن موج می‌زد و مواظب بود استرسی به نیروها ندهد، گفت: «برید به‌سمت اهواز و یه جایی موضع بگیرید». من به همه بچه‌ها گفتم سوار ماشین‌ها بشید تا بریم عقب. بچه‌ها سوار شدند و من هم با حاج خادم هنوز حرقم تمام نشده بود که صدای انفجار شنیدم. هر دو برگشتیم به‌سمت کامیون و یک‌دفعه خشک‌مان زد. دیدیم عقب کامیون سوراخ شده و صدای ناله بچه‌ها می‌آید. چند لحظه هر دوی ما توان هیچ‌گونه حرکتی نداشتیم. به‌سوی کامیون دویدیم، همه‌جا را بوی دود و خون گرفته بود. بچه‌ها را آرام کردیم. خادم گفت: «برادر ابوذری مکث نکنید همین جوری برید عقب تا تلفات بیشتر نشده.»

دستور فرمانده بود. عقب آدمید اما چه عقب آمدنی. مثل اینکه قرار بود در رفت و برگشت ما توی خط ۵ تا بچه سید به معراج بروند. توی اون کامیون و از اون دسته یه عده مجروح شدند و پنج تا ساید اجازه ورود به بهشت رو کسب کردند.

در میان این رزمنده‌ها کسی به اسم «محسن اسحاقی» هم بوده که ده‌ها ترکش می‌خورد اما به شهادت نمی‌رسد، گو اینکه فقط شهادت در تقدیر تمام ساداتی بوده که در آن کامیون نشسته بودند، آن‌هم به تعداد پنج نفر!

یکی از شهدای این یادمان «سیدصاحب محمدی» است. از سید صاحب تنها دو پا برگشت. پدرش در گفت‌وگویی گفته بود: «در دوران بچگی سیدصاحب، خیلی از اطرافیان به نیت جدش،

خمسه کوثر

سفر به زیارت‌گاه عارفانه پنج شهید سادات

نذر او می‌کردند؛ حتی چند مسیحی حاجت گرفته بودند. سیدصاحب هشت ساله بود که به زیارت امامزاده هاشم(ع) در شمال رفتیم. در زیارت‌گاه همین‌طوری به‌زبانم آمد و به‌صاحب گفتم: مردم آن‌قدر برای تو نذر می‌کنند، آخر تو هم می‌شوی امامزاده صاحب در سه راهی. این جمله را به شوخی گفتم اما اکنون صاحب، در سه راهی کوشک واسطه حوائج مردم شده است. « »

♦ خبر شهادتش را شنیدم، سجده شکر کردم «سیدعلیرضا جوزی» وقتی برادر بزرگش بهروز به شهادت رسید ۱۲ سال بیشتر نداشت. او هم بلافاصله عضو بسیج مسجد شد و با اینکه اجازه حضور در جبهه را نمی‌دادند با وساطت برادرهای دیگرش که در جبهه خدمت می‌کردند به منطقه رفت.

مادر علیرضا تعریف می‌کند: «علیرضا عصابی دست من بود. ناراحت که می‌شدم به علیرضا می‌گفتم: دلم برای محمد و حمید شور می‌زند بیا برویم ببینیم آنها را پیدا می‌کنیم یا نه. با علیرضا حرکت می‌کردیم. زمانی‌که در ماشین می‌نشستیم از اول راه‌برایم حدیث می‌گفت. اصلاً نمی‌فهمیدم چه موقع رسیدیم. علیرضا می‌گفت مادر جان بگذار که من بروم. برایم دعا کن. دعا کن هر آنچه را که از خدا می‌خواهم به من بدهد. زمانی‌که خبر شهادت علیرضا را به من دادند رویه قبله سجده کردم و زمین را بوسیدم.»

♦ نیش عقرب بعثی و یا زهرا گفتن بچه‌ها «احمد مهدی‌زاده» از دوستان شهید جوزی نیز روایت می‌کند: «قبل از شهادت علیرضا در خواب دیده‌بودم که به خدمت امام خمینی(ره) در جماران رسیدم و همین‌که مات و مبهوت چهره نورانی امام شده‌بودم، حس کردم عطر عجیبی همه فضا را پرکرده است. با خودم گفتم باید بیرسم این عطر از چیست. تا آمدم بیرسم امام گفت: عطر سیدعلیرضا جوزی است.»



«صبح اول وقت با فرمان «حاج خادم» فرمانده تیپ الزهرا(س) سوار کامیون‌ها شدیم و به راه افتادیم. داخل کامیون سیدعلیرضا دراز کشیده و زل زده بود به آسمان. من هم در کنارش دراز کشیدم و پرسیدم: سید علی کجا رو نگاه می‌کنی؟ چیزی نگفت و دوباره سؤال کردم: چرا حرف نمی‌زنی آقا سیدعلی؟ بابا تحویل بگیر، فقط اسمت با رئیس جمهوریکیه.

با یک حالت عجیبی به آسمان اشاره کرد و بدون اینکه نگاه‌ کند، گفت: «حمید من فردا میرم آن بالا. پیش ستاره‌ها» خواستم چیزی بگویم کامیون ایستاد. بچه‌ها ریختند پایین تا مستقر شوند.

سوار کامیون‌ها شدیم. هنوز درست نشسته‌بودم که صدای مهبیی شنیدم و کامیون به‌شدت لرزید. گلوله مستقیم تانک به باربند کامیون خورده و از طرف دیگر خارج شده بود نگاه کردم و دیدم که داخل کامیون ۵ جنازه که از کمر به پایین متلاشی شده بود، افتاده است. کف کامیون غرق در خون بود. دقت که کردم متوجه شدم که شهدا کسانی نیستند جز سیدعلیرضا جوزی، سیدصاحب محمدی، سیدداوود طباطبایی، سیدمحمد موسوی سیدحسین حسینی. بغض راه نفسم را بسته بود.

مانده بودم چه کنم که یک نفر صدایم کرد. محسن اسحاقی بود، با همان حالت گیجی از کامیون پایین پریدم و رفتم به طرفش. پایش به‌شدت با ترکش توپ زخمی شده بود. با اینکه درد می‌کشید همان‌طور که من او را روی دوشم داخل کامیون می‌بردم، با خنده گفت: «آقا حمید مثل اینکه عقرب هم بعثی بوده، ناکس نیشش هم دو‌زمانه بود. دیروز نیش زد امروز همان پایم زخمی شد.» خنده‌ام گرفت. راستش هنوز شرایط حاکم درست در ذهنم تثبیت نشده بود. داخل کامیون که شدیم با دیدن دوباره جنازه پساره پاره بچه‌ها خنده روی لبهای‌مان درهم ریخت. کامیون حرکت کرد و ما بالای سر پنج فرزند حضرت زهر(اس) تا رسیدن به اردوگاه فقط و فقط فریاد می‌زدیم: «یازهر !»

کاش چیز دیگری می‌خواستی!

روایتی خواندنی از عنایت امیرالمؤمنین^(ع) به اسرای ایرانی

خود آدمید: «علی چه‌شده!نخواستم ناراحت‌تان کنم.» گفتم: «ممنون! به مادر عزیزت هم سلام ما را برسان و بگو برایش دعا می‌کنیم.» صلاح در سلول را بست و رفت. وقتی محمد و رستم از سلول رویه‌رو ماجرا را شنیدند، گریه کردند. از چشمان ما هم هنوز اشک می‌بارید؛ اشک ششوقی بی‌نظیر از اینکه غرق لذت در عنایت مولا علی(ع) بودیم. من با خودم گفتم: علی، ضعیف ایمان تو کجا و لطف بیکران علی بن ابی طالب(ع) کجا؟ حالا فهمیدی چقدر در دایره لطف و عنایت اهل بیت هستی؟! این ماجرا در تاریکی محجر و زندان الرشید ما را دگرگون کرده بود. مثل درخت خشکیده‌ای بودیم که با نسیم بهاری شاخ و برگ‌مان جان گرفته بود. و چه زیبا بود عید غدیر آن سال!

خانه بیرون رفت و پس از ساعتی برگشت و گفت چیزی گرفته که باید آن را برای اسیران ایرانی بیاورم! گفتم ممنوع است، اما مادرم تهدید کرد که حلالم نمی‌کند، اگر کاری که گفته، انجام ندهم. حالا هدیه مادرم را برایشان آورده‌ام.» ناگهان دستش را جلو آورد و گفت: «بفر ما علی؛ باقلوای یزدیه!»

من و اکبر و عباس خشک‌مان زده بود و مبهوت مانده بودیم. در دلم گفتم: «خدایا، علی بن ابی طالب(ع) چقدر بنده‌نواز است. هنوز چند ساعتی از صحبت‌های محمد نگذشته، به‌دست یک افسر فدایی صدام برایمان شیرینی فرستاده! آخ محمد سهرابی، کاش چیز دیگری می‌خواستی. کاش می‌گفتی آزادی از زندان، زیارت حرمت.» سیل اشک از چشمان‌مان سرازیر شد، که با صدای ستون‌یکم صلاح به

و شادی بود؛ اما ما یک دل سیر گریه کردیم و خوابیدیم.

صبح زود، یکی از افسران زندان به‌نام «ستوان‌یکم صلاح» غیرمنتظره در سلول را باز کرد، و گفت: «علی، قرم.» (بلند شو) گفتم: «سلام، صبح به‌خیر. ملازم چه خبر است!» لبخند خاصی روی لبانش نقش بست و گفت: «میدانی امروز چه‌روزی است؟!» – نه! – امروز عید غدیر است. – مبارک باشد.

در حالی‌که یک دستش را پشت کمرش نگه داشته بود و مشخص بود چیزی در دستش است، گفت: «دیشب رفته بودم کاظمین، منزل مادرم. بی اختیار از زبانم در رفت و به مادرم گفتم در زندان تعدادی اسیر ایرانی وجود دارد. مادرم از

آینه‌های زنگارگرفته پدرکشی!



آر ش فهیم دبیر گروه فرهنگ

سینمای اجتماعی ایران، سال‌هاست که درگیر تکرار پاره‌ای مضامین و رویکردهاست؛ رویکردهایی که گاه به‌جای نقد منصفانه و عمیق، به‌سمت تخریب‌وسياه‌نمایی گرایش پیدا می‌کنند. در این میان، «پیر پسر» ساخته «اکتای براهنی»، جدیدترین نمونه‌ای است که در ویرتین فیلم‌های به‌اصطلاح «اجتماعی» سینمای ایران جای می‌گیرد و بار دیگر زخم‌های کهنه نهاد خانواده را با چاقوی برنده «پدرستیزی» می‌شکافد. این فیلم نه‌تنها به بازنمایی معضلات اجتماعی می‌پردازد، بلکه گویی در تأیید یا حتی ترویج تخریب یکی از اصلی‌ترین ارکان جامعه اسلامی، یعنی نهاد «خانواده» گام برمی‌دارد.

«پیر پسر» روایتی از یک جوان معتاد و بدهکار به‌نام سهیل با بازی «حامد بهداد» است که پس از سال‌ها به خانه پدری بازمی‌گردد. اما این بازگشت، نه به قصد آشتی و جبران، که با نیت دستیابی به سهم الارث و رفع گرفتاری‌های مالی است. پدر پیر و بیمار با بازی «حسن پورشیرازی» نمادی از گذشته‌ای است که گویی پسر می‌خواهد آن را به هر نحو ممکن از میان بردارد. از همان ابتدا، لحن فیلم تقابل جویانه است؛ تقابلی که نه میان دو نسل، بلکه میان دو قطب خیر و شر، یا

بهرتر بگوییم، میان قربانی (پسر) و جلاّد (پدر) ترسیم می‌شود. این تصویرسازی، از بنیاد محل اشکال است. آیا هر پدری در جامعه ما، بالقوه یک ظالم است و هر فرزندسی، یک مظلوم که چاره‌ای جز شورش علیه ریشه‌های خود ندارد؟

یکی از اصلی‌ترین نقدهای وارد بر «پیر پسر» و نمونه‌های مشابه آن در سینمای اجتماعی ایران، تخریب عامدانه و مکرر نهاد خانواده است. این فیلم‌ها به‌جای نمایش خانواده به‌منزله پناهگاه و محلی برای حل مشکلات، آن را به میدان جنگی تبدیل می‌کنند که در آن، پدر معمولاً نمادی از اقتدار سرکوبگر، بی‌عدالتی، یا حتی منشاء فساد است. در «پیر پسر»، پدر یک کاراکتر منفعل و تا حدودی ناامید است که گویی سال‌هاست بر زندگی پسرش سایه افکنده و عامل بدبختی‌های او بوده است. این روایت، بازنمایی ناتمام و ناقصی از پیچیدگی‌های روابط خانوادگی است و در نهایت به تخریب اعتماد عمومی به نهاد خانواده منجر می‌شود. نمونه قبلی، «برادران لیلا» بود که تنفر آفرینی علیه پدر را با رویکرد افراطی و سیاه انجام می‌داد؛ اما آیا این رویکرد، سهوی است یا از یک جریان فکری خاص نشئت می‌گیرد؟

بحث «پدرکشی» یا «پدرستیزی» در سینمای ایران، پدیده‌ای تکراری و نگران‌کننده است. از فیلم‌های دهه هفتاد و هشتاد گرفته تا آثار اخیر، بارها شاهد بوده‌ایم که شخصیت پدر به کرات مورد هدف قرار می‌گیرد؛ چه به‌صورت فیزیکی و چه به‌صورت نمادین با سلب اعتبار و اقتدار

او. در «پیر پسر»، این پدرکشی نمادین، در تک‌تک صحنه‌هایی که سهیل در برابر پدرش قرار می‌گیرد، قابل مشاهده است. او نه‌تنها احترامی برای پدر قائل نیست، بلکه او را مانعی بر سر راه اهداف خود می‌بیند.

این نگاه یک‌سویه و سیاه و سفید به مقوله پدر و اقتدار پدری، در جامعه‌ای که همچنان نهاد خانواده و جایگاه پدر در آن از اهمیت بالایی برخوردار است، می‌تواند پیامدهای مخربی داشته باشد. چرا سینمای ما اصرار دارد که پدر را به‌عنوان عامل بدبختی و عقب‌ماندگی معرفی کند؟ آیا این رویکرد، ریشه‌های ایدئولوژیکی یا سیاسی خاصی دارد؟

اگر بپذیریم که هنر، آینه جامعه است، باید پرسید این آینه در «پیر پسر» چه تصویری از جامعه ما بازتاب می‌دهد؟ تصویری از جامعه‌ای که در آن ارزش‌های سنتی از بین رفته‌اند، روابط خانوادگی گسسته‌اند و نسل جوان، راهی جز تقابل با نسل پیشین و ریشه‌های خود نمی‌بیند. این رویکرد، در نهایت به بن‌بست می‌رسد و هیچ راه حلی برای برون‌رفت از مشکلات ارائه نمی‌دهد. فیلم به‌جای ریشه‌یابی واقعی مشکلات اجتماعی و اقتصادی که می‌توانند به آسیب‌هایی مانند اعتیاد یا فروپاشی خانواده منجر شوند، به تخریب و القای یأس می‌پردازد.

به لحاظ فنی، «پیر پسر» از بازی‌های قابل قبول حامد بهداد و حسن پورشیرازی بهره می‌برد که هرچند نقش‌هایشان کلیشه‌ای

برداشت

جشن ۱۰ کیلومتری

از جلوه ملی تا ریشه‌های محلی فرهنگ عاشقی در غدیر



بزرگ‌تر کمتر فرصت بروز پیدا می‌کنند و حفظ آنها به‌غناي کلی فرهنگ ملی می‌افزاید.

مشارکت‌پذیری بیشتر: در مقیاس محلی، مشارکت افراد به‌صورت مستقیم‌تر و ملموس‌تر است که می‌تواند حس تعلق و مسئولیت‌پذیری را در جامعه افزایش دهد.

ایجاد صمیمیت و نزدیکی: جشن‌های محلی، فضایی صمیمی‌تر برای تعاملات اجتماعی فراهم می‌کنند که به تقویت پیوندهای انسانی و همسایگی کمک می‌کند.

تنوع فرهنگی: تنوع در شیوه برگزاری جشن‌ها در نقاط گوناگون کشور، به غنای فرهنگی جامعه می‌افزاید و از یکنواختی جلوگیری می‌کند.

در نهایت، مهمانی ۱۰ کیلومتری غدیر نه‌تنها یک رویداد مذهبی، بلکه یک پدیده فرهنگی چندوجهی است که توانسته روحیه نشاط، همدلی و مشارکت را در جامعه پمپاژ کند. این جشن عظیم، در کنار همه دستاوردهای فرهنگی خود، باید به ما یادآوری کند که ریشه‌های عمیق‌تر فرهنگ دینی و ملی ما در بستر جشن‌ها و آیین‌های محلی و بومی نیز نهفته است. پرداختن به این جشن‌ها، حمایت از برگزارکنندگان آنها و تشویق به مشارکت مردمی در این مقیاس‌های کوچک‌تر، تضمین‌کننده‌پویایی و ماندگاری فرهنگ عاشورایی و غدیری در تمامی ابعاد جامعه خواهد بود. این‌گونه است که فرهنگ ما، در کنار عظمت ملی، اصالت محلی خود را نیز حفظ کرده و نسل به نسل منتقل خواهد شد.

به شیوه‌های نوین و جذاب است. فضای باز این مهمانی، امکان تعاملات فرهنگی گسترده‌ای را از گفت‌وگوهای ساده میان مردم تا تبادل تجربه‌ها و ایده‌ها در میان گروه‌های گوناگون فعال در این جشن را فراهم می‌کند.

با این حال، در کنار این شکوه ملی، ضروری است که از اهمیت و جایگاه جشن‌های محلی و کوچک‌تر نیز غافل نشویم. در حالی‌که مهمانی ۱۰ کیلومتری غدیر در تهران نمادی از عظمت و انسجام ملی است، جشن‌های محلی غدیر، نیمه شعبان یا دیگر مناسبت‌های مذهبی، ریشه‌های فرهنگی عمیق‌تری در جوامع کوچک‌تر دارند. این جشن‌های کوچک‌تر که غالباً با مشارکت خانواده‌ها، محلات، هیئات مذهبی و مساجد برگزار می‌شوند، حامل خرده‌فرهنگ‌ها و آیین‌های بومی هستند که در بستر جغرافیایی و اجتماعی خاص خود شکل گرفته‌اند. مراسمی چون اطعام غدیر در منازل، برگزاری جشن‌های کوچک در مساجد و حسینیه‌ها، پخت نذری‌های محلی، و تجمع‌های صمیمی در کوچه و بازار، نه‌تنها به تقویت همبستگی در سطح محله کمک می‌کند، بلکه به حفظ و انتقال سنت‌ها و آداب و رسوم بومی نیز یاری می‌رساند.

تقویت و پاسداشت این جشن‌های محلی از چند جهت اهمیت دارد:

حفظ اصالت فرهنگی: این جشن‌ها حامل رسوم و باورهای محلی هستند که گاه در مقیاس

یادداشت

لزوم ساماندهی سکوهای نمایش خانگی

سعید رضایی

خبرنگار

عذرخواهی اخیر سکوی «نماوا» در پی حواشی به‌وجود آمده برای سریال «سووشون»، فارغ از محتوای این سریال و قضاوت درباره کیفیت آن، بار دیگر بحث دیرین و مغفول‌مانده «نظارت بر پلتفرم‌های نمایش خانگی» را به صدر اخبار آورد. این عذرخواهی که بیشتر به یک اقدام واکنشی برای فروشاندن اعتراضات و تلطیف فضا شباهت داشت تا یک پژوهش عمیق و مسئولانه؛ سال‌هاست که با گسترش اینترنت و تغییر الگوی مصرف رسانه‌ای، پلتفرم‌های نمایش درخواستی (VOD) جایگاه ویژه‌ای در سبید فرهنگی خانواده‌های ایرانی پیدا کرده‌اند.

این سکوها که قرار بود فضایی برای رقابت سالم، تولید محتوای متنوع و ارتقای سلیقه عمومی فراهم آورند، در غیاب یک نظام نظارتی منسجم و مدون، رفته‌رفته به جزیره‌هایی خودگردان تبدیل شده‌اند که هر از گاهی با تولید یا پخش محتوایی مسئله‌دار، افکار عمومی را جریحه‌دار می‌کنند. ماجرای «سووشون» نمونه‌ای عینی از این ولنگاری نظارتی است. چگونه ممکن است یک محتوای فرهنگی بدون طی مراحل مشخص بازبینی و اخذ مجوزهای لازم، تا مرز انتشار پیش برود و تنها پس از اعتراضات گسترده مردمی و رسانه‌ای، مسئولان پلتفرم به عذرخواهی اکتفا کنند؟ این رویکرد نه‌تنها بی‌احترامی به مخاطب است، بلکه نشان‌دهنده یک ضعف ساختاری عمیق در سازکارهای نظارتی و عدم وجود یک متولی واحد و مقتدر برای ساماندهی این فضا است. واقعیت این است که سکوهای نمایش خانگی در حال حاضر نه تابع ضوابط صداوسیما هستند و نه مشمول نظارت کافی وزارت ارشاد. این خلأ قانونی، دست این پلتفرم‌ها را برای هرگونه تولید و پخش محتوایی باز گذاشته است. باید اذعان کرد که توسعه پلتفرم‌های اینترنتی یک ضرورت غیرقابل انکار در عصر حاضر است و نمی‌توان جلوی رشد آنها را گرفت. اما این به‌معنای رهاسازی این فضا نیست. مسئولان امر، از نهادهای قانون‌گذار گرفته تا مراجع نظارتی، باید به‌سرعت خلأهای قانونی موجود را مرتفع سازند و یک چتر حمایتی-نظارتی هوشمندانه بر این سکوها بگسترانند. این نظارت نه به‌معنای سانسور و محدودیت بی‌رویه، بلکه به‌معنای تعیین چارچوب‌های مشخص، نظارت بر رعایت اصول اخلاقی و فرهنگی جامعه، و جلوگیری از ترویج محتوای نامناسب است. لازم است با همکاری نهادهای ذی‌ربط، یک آیین‌نامه جامع و شفاف برای فعالیت پلتفرم‌های VOD تدوین شود که شامل:

ضوابط مشخص برای صدور مجوز تولید و پخش محتوا؛ شفافیت در فرآیند دریافت مجوز و تعیین مراجع پاسخگو.

تشکیل کارگروه نظارت بر محتوا؛ با حضور نمایندگان نهادهای فرهنگی، کارشناسان مذهبی، روانشناسان و جامعه‌شناسان.

تعیین جریمه‌های مناسب با تخلفات؛ برای تضمین جدیت در رعایت قوانین.

ایجاد سازکارهای پاسخگویی به شکایات مردمی؛ تا مردم بتوانند به‌راحتی اعتراضات خود را ثبت و پیگیری کنند. تشویق به تولید محتوای فاخر و ارزشی؛ با ارائه تسهیلات و حمایت‌های هدفمند.

عذرخواهی نماوا، هرچند دیر هنگام، یک تلنگر و فرصتی برای آغاز یک حرکت جدی برای ساماندهی شبکه نمایش خانگی است. ادامه وضعیت فعلی، نه‌تنها به تولید محتوای بی‌کیفیت و مسئله‌دار دامن می‌زند، بلکه با مخدوش کردن فضای فرهنگی جامعه، می‌تواند پیامدهای جبران‌ناپذیری به‌همراه داشته باشد. وقت آن رسیده که به‌جای عذرخواهی‌های بی‌ثمر، گام‌های جدی برای ایجاد زیرساخت‌های لازم برای سامان دادن و قانونمندسازی پلتفرم‌ها برداشته شود. جامعه، بیش از هر زمان دیگری نیازمند یک فضای فرهنگی سالم، قانونمند و مسئولانه است.

سختگیری بر دشمن تا کجا؟!

سید علی میرهادی

کارشناس علوم اسلامی

قرآن کریم به عنوان کتاب راهنمای زندگی مسلمانان، در مسائل گوناگون اجتماعی، سیاسی، اخلاقی و انسانی دستوراتی را ارائه کرده است که یکی از این مسائل «برخورد با دشمنان» است. موضوع برخورد با دشمن در قرآن به ویژه در زمینه های مختلفی چون جنگ، صلح، آشتی و حسن سلوک بررسی شده است اما آنچه که مهم است این است که قرآن هیچ گاه به طور مطلق از سخت گیری بی جا یا خشونت غیر ضروری در برابر دشمنان حمایت نکرده، بلکه بر اصل عدالت، نرم خوئی و رعایت اخلاق اسلامی تأکید داشته است. در قرآن کریم، برخورد با دشمنان همیشه تحت شرایط خاصی تعریف شده است. یکی از مهم ترین اصولی که قرآن بر آن تأکید دارد این است که خشونت و سخت گیری باید در موارد صحیح و در چارچوب اصول اخلاقی باشد. قرآن در آیای می فرماید: «و در راه خدا با کسانی که با شما می جنگند، بجنگید و از حد تجاوز نکنید. بپیمان خداوند تجاوزکاران را دوست ندارد.» (بقره/۱۹۰) این آیه نشان می دهد که جنگ و برخورد با دشمن تنها در صورتی مجاز است که دشمن ابتدا اقدام به جنگ کرده باشد و مسلمانان تنها در دفاع از خود باید وارد میدان شوند. خداوند از ما خواسته تا در برخورد با دشمنان، از هر گونه تجاوز و سخت گیری بی مورد خودداری کنند و در هر شرایطی رعایت انصاف و عدالت را داشته باشند.

قرآن کریم همچنین در مواقعی که دشمن بسمت صلح و آشتی گرایش نشان دهد، مسلمانان را به برقراری صلح و آشتی دعوت کرده است. در آیهای دیگر، خداوند می‌فرماید: «اگر آنها به صلح گرایش نشان دهند، تو نیز به آن گرایش نشان بده و بر خدا توکل کن که او شنوا و ناست.» (انفال/۶۱) در قرآن کریم، حتی در مواقع جنگ، دشمنان نیز از برخی حقوق انسانی برخوردارند. در آیهای دیگر آمده است: «و اگر یکی از مشرکان از تو پناه بخواهد، پس او را به مکانی امن خدا ران بشتود، سپس او را به مکانی امن بده برسان.» (توبه/۶) خداوند دستور می‌دهد که دشمنان حتی در زمان جنگ از حقوقی برخوردار هستند. مسلمانان باید به کسانی که خواسته‌اند آشتی کنند یا از جنگ فرار کرده‌اند، پناه بدهند و آنها را در امان نگه دارند تا بتوانند حقیقت اسلام را بشنوند. در اینجا نیز سخت‌گیری و اعمال خشونت نه تنها مجاز نیست، بلکه قرآن بر رفتار انسانی و احترام به کرامت انسان تأکید دارد. مسلمانان حتی در مواجهه با دشمنان و کسانی که به آنها بدی کرده، باید تلاش کنند که با رفتار نیکو و نرم‌خو، بدی را دفع کنند. این روش نه تنها موجب اصلاح رفتار فردی که به شما آسیب رسانده است، می‌شود، بلکه می‌تواند تأثیر مثبتی بر جامعه و محیط اطراف نیز بگذارد. در قرآن، برخلاف آنچه ممکن است برخی برداشت کنند، هیچ‌گاه به مسلمانان توصیه نشده است که در مواجهه با دشمنان خود بی‌رحم و سخت‌گیر باشند. اما طبق توصیه‌های مختلف، دستور داده شده که اقتدار باید محکم و با اراده باسیم که دشمن نتواند ما را شکست دهد و حتی به عقب براند. در اصل این نرم‌خو بودن برای زمانی غیر از جنگ است که جلوگیری شود از جنگ اما وقتی جنگی آغاز شد، فقط باید با شدت و خشم پاسخ دشمن را بدهیم تا نتواند موفقیتی به‌دست بیاورد.

سید حسین

خاتمی خوانندگاری

دبیر گروه معارف

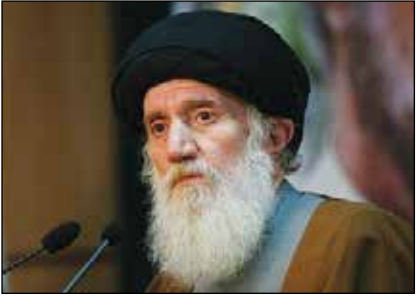


در دنیایی که نیروهای شرور هر لحظه به دنبال ایجاد مزاحمت برای مسیر صحیح انسانیت هستند، صلح و آرامش و آسایش را باید طوری معنا کرد که مطلوب نیروهای شرور نباشد. یعنی هنگامی که قدرت در اختیار بردگان شیطان قرار می‌گیرد، صلح و آرامش معنایی دارد که به سوشان باشد. معانی، مفاهیم و تعاریف باید بر مبنای عقل و حکمت باشد نه آنکه هر کسی به محض رسیدن به قدرت آن‌را تغییر دهد و از انسان‌ها بخواهد که معتقد و مقید به آن باشند. آری، در دنیای امروز که جنگ‌ها، اختلاف‌ها و کشمکش‌ها در سطوح مختلف جهانی و حتی داخلی در حال وقوع است، مفهوم صلح و آرامش به یکی از اساسی‌ترین دغدغه‌های انسان‌ها تبدیل شده است. در این دین، حقیقت صلح و آرامش در قالب آموزه‌های دینی و به‌ویژه در قرآن و روایات اهل بیت(ع) از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. دین اسلام، به‌ویژه در آموزه‌های اهل بیت(ع)، همواره از صلح، دوستی، همزیستی، مسالمت‌آمیز و دوری از جنگ و خونریزی به‌عنوان ارزش‌هایی بنیادی یاد کرده است اما آنچه در این

سلوک

به شیطان رو ندهیم

آیت‌الله سیدعبدالله فاطمی‌نیا: شیطان را باید شناخت. شیطان می‌دهند، می‌گویند شیطان قوی است. نه شیطان قوی نیست، ما به شیطان رو می‌دهیم. ما بچه بودیم در محلات و خانه‌های پر درخت تبریز بازی می‌کردیم. دیدیم ناله یکی از بچه‌ها بلند شد. دیدیم یک بچه عقرب پیدا شد، از مورچه کمی بزرگ‌تر. این بچه داشت سیاه می‌شد طفلک. بچه عقرب از بند انگشت هم کوچک‌تر بود. عقرب فقط یک لنگه کش می‌خواهد. شما بدان نمی‌توانید بگویید عقرب قوی است، ولی موذی است. رو او را می‌آید در آستین آدم. شیطان هم ضعیفی است. نگویید قوی است. این طور بگویید و روبروی خدا ایستاده‌اید. شیطان قوی نیست، موذی است.



منبر

رابطہ ظہور و عاشورا

گفتاری از حجت الاسلام مصطفایی



نزدیک به وقوع می‌بینیم. کسانی که می‌رسند تا آن زمان چه کسی زنده و چه کسی مرده است، در پاسخ باید به آنان گفت که باید روحان آماده باشند. روایتی از امام موسی بن جعفر (ع) هست که به «علی بن یقطين» می‌فرماید: «إِنَّ الشَّيْعَةَ تُرْبَى بِالْأَمَانِي مِنْذُ بَائَتِي سَنَةً»؛ ابام هجران و سختی و محنت‌های شیعیان، با ظهور حق و پدیدار شدن قدرت در دستان حق به پایان می‌رسد. این،

الهی روز رستاخیز از قبر برمی خیزیم. حال که فرصت تدارک دیدن و جبران هست، باید کاری کنیم. نکته‌ای که بسیار مهم است و این روزها بیشتر به آن نیازمندیم، ایام عزای امام حسین (ع) است. امری که به این عزا مرتبط است، رساندن مطلب نزدیک بودن ایام ظهور و وعده قطعی و حتمی رب‌العالمین است. «إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعْدَ وَرَأَاهُ قَرِيبًا»؛ آن‌ها آن روز را دور می‌بینند، ولی ما

مکتب

مفهوم صلح در دنیای اشرار

میان حائز اهمیت است، این است که باید درک درستی از این مفاهیم داشت و از سوءاستفاده‌ها و تفسیرهای نادرست جلوگیری کرد.

صلح در مفهوم عمومی خود به معنای نبود درگیری، جنگ و خشونت است. اما در نظر دین اسلام، این مفهوم به مراتب عمیق‌تر و گسترده‌تر است. صلح به معنای واقعی آن نه تنها به معنای عدم جنگ است، بلکه به معنای برقراری روابط بر مبنای عدالت، همدلی و همکاری است. قرآن کریم در آیه‌ای می‌فرماید: «وَإِنْ جُنَحُوا لِلْسَّلَامِ فَأَجْزَئُهُمْ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ»؛ اگر آنها به صلح گرایش نشان دهند، تو نیز به آن گرایش نشان بده و بر خدا توکل کن که او شنوا و داناست. (انفال/۶۱) این آیه نشان می‌دهد که صلح و گرایش به آن باید همواره اولویت باشد، به‌ویژه زمانی که طرف مقابل هم به آن تمایل داشته باشد. در حقیقت، اسلام به صلح به‌مزله یک گزینه استراتژیک و انسانی نگاه می‌کند، نه به‌معنای آن تسلیم یا ضعف. وقتی ما می‌توانیم با کسی در صلح و سازگاری باشیم که او هم اینچنین باشد و در عین اینکه می‌خواهد ما را روابط دوستی و حسنه برقرار کند در فکرش هزاران نقشه برای نابودی ما نداشته باشد. امام علی(ع) در نامه به مالک اشتر از صلح حقیقی سخن به میان آورده و حدود و شرایطش را معین می‌فرماید که: «وَلَا تَدْفَعَنَّ صُلْحًا عَاكَ إِلَى اللَّهِ»

عَلَّوْكَ... ایشان شیعیان خود را به آگاهی و مراقب توصیه می‌فرمایند که دشمنان با زبان صلح برای آنان تله‌گذاری نکنند، غافلگیرشان نکنند و به آنان هجمه نبرند. دشمنان حقیقی ما با هزاران ترفند از جمله صلح و سازش می‌خواهند بر ما تسلط پیدا کرده و تا جایی که می‌توانند نیروی ما را تضعیف کنند. یکی از نکات مهمی که در دین اسلام به آن توجه شده است، این است که صلح نباید به هر قیمتی و از هر جهت پذیرفته شود. به‌عبارتی دیگر، صلح باید بر مبنای اصول اخلاقی و انسانی باشد، نه صلحی که برای منافع شخصی و منافع قدرت‌های ظالم صورت گیرد. یکی از مهم‌ترین اصولی که در آموزه‌های دینی درباره صلح و دوستی آمده، عدالت است.

اسلام همچنین بر اهمیت حفظ صلح و آرامش در زمان‌های قدرت و تسلط تأکید دارد. در واقع، این زمان‌ها فرصتی است که در آن قدرت‌مداران می‌توانند از جایگاه خود برای برقراری صلح و پیشرفت اجتماعی استفاده کنند. اما این قدرت نباید به ابزاری برای تحمیل دیدگاه‌های غلط و غیرانسانی تبدیل شود. صلح و دوستی در آموزه‌های اسلامی نه تنها به‌معنای عدم درگیری است، بلکه به‌معنای ایجاد محیطی سالم، عادلانه و مبتنی بر احترام متقابل است. قرآن کریم و روایات اهل بیت (ع) همواره به صلح به‌عنوان یک

احكام

وقت نماز!

سرخ: دلیل مذهب شیعه در مورد وقت نمازهای روزانه چیست؟
 همان گونه که می دانید اهل سنت، با داخل شدن وقت نماز عشا، نماز
 قرب را قضا می دانند و همچنین در مورد نماز ظهر و عصر هم به
 همین ترتیب است. بنابراین معتقدند که وقتی وقت نماز عشا داخل شد
 امام جماعت برای خواندن آن به پا خاست، مأمو نمی تواند همراه او،
 باز مغرب را بخواند و نماز مغرب و عشا را در یک زمان به جا آورد.
سرخ: دلیل شیعه، اطلاق آیات قرآنی و سنت شریف است، به
 اضافه روایاتی که به خصوص دلالت بر جواز جمع دارند. نزد
 اهل سنت هم روایاتی وجود دارد که دلالت بر جواز جمع بین
 نماز در وقت یکی از آن دو می کند.

آیت الله العظمی خامنه ای، اجوبه الاستفتائات، سؤال ۳۴۵



تاریخ نگار

روز مباحثه

۹ سال نهم هجری قمری پس از آنکه نمایندگان مسیحیان
بجبران حاضر به پذیرش اسلام نشدند، پیامبر (ص) به دستور
خداوند متعال، آنان را به مباحله دعوت کرد. مباحله بمعنای
عنت کردن یکدیگر بر دروغگو است.

پایامبر (ص) به همراه حضرت علی (ع)، حضرت فاطمه (س) و امام حسن (ع) و امام حسین (ع) برای مباحله با مسیحیان نجران حاضر شدند و این امر سبب شد که مسیحیان از مباحله منصرف شوند. مسیحیان نجران که عظمت و نورانیت چهره پیامبر (ص) همواره آنان را خدایتان می‌دیدند، از مباحله ترسیدند و از ترس عذاب الهی، از این کار منصرف شدند و حاضر به پرداخت جزیه و پذیرش شرایط پیامبر (ص) شدند.



خبر

گردن تجاوزکنندگان به خاک ایران را خواهیم شکست



سختگوی ستادکل نیروهای مسلح با تأکید بر اینکه گردن تجاوزکنندگان به خاک ایران را خواهیم شکست، گفت: رژیم صهیونیستی کوچکتر از آن است که به کشور ما آسیب جدی وارد کند.

سردار ابو الفضل شکارچی سختگوی ستادکل نیروهای مسلح ضمن محکومیت جنایت رژیم صهیونیستی در حمله به صداوسیما جمهوری اسلامی گفت: صداوسیما نمادی از شجاعت، شهامت و استقامت را در زمان موشک باران رسانه ملی از کارکنان شاهد بودیم.

این روحیه که بر خواسته از عمق ایمان است را خدمت همه کارکنان تحریک می‌گویم. وی افزود: خانم امامی شجاعت بالایی را داشت که این گوشه ای از افتخارات ملت ایران است.

سختگوی ستادکل نیروهای مسلح مطرح کرد: بر اساس رسالتی که بر دوش ماست، دشمن ورژیم، صهیونیستی صدای حق طلبانه ملت ایران و آزادی خواهان جهان را میخواند خاموش کنند اما این صدا خاموش نخواهد شد.

سردار شکارچی اظهار کرد: رژیم صهیونیستی از روی شکست های پی در پی دست به چنین جنایتی زده است، کجای دنیا تشکیلاتی به نام صداوسیما که بی سلاح هستند را حمله میکند.

وی ادامه داد: باید به دنیا گفت که نمی‌شود به ساختارهای بین‌المللی اعتماد کرد. نیروهای مسلح جمهوری اسلامی از آغاز تجاوز به همان وعده صادقی که داده بودند، عمل کردند.

پایان این جنگ را ما تعیین خواهیم کرد سختگوی ستادکل نیروهای مسلح بیان کرد: ما گفته بودیم که آغازگر هیچ جنگی نیستیم اما رژیم صهیونیستی آغازگر جنگ بود و بنده از طرف نیروهای مسلح این پیام را به رژیم صهیونیستی می‌دهم که پایان این جنگ را ما تعیین خواهیم کرد.

سردار شکارچی گفت: دست جمهوری اسلامی کاملاً پر است، رژیم با عوامل خودفروخته و خائن دست به جنایت می‌زند زیرا توان رویارویی مستقیم با نیروهای مسلح جمهوری اسلامی را ندارد.

فرماندهان جدید با قدرت و صلابت راه را ادامه خواهند داد

وی با بیان اینکه فرماندهان جدید ما با همان قدرت و صلابت راه را ادامه خواهند داد، اظهار کرد: با موضوع شهادت کشور ما مقتدرتر می‌شود با قدرت بیشتر به رژیم صهیونیستی خواهیم تاخت.

سختگوی ستادکل نیروهای مسلح خاطرنشان کرد: هر کس که به خاک ایران تجاوز کند، گردنش را خواهیم شکست ورژیم صهیونیستی کوچکتر از آن است که به کشور ما آسیب جدی وارد کند.

نابودگر گروهک‌های تروریستی



در روزهایی که امنیت ملی و انسجام درونی ایران بیش از هر زمان دیگری مورد توجه افکار عمومی قرار گرفته است، انتصاب سردار سرتیپ پاسدار دکتر محمد پاکپور به‌عنوان فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نقطه عطفی در ساختار دفاعی کشور تلقی می‌شود. شخصیتی نظامی، کارآزموده و دارای سابقه‌ای درخشان در عرصه‌های عملیاتی و علمی که سال‌ها در خط مقدم دفاع از مرزهای کشور ایفای نقش کرده است. پس از شهادت سردار حسین سلامی، رهبر معظم انقلاب طی حکمی سردار محمد پاکپور را به سمت فرماندهی کل سپاه منصوب کردند.

تأکید بر خودکفایی و اقتدار

سردار پاکپور همواره مواضعی روشن، صریح و بی‌تعارف در برابر تهدیدات خارجی داشته است. در یکی از بیانات معروفش عنوان کرد: «آغاز جنگ با ایران بازی با دم شیر است»، جمله‌ای که بارها در رسانه‌های داخلی و خارجی بازتاب یافت و نشانه‌ای از نگاه تهاجمی و بازدارنده فرماندهان نظامی ایران در برابر دشمنان تلقی شد.

او بارها تأکید کرده که توانمندی‌های دفاعی جمهوری اسلامی ایران به مرحله‌ای رسیده که قدرت‌های غربی دیگر باور ندارند بتوانند با روش‌های سنتی نظامی ایران را تهدید کنند. همین نگاه راهبردی باعث شده که بسیاری از تحلیل‌گران غربی، سردار پاکپور را به‌عنوان یکی از معماران بازدارندگی دفاعی ایران بدانند.

فرماندهی برای دوران بحران‌ها

سردار محمد پاکپور اکنون در نقطه‌ای ایستاده که باید فرماندهی کل سپاه پاسداران را در دوره‌ای حساس از تاریخ ایران بر عهده بگیرد؛ دوره‌ای که با چالش‌هایی چون تهدیدات منطقه‌ای، فشارهای بین‌المللی، جنگ‌های ترکیبی، و تحولات داخلی همراه است.

او با تجربه‌ای بیش از ۴۰ سال در سپاه، تسلط به جغرافیای سیاسی، آشنایی میدانی با تهدیدات و سابقه حضور میدانی در مرزهای بحران‌خیز، گزینه‌ای طبیعی برای این مسئولیت تلقی می‌شود. مسیر آینده سپاه با فرماندهی او می‌تواند بازتابی از همان ترکیب سنتی سپاه یعنی آمادگی رزمی، مردمی‌بودن، و نگاه مکتبی به دفاع از آرمان‌های انقلاب اسلامی باشد.

سپاه

شاهد ۱۰۲ رونمایی شد

جدیدترین پهپاد انتحاری نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بانام پهپاد شاهد ۱۰۷ رونمایی شد. تاکنون جرنیاتی از این پهپاد جدید منتشر نشده است اما برابر تصاویر منتشر شده، شاهد ۱۰۷ پهپادی انتحاری با موتور پیستونی است که به نظر می‌رسد برد آن بیش از ۱۵۰۰ کیلومتر باشد.

اخیرا تصاویری از نزدیک شدن یک پهپاد انتحاری ایرانی شبیه شاهد ۱۰۷ به سامانه پدافند ضد موشکی پیکان ۳ در فلسطین اشغالی به نمایش در آمده است.

در صورتیکه تصاویر منتشر شده مربوط به شاهد ۱۰۷ باشد این پهپاد توانایی بالایی در نفوذ به لایه‌های پدافندی رژیم صهیونیستی دارد ودر صورت استفاده انبوه قادر خواهد بود ضرابت قابل توجهی به توانایی‌های پدافندی رژیم وارد کند.



قهرمان به جای قهرمان



«سیدعبدالرحیم موسوی» بعد از شهادت سردار محمدباقری توسط رژیم صهیونیستی به‌عنوان رئیس ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران منصوب شد. با این انتصاب برای نخستینبار، یک فرمانده ارتش به سمت ریاست ستاد کل نیروهای مسلح ایران (که‌عالی‌ترین مقام نظامی در ایران است) رسید. موسوی متولد سال ۱۳۳۸ در قم است. وقتی ۲۰ ساله بود به عضویت ارتش درآمد و از همان سال تحصیل در دانشکده افسری نیروی زمینی ارتش را آغاز کرد. او از جانبازان جنگ ایران و عراق محسوب می‌شود. موسوی دانش‌آموخته دکتری مدیریت دفاعی از دانشگاه عالی دفاع ملی و آموزش‌دیده دانشکده افسری نیروی زمینی ارتش است و عضو هیئت علمی دانشگاه عالی دفاع ملی است.

او در طول جنگ ایران و عراق به‌عنوان یکی از اعضای ارتش در رسته توپخانه حضور داشت. از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۷ ریاست ستاد مشترک ارتش را برعهده داشت و در فاصله سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۵ به‌عنوان جانشین فرمانده کل ارتش فعالیت می‌کرد. موسوی ازسال ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۶ جانشین رئیس ستاد کل نیروهای مسلح بوده است و از سال ۱۳۹۶ به‌عنوان فرمانده کل ارتش جمهوری اسلامی ایران فعالیت می‌کند.

ارتشی جوان در جنگ ایران و عراق

موسوی در جنگ ایران و عراق ابتدا به منطقه کردستان اعزام شد و در لشکر ۲۸ کردستان، در جبهه‌های جنگ غرب حضور پیدا کرد، سپس به گروه ۳۳ توپخانه نیروی زمینی ارتش پیوست و در جبهه‌های خوزستان فعالیت کرد. وی در عملیات‌های والفجر ۴، والفجر ۹، بیت‌المقدس ۵، قادر، نصر و چندین عملیات دیگر حضور داشت.

فرماندهی کل ارتش جمهوری اسلامی

او پس از پایان جنگ و در سال ۱۳۷۶ دوره دافوس را طی کرد و دوره نظری دکتری مدیریت دفاعی را نیز در دانشگاه عالی دفاع ملی به پایان رساند. وی از شهریور سال ۱۳۸۴ تا تیرماه سال

هنوز اصل کاری روندیدید!

فرمانده اسبق سپاه پاسداران، با اشاره به تحولات اخیر منطقه، تأکید کرد که جمهوری اسلامی ایران وارد یک جنگ تمام‌عیار با رژیم صهیونیستی شده و راهبرد کشور، مقاومت تا پیروزی کامل است.

محسن رضایی با اشاره به موقعیت ژئوپلیتیکی ایران که آن را «قله شمشیر و گنج» توصیف کرد، گفت: تسلط بر ایران به معنای کنترل انرژی منطقه و تعیین رژیم‌های سیاسی دلخواه در منطقه است.

وی با اشاره به موازنه قوا میان ایران و رژیم صهیونیستی، تأکید کرد: ما هنوز با خویشتن‌داری عمل می‌کنیم و از همه توان خود استفاده نکرده‌ایم. اما اگر نیاز باشد، وارد مراحل بعدی خواهیم شد. افکار عمومی داخلی و بین‌المللی آماده همراهی است و اگر دشمن گام دیگری بردارد، با پاسخ‌هایی روبه‌رو خواهد شد که می‌تواند کل معادلات منطقه را تغییر دهد.



صداق

هفته نامه

سیاسی، فرهنگی و اجتماعی
صاحب امتیاز
معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه
مدیرمسئول:یدالله جوانی
سرمدیر:علی حیدری

شورای سیاست گذاری:
سیامک باقری،سعدالله زارعی،
عزیز غضنفری،فرهاد مهلوی، مهلدی سعیدی،
فتح الله پریان،علی قاسمی، حسین عبدالمهی فر
دبیر تحریریه:سیدفخرالدین موسوی
مدیر فنی: محمد صالح نادری
نگارش و ویرایش: محبوبه حاجی آقایی
صفحه‌آرا:علی اکبر هدایتی
عکاس: حامد گودرزی
ناظر چاپ: سعید قاسمی

چاپ: مرکز چاپ سپاه: ۰۲۱)۳۸۵۲۲۴۴۶
تلفن: ۰۱۱۰ و ۷۷۴۶۰۱۰۰ (۰۲۱)
basirat.ir
@ssweekly
نمبر: ۷۷۴۸۸۴۲۶
سامانه پیامک: ۰۲۳۳۰۰۹۹۰

شماره ۱۱۹۲ | دوشنبه ۲۶ خرداد ۱۴۰۴

کتابخانه

سپیده بر سران لشکر ابابلیلم

علیرضا قزوه شعر جدیدی خطاب به شهیدان حمله بامداد جمعه ۲۳ خردادماه رژیم صهیونیستی به خاک ایران سرود:

ببین که صاحب عشق سلیم و عقل سلیم به غیر دوست سرش را نمی کند تسلیم کسی که عطر خدایی گرفته جان و تش نگاه کن چه سبکبال می رود چو نسیم چه عاشقانه و مستانه نوش جان کرده ست از آن شراب که از کوثر است و از تسنیم چو صبح سعد غدیر آمد و اذان در داد زمانه نام شما را نوشت بر تقویم اگر شهادت پادرمیانی نکنند چگونه تازه شود عهد دوستان قدیم؟ سلام بر تو سلامی و حاج زادهی ما که بود دانش تان دانش هزار حکیم رشید و باقری از درک ما بزرگ ترند که در دشان چه بزرگ است و داغشان چه عظیم سران جهل جهان تیر می زنند مدام به واضعنا شفا، شارحان التفهیم عدوی بوعلی و خواجه اند و بیرونی چه حکمت است که علامه می کشند و حکیم حکیم عالم، عباسی است و طهرانچی در این زمانه که شد عقل و عشق ما تحریم همیشه سهم شهیدان مان ثواب جزیل هماره قسمت بدخواهشان عذاب علیم کریم ابن کریم ایم و از تبار شهید که هست نسبت صهیون لنیم ابن لنیم الا بزرگ اماما بزرگتر شده ای به برکت نفس و غیرت توایم قویم بزرگتر شده ای ای امام و سرور ما که یک جهان به بزرگیت می برد تعظیم ز سحر سامریان هیچ بیم مان نبود که هست در کف تو این زمان عصای کلیم هنوز شور تو داریم، پیشوای بزرگ رضا به راه تو دادیم ای خدای کریم تو ای ستاره که رخشان تری ز هفت اختر به حرمت تو قسم می خورند هفت اقلیم ببین که صهیون کودک کش است و دانش کش سیاه روی تر از این شد آن سیاه کلیم هزار مرتبه از نو شکوفه می بندیم اگر چه ما را از داغ تان دلی ست دو نیم چه حکمتی ست که خون های پاکتان ما را به غیر درس شهادت نمی دهد تعلیم به "رعد" و "فاتح" و "سجیل" و "نازعات" قسم ز خشم خویش تل آویو را کنیم جحیم چه غم ز حیلت فرعون و فتنه نمود که پیر و مرشد ما موسی است و ابراهیم سپیده بر سران لشکر ابابلیلم که ما عذاب الیمیم، ما عذاب الیم به خان آخر تاریخ رستمانه بزن شهاب فاتح ما را به جان دیور جیم وطن اگر به منت حاجتی ست این دل و جان مرا سری ست که با شوق می کنم تقدیم ز برکت شهدا این وطن حرم شده است که دور باد حوادث ازین خجسته حریم

صبحانه

پله موفقیت

شکست جزئی از زندگی است که می تواند پله های زیر پایت را محکم تر کند. برای همین است که برنده ها از شکست خوردن نمی ترسند، ولی بازنده ها چرا! شکست، بخشی از فرآیند موفقیت است. کسانی که از شکست دوری می کنند از موفقیت به اندازه های سال های زندگی شان دور شده اند.

داستان

ما راهمان را رفتیم!

وحشی بودن ملت بود؛ این قانون کاری کرد که خون مردم به جوش بیاید. امانی و یارانش، زیر نور کم‌سوی چراغ نفتی، تصمیم گرفتند؛ منصور باید برود.

عملیات را «بدر» نامیدند، نامی که بوی جنگ و ایثار می‌داد. حاج‌صادق، با آن آرامش عجیبش، نقشه را کشید. محمد بخارایی، جوانی تند و تیز با چشمانی که انگار شعله می‌کشید، انتخاب شد برای شلیک نهایی. «حاج‌هاشم» برادر صادق، و مهدی عراقی، قرار بود سایه‌به‌سایه او باشند. میدان بهارستان، قلب تهران، صحنه نبرد شد.

صبح یکم بهمن، بهارستان مانند همیشه شلوغ بود. کالسکه‌ها و ماشین‌ها می‌آمدند و می‌رفتند. منصور، با آن کت‌وشلوار خاکستری و کیف چرمی‌اش، از پله‌های مجلس پایین آمد. بخارایی، کلاه بشمی‌اش را پایین کشیده بود، نزدیک شد. دستش توی جیبش بود، روی قبضه کلت. یک لحظه، فقط یک لحظه، نگاهش با نگاه منصور گره خورد. بعد، صدای شلیک. سه گلوله. منصور روی سنگ‌فرش‌های سرد میدان افتاد، خونش زمین را رنگین کرد. بخارایی دوید، اما مأموران ساواک مانند سگ‌های شکاری دنبالش بودند تا بالاخره گرفتنش.

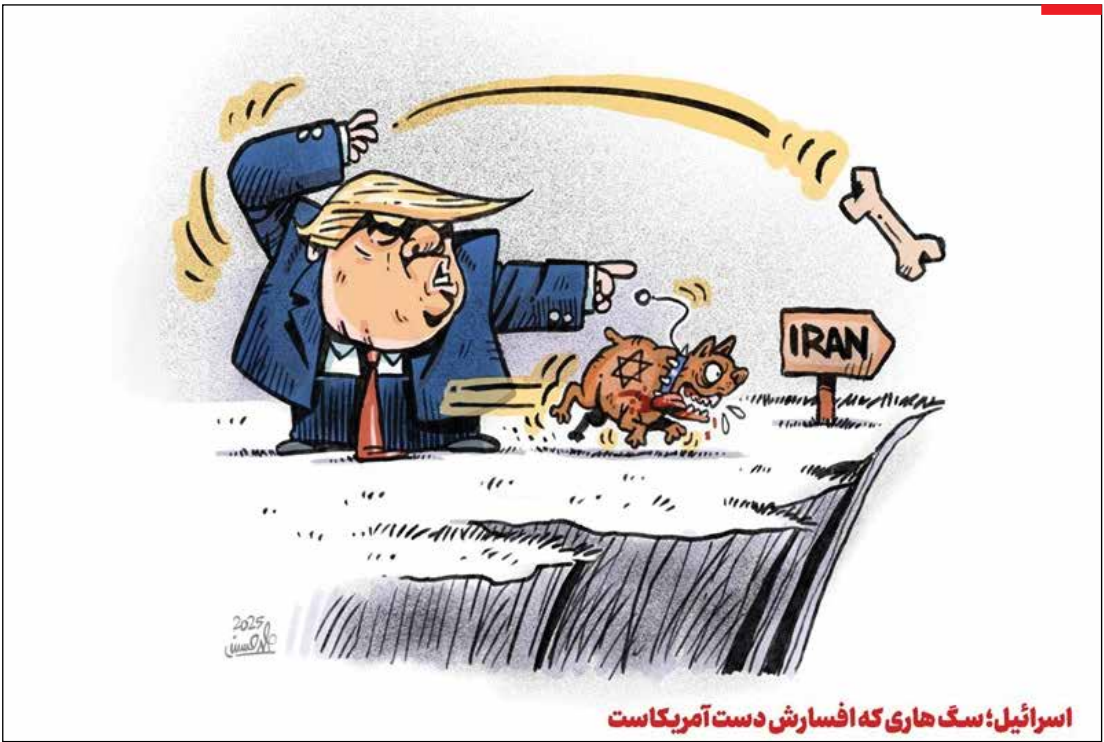
حاج‌صادق و بقیه، تسوی کوچه‌های تنگ شوش پراکنده شدند. اسلحه‌ها را به امانی

دادند و گریختند. اما شهر انگار تله شده بود. مأموران ساواک، مانند گرگ، بو کشیده بودند. صادق ده روز در خانه «سیدابوالقاسم رضوی فرد» مخفی شد. شب‌ها، زیر نور مهتاب، دعا می‌خواند و به یارانش فکر می‌کرد. اما ساواک، با آن چنگال‌های بی‌رحمش، پیدایش کرد. مهدی عراقی و عسگر اولادی هم گرفتار شدند.

دادگاه، نمایشی بود برای رژیم. قاضی با عینک ته‌استکانی و لحن خشکش، حکم را خواند: اعدام برای حاج‌صادق، بخارایی، صفارهرندی، نیک‌نژاد، و اندرزگو که غیابی بود. عراقی و عسگر اولادی به حبس ابد رفتند. علما اعتراض کردند، اما گوش رژیم بدھکار نبود. سحرگاه ۲۶ خرداد سال ۴۴، توی پادگان حشمتیه، حاج‌صادق و یارانش رو به قبله ایستادند. صادق، آرام، زیر لب زمزمه کرد: «ما راهمان را رفتیم.» طناب‌ها تکان خوردند و سایه‌هاشان روی دیوار پادگان گم شد.

تهران آن روز ساکت بود، اما خشم مردم زیر پوست شهر می‌جوشید. حاج‌صادق و یارانش رفتند، اما نامشان، مانند بمبی که خودش می‌گفت، در تاریخ صدا کرد. مبارزه ادامه داشت، تسوی کوچه‌های تنگ، توی قلب‌های جوان، تا روزی که رژیم دیکتاتور پهلوی از هم بپاشد.

تلخند



اسرائیل؛ سگ هاری که افسارش دست آمریکا است

چهارمین یادواره سرداران و

۱۱ شهید آماد و پشتیبانی سپاه قدس استان کیلان

همزمان با سالروز شهادت شهید ابراهیم رضوانی

شنبه ۳۱ خرداد ۱۴۰۴ (بعد از نماز مغرب و عشاء)

لشت نشاء ، مزار شهید گمنام

صادقانه

ویژگی مال حرام!

امام کاظم(علیه‌السلام) فرمود: «مال حرام رشد نمی‌کند، و اگر هم افزایش یابد برکت ندارد، و آنچه را هم که از حرام، اتفاق کند، پاداش ندارد، و آنچه را هم که باقی گذارد، رعتوشه او به‌سوی آتش جهنم است.»

مسند الامام الکاظم(علیه‌السلام)، ج ۲، ص ۳۷۹

غیر رسمی

می گفتند این لوله بخاری است یا موشک؟



یکی از مشکلاتی که در دوران دفاع مقدس با آن مواجه بودیم، تانک‌های عراقی بود. آن زمان آقای «محسن رضایی» پیگیر ساخت سلاحی برای مقابله با تانک‌ها بود. به این ترتیب گروهی برای ساخت موشک‌های ضدتانک تشکیل شد که من هم عضو آن بودم. آن زمان فرصت کوتاهی برای ساخت موشک به ما دادند در حالی‌که خود آمریکایی‌ها برای ساخت این موشک نزدیک به ده سال زمان صرف کرده بودند. ضمن اینکه ما با کسانانی وارد این حوزه شدیم که سطح دانش‌شان از علوم هوافضا بسیار پایین بود. اما با جدیت کار را پیگیری کردیم. در آن برهه بسیاری از مقامات برای بازدید از روند کار آمدند. بدنه موشک شبیه یک استوانه بود. خوب یادم هست که برخی از مسئولان که برای بازدید آمده بودند، می‌گفتند اینها لوله ساخته‌اند و مدعی هستند که موشک می‌سازند!

اما پس از اینکه رهبر معظم انقلاب تشریف آوردند و از پروژه دیدن کردند، سبب شد تا پروژه به تعطیلی نکشد. در آن دیدار حضرت آقا که در کسوت رئیس‌جمهور بودند، تعبیری فرمودند که هنوز هم با یادآوری آن تعبیر، احساس جوش و خروش و امیدواری در من دوچندان می‌شود. دقیقاً به یادم مانده است که در خرداد سال ۱۳۶۵ بود که ایشان از مراحل داخلی‌سازی موشک‌های ضد تانک «تاو» بازدید کردند. در جریان آن بازدید که نخستین دیدار رسمی من با ایشان بود، گزارشی از روند کار را به ایشان ارائه کردم. آن زمان برخلاف اظهارات مایوس‌کننده برخی از مسئولان، رهبر معظم انقلاب پس از بازدید از مجموعه فرمودند: «این‌جا چشمه‌ای جوشیده که بعدها تبدیل به جویبارها خواهد شد.»

منوچهر منطقی
مدیرعامل سازمان صنایع هوایی کشور

حسن ختام

دل‌های بی‌قرار

مولای من، ای تجلی نور در تاریکی! دلم چون کویری تشنه، نام تو را زمزمه می‌کند و چشم‌هایم در افق دوردست، به‌دنبال تو می‌گردد.

مولا جان! هر سحر، با دعای فرج، پنجره قلبم را به‌سوی تو می‌گشایم و با عطر ندبه، روحم را صیقل می‌دهم. کرچه‌های دلم را با اشک‌های عاشقی شست‌وشو می‌کنم تا خانه قلبم به‌سوی نگاه تو آب و جارو شود.

محبوب من! سفره ساده‌ام را با آیات عشق و ذکر تو سل آراستهم، به امید آنکه روزی، مهمان نگاهت شوم. می‌دانم آدینه‌ای که می‌آیی، آسمان، رنگ‌رهایی می‌گیرد و زمین، ضربان عدالت تو را حس کند.

ای صاحب قلب‌های منتظر! دفتر زندگی‌ام را با خطوط صبر و امید می‌نویسم، تا روزی که بیایی، خط به خط آن را برایت بخوانم. بیا که بی‌تو، جهان ناقص است و دل‌ها در حسرت یک نگاه تو، بی‌قرار.